تکشماره ۴ ریال

حقیقت

شماره ۶۰ ۷ اسفند ۱۳۵۸

جاویدان باد خاطره رفیق شهید کاک وریا مدرسی

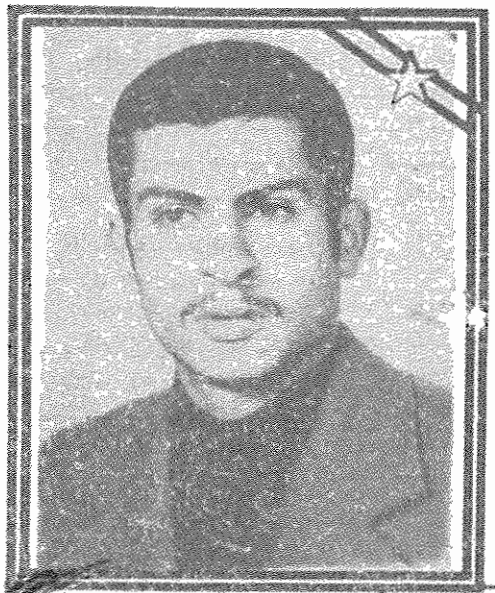

حرف و عمل بنی صدر

همه میل "گفتگو انقلاب اسلامی" مستقیل کردن رژیم سابق" و وزیر کردن مدرسی صدر در سطح مقطعی رئیس جمهور شد و سیاست خود را در زمینه های گوناگون ارائه داد. او گفت که در رأس برنامه وی "ریشه کن

بقیه در صفحه ۲

در صفحه ۴

کردستان در ۱۳

سخنی دیگر درباره کتاب "معرفی ۸۰۰۰ ساواکی..."

چندی قبل وقتی که کتاب "معرفی ۸۰۰۰ ساواکی ..." را منتشر کردیم، انتظار آنرا داشتیم که مقامات دولتی و "شورای انقلاب" یکی پس از دیگری به "تکذیب" و "محدود" اعلام کردن این لیست بپردازند، انتظار آنرا داشتیم که حکام کنونی بدترین برچسب ها را بنام ما کنند و تمیمه ها و دستجات پیشگرد حکومت، ما را زیر فشار بگذارند و به ایهام "جعل اسناد" کنند، انتظار آنرا داشتیم که علیه ما صدها "اعلام جرم" "سودوما را" دادگاهی کنند و حتی ادعا کنند که این لیست را ساواک منتشر کرده است. آری، انتظار همه اینها و بدتر از اینها را داشتیم، زیرا از ماهیت "شورای انقلاب" و "دولت" ساخته داشتیم و نشخوار اینکه انتظاری بیجا حرکت نشده شد تمنی نوانستیم داشته باشیم.

اما اگر همه این انتظارات منطقی بودند، انتظار آنرا نداشتیم که همین برخوردها را از زبان بخشهائی از همین کمونیستی خودمان سر بشنویم. نمیخواهیم بگوئیم که ما نسبت به سکولاریسم، خودمرکزبینی و انحصار طلبی خرده بورژوا آنانه و رایج در این جنبش آگاهی نداشتیم، بلکه میخواهیم بگوئیم که تصور نمیکردیم، مسائلی چون مبارزه با ساواک و افشای اسناد ساواک نیز فدای این خودمرکزبینی ها و سکولاریسم و انحصار طلبی ها گردد. تصور نمیکردیم که گروه ها و سازمانهائی هم پیدا شوند که برای ارضاء خواسته های فوق، مبارزه علیه این دشمن مشترک خورده و حاشی خلقهایمان را فریب کنند. لاکن، با هر ارباب، با هر دگر اندیشی که این امید ما را به یأس تبدیل

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی هفته

از هنگام تبعید آیت الله خمینی حب و خوف محافل سازشکار و ضد انقلابی نوروزی و روحانیون حاکم بر شورای انقلاب برای ضد علم کردن درس، جنبش ضد امپریالیستی مردم و جوانان شورشگر و انقلابی در جامعه بیرنگ لاغر شده است. آنها دوباره میکوشند اوضاع را به شرایط پیش از ۲ آبان ۱۳۵۷ بصرف جاسوسخانه آمریکا در تهران، بکشانند و در تهران و شهرستانها بلبشو بیافرینند. اولین اقدام آنها تلاش با جوانمردانه برای خالی کردن اطراف دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که از مقامات بالا تا خمینی بسیار آنهاست، از توده های به ستوه آمده مردم بود. دانشجویان خط امام برای ضد مولود مردم را به راهپیمائی همگانی با شعارهای ضد امپریالیستی و عزیمت از طرف جاسوسخانه آمریکا دعوت کردند، ولی آقای بنی صدر، این سوبژکتیو سیاست که حال پس از ارسال به مقام ریاست جمهوری "کنس محتشم" را کل کرده، مردم تهران را به تهیه و تدارک کشاند تا به کلی با نیروهای مترقی کشیده و کوس مرادهد.

بقیه در صفحه ۵

www.iran-archive.com

حرف و عمل .....

ایران" قرار دارد و بدین منظور قول داد با همه نهادها و بنیادهای مانده از رژیم گذشته را دگرگون سازد. البته این برنامه تا اینجایش بسیار خوب و شایسته بوده، خواست همه ملت و همه نیروهای انقلابی است و همه نیروهای مبارز نیز در همین راه میکوشند. اما اینکه بنی صدر به آنچه گفته است حقیقتا باور دارد و میخواهد و میتواند این برنامه را اجرا نماید، حرف دیگری است "ریشه کن کردن رژیم سابق" و "ویران کردن تمامی پایگاههای سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سلطه گران خارجی" می باشد و هر کس بخواهد این اهداف را برآورد سازد، باید چنین کند. آیا آقای بنی صدر چنین خواهد کرد و این قدمهای اولیه را برخواهد داشت؟ عملکرد او و ادامه همان سخنرانی بیان دهنده پاسخ بدین سئوال است.

در زمینه مصادره و ملی کردن سرمایه های سرمایه داران وابسته و امپریالیست ها و مصادره و تقسیم اراضی فئودال ها، بنی صدر حرفی نمیزند و به "لغو امتیازات" "قرضها و گروه های وابسته به قدرت خارجی" "در دستگاه اداری، نظامی، بازار و صنعت و کشاورزی" بسنده میکند. "لغو امتیازات" در واقع پاسخ بورژوازی ملی به مساله وابستگی به امپریالیسم است. این بورژوازی که ریشه امپریالیسم قرار داشته و در برابر قدرت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم و وابستگان به امپریالیسم ضعیف و ورشکسته شده است، می بیند که "قرضها و گروه های وابسته به قدرت خارجی" از امتیازاتی برخوردار بوده اند که او نداشته است. در عرصه صنعت، کشاورزی و بازار، او می بیند که "گروه های وابسته به قدرت خارجی" با تکیه بر قدرت رژیم شاه امتیازات متعددی بدست آورده و در نتیجه توانسته اند او را کنار زده و صنعت و کشاورزی و بازار را به انحصار خود بکشانند. فلان تاجر بورژوا - ملی می بیند که رقیب وابسته اش از امکانات و امتیازات زیادی در عرصه صادرات و واردات و سرمایه گذاری و حمایت سیاسی رژیم گذشته برخوردار بوده و توانسته است از او پیشی بگیرد و در نتیجه خواهان لغو این امتیازات و یا دست کم تساوی امتیازات است. او در این کار امکان رشد اقتصادی خویش را جستجو میکند. همان نتیجه ای که یک سرمایه دار و یا تاجر بورژوا - ملی در عمل آن میرسد و طلب میکند، از زبان نمایندگان سیاسی اش بصورت برنامه و سیاست عرضه میشود. اینچنین است رابطه میان نمایندگان سیاسی یک طبقه و خود طبقه. آیا "لغو امتیازات" راه حل ریشه کن کردن رژیم گذشته و ارمان برداشتن وابستگی است؟ مطمئنا خیر! زیرا لغو امتیازات (البته اگر با همین حد نیز اجرا شود که خود جای بحث دارد) صرفا امکانات سرمایه داران وابسته را محدود کرده، عناصر را میان آنها و ابنیا همه قدمهای اولیه در راه "ریشه کن کردن رژیم سابق" و "ویران کردن تمامی پایگاههای سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سلطه گران خارجی" می باشد و هر کس بخواهد این اهداف را برآورد سازد، باید چنین کند. آیا آقای بنی صدر چنین خواهد کرد و این قدمهای اولیه را برخواهد داشت؟ عملکرد او و ادامه همان سخنرانی بیان دهنده پاسخ بدین سئوال است.

در زمینه مصادره و ملی کردن سرمایه های سرمایه داران وابسته و امپریالیست ها و مصادره و تقسیم اراضی فئودال ها، بنی صدر حرفی نمیزند و به "لغو امتیازات" "قرضها و گروه های وابسته به قدرت خارجی" "در دستگاه اداری، نظامی، بازار و صنعت و کشاورزی" بسنده میکند. "لغو امتیازات" در واقع پاسخ بورژوازی ملی به مساله وابستگی به امپریالیسم است. این بورژوازی که ریشه امپریالیسم قرار داشته و در برابر قدرت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم و وابستگان به امپریالیسم ضعیف و ورشکسته شده است، می بیند که "قرضها و گروه های وابسته به قدرت خارجی" از امتیازاتی برخوردار بوده اند که او نداشته است. در عرصه صنعت، کشاورزی و بازار، او می بیند که "گروه های وابسته به قدرت خارجی" با تکیه بر قدرت رژیم شاه امتیازات متعددی بدست آورده و در نتیجه توانسته اند او را کنار زده و صنعت و کشاورزی و بازار را به انحصار خود بکشانند. فلان تاجر بورژوا - ملی می بیند که رقیب وابسته اش از امکانات و امتیازات زیادی در عرصه صادرات و واردات و سرمایه گذاری و حمایت سیاسی رژیم گذشته برخوردار بوده و توانسته است از او پیشی بگیرد و در نتیجه خواهان لغو این امتیازات و یا دست کم تساوی امتیازات است. او در این کار امکان رشد اقتصادی خویش را جستجو میکند. همان نتیجه ای که یک سرمایه دار و یا تاجر بورژوا - ملی در عمل آن میرسد و طلب میکند، از زبان نمایندگان سیاسی اش بصورت برنامه و سیاست عرضه میشود. اینچنین است رابطه میان نمایندگان سیاسی یک طبقه و خود طبقه. آیا "لغو امتیازات" راه حل ریشه کن کردن رژیم گذشته و ارمان برداشتن وابستگی است؟ مطمئنا خیر! زیرا لغو امتیازات (البته اگر با همین حد نیز اجرا شود که خود جای بحث دارد) صرفا امکانات سرمایه داران وابسته را محدود کرده، عناصر را میان آنها و بورژوازی ملی نورسیده تقسیم میکند و در نهایت بار راه را برای سلطه مجدد همان گروه های وابسته هموار میسازد. بنی صدر بجای ارائه برنامه ای که نیازهای عاجل کشور ما را برآورد سازد، به حرافی در زمینه "انطباق تولید و مصرف" و "تغییر الگوی مصرف" می پردازد. حال آنکه تا زمانیکه نظام حاکم را اساس تغییر نیابد (و اینکار نیز جز از طرقی که ذکر کردیم ممکن نیست) "منطبق کردن تولید و مصرف" صرفا رنگ و روغن زدن به نظام وابسته کنونی خواهد بود و بس. در عرصه اقتصاد بنی صدر با ارخواسته ها و مطالبات بورژوازی ملی فراتر نمیگذارد و آنهم نه بورژوازی ملی را دنبال، بلکه بورژوازی ملی انگه در چهارچوب حفظ مناسبات موجود خواهان رفرم است و بس. و او چنانچه حتی همه قول و قرارهایش را سرانجام دهد، دردی از دردهای اساسی جامعه ما را درمان نخواهد کرد و رفرمهایش نیز صرفا جیب نیروهای منتسب به بورژوازی ملی را پر میکند.

در زمینه سیاسی نیز بنی صدر در درهمان نطق نادمه، دست خود را رو میکند. او مرتب دم از "اضمحلال گروه های حاکم و مراکز تصمیم گیری خودکامه" و "احترام به رأی مردم" میزند و خواهان آنست که همه نیروها بتوانند آزادانه حرف خود را بزنند. اما از یک سو همافران و درجه داران متخصص در مسجد دانشگاه، که در اعتراض بوجود نیروهای آمریکائی ارتش تحصن کرده بودند، حمله میکنند و از سوی دیگر در همدستی با پاسدارانی که گنبد را به خون کشیده اند به خواسته های بحق خلق ترکمن حمله میبرند و بالاخره از سوی سوم خلق کرد و خواسته های به حق اش را مورد حمله قرار میدهد و همه اینها را زیر عنوان "مراکز تصمیم گیری خودکامه" میکوبد. عجبا! خودکامه کیست؟ آیا بنی صدر میداند که متحصنین در مسجد دانشگاه، دقیقا در اعتراض به پایمال شدن حقوقشان و ادامه سلطه آمریکا بر ارتش و سیستم خودکامه آن تحصن گزیده اند و امرای ارتش نیز بر علیه آنها اعلامیه صادر کرده و گفته اند که آنها حق اعتراض به تصمیمات امرای ارتش را ندارند؟ آیا بنی صدر نمیداند که در گنبد تظاهرات آرام و مسالمت آمیز خلق ترکمن داشته که مرتکب کنندگانش خواهان همین ابتدائی ترین حقوق خود بوده اند و پاسداران و عوامل ارتجاع و امپریالیسم به این راهپیمائی و تحصن مسلحانه حمله کرده، کشته، نموده اند و مردم نیز مجبور به دفاع از جان خود شده اند؟ آیا بنی صدر نمی داند که حلق کرد، در مقابله با حمله ارتجاعی پاسداران و ارتش، که به منظور پایمال کردن دستاوردهای آنان صورت گرفته بود، مقاومت کردند و جنگیدند و شهید دادند؟ گروه های خودکامه کیانند؟ درجه داران و همافران متحصن و مخالف امپریالیسم؟ خلق ترکمن و کردستان؟ و یا آنهائی که حقوق ایران را لگدمال کرده اند؟ بنی صدر آدرس را عمومی گرفته است! متحصنین دانشگاه، خلقهای کرد و ترکمن، "مراکز تصمیم گیری خودکامه" نیستند. مراکز خودکامه، "شورای انقلاب" و امثالهم هستند که فعلا بنی صدر در صدرش جاخوش کرده است.

بنی صدر در برخورد به مساله ارتش هم دست خود را رو میکند. میگوید: "در همه جا که اعتصاب آزاد است، برای این است که فکر میکنند اگر آب نرسد و یا ربا له در حیاتان ماند، یک نیروی منضبطی وجود دارد که این کارها را انجام دهد و حال اگر قرار شد خود این نیروی منضبط سود محل کش و اعتصاب و دسته بندی، تکلیف چیست؟" بنی صدر از پایان سرمایه داران صحبت میکند. در کشورهای امپریالیستی ارتش از جمله بعنوان چماق سرکوب اعتصابات کارگری استفاده میکنند و برای خنثی کردن اعتصابات کارگری سربازان را به کارخانه ها و معادن و غیره میفرستند تا بجای کارگران کار کنند تا در نتیجه ارفشار اعتصاب بر سرمایه داران کاسته شده، ضرری به آنها نرسد. زمر بنروری اعتصاب ها در اینست که کارگران با عدم انجام کار به سرمایه دار ضرر میزنند و سرمایه دار پس از مدتی در برابر این ضرر تسلیم شده، امتیازاتی به کارگران میدهد. یکارگرفتن ارتش به جای کارگران، هدفش برطرف کردن این ضرر و در نتیجه درهم شکستن مقاومت اعتصابیون کارگری است. بنی صدر میخواهد ارتش ایران نیز همین نقش را بازی کند. پس اعتصاب و تحصن در ارتش ممنوع است، زیرا اگر ممنوع نباشد، آنوقت این چماق سرکوب از دست میرود.

بنی صدر در برخورد به مسائل و خواسته های ضد امپریالیستی ملت ایران از مدتها پیش جایگاه خود را تعیین کرده است و هم اکنون نیز در صدد است با این مبارزات گام برمیدارد، بدیده او "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" نیز یکی از "مراکز تصمیم-

• بقیه در صفحه ۶

www.iran-archive.com

سخنی دیگر درباره .....

کردند. با هر اساس باید بگوئیم که هستند گروهها و سازمانهائی که در این زمینه ها نیز همه جبر را از دریچه تنگ منافع گروهی و وجود مرکز بیانه سان نگریسته، آنرا ملعبه ای جهت تسویه حساب های سیاسی می نمایند.

برای ما سخت تاسف آور و ناراحت کننده است که مجبور باشیم در این زمینه رو در روی گروههائی از جنس ما قرار گیریم. اما ما رهم باید با کمال تاسف بگوئیم که ما را مجبور به درگیر شدن در این مبحث نموده اند. این درگیری از این لحاظ نیست که فرضا فلان گروه یا سازمان، به ما برچسبی زده و یا کوشیده است بدنامی سازد و در نتیجه به دفاع از خود برخاسته ایم، بلکه این درگیری از این لحاظ مهم و ضروری شده است که مواضع سخت انحرافی و گیجکننده ضد انقلابی اتخاذ شده، بیش از همه، بسود عمال خود فروخته ساواک تمام شده، زیر عنوان "اعاده حیثیت" از عده ای، ساواکیها قصد در میرود. عمق انحراف نیز در همین جاست.

رفقای "راه کارگر" چند روز پیش از انتشار کتاب، در مقاله ای زیر عنوان "کلاه گشادی که بسر اتحادیه کمونیست ها رفت!" (راه کارگر، شماره ۱۰، ص ۲۰، ۱۵ بهمن ۵۸) این لیست را "بی اعتبار" دانسته نوشته اند، در این لیست "نه اسامی بعضی از مبارزین برخوردیم که در سالهای سیاه حکومت دیکتاتوری در دخمه های رژیم شاه بر سر دیدترین شکنجه ها مقاومت کرده اند، حتی نام بعضی از شهدا نیز در این فهرست وجود دارد. در عوض اسامی بسیاری از کادرهای ساخته شده ساواک در این لیست بچشم نمیخورد." و بعد نتیجه میگیرند که "به نظر ما دستگاه حکومتی که تاکنون به انواع لطایف الحیل از افشای نام ساواکیها خودداری کرده لیست محدود و فاقد اعتباری را فراهم کرده تا چهره بعضی از مبارزین را بی اعتبار سازد و هم از افشای لیست واقعی ساواک طفره رود. با کمال تاسف "اتحادیه کمونیست ها" تا دانسته و نادانسته در این دام افتاده و وسیله ای برای اجرای مقاصد حکومت شده است" و اضافه میکنند که "البته منظور ما این نیست که تمام افرادی که نامشان در این لیست آمده است ساواکی نیستند، بلکه منظور این است که با آوردن نام بعضی از مبارزین بطور کلی این فهرست بی اعتبار میشود و سایر ساواکیها هم از آن بهره میگیرند" (همانجا). خلاصه کرده ناسم، میگویند حکومت کنونی، برای خلوکیری از افشای لیست واقعی ساواک، خودش لیستی را از بعضی ساواکی ها و بعضی مبارزین فراهم کرده و دامی را گسترده است و ما نیز در این دام افتاده، لیست آنها را منتشر کرده ایم و کلاه گشادی سرمان رفته و وسیله ای برای اجرای مقاصد حکومت شده ایم. اول اینکه اگر رفقای "راه کارگر" بخود زحمت می دادند و مقدمه کتاب فوق را میخواندند مشاهده میکردند که ما سیاه بروی سفید نوشته ایم، "این لیست، لیست کامل همه مزدوران ساواک محمدرضا شاهی نیست و بحثی از آنان را در بر نمیگیرد. ما این لیست را پخش میکنیم و میخواهیم که اسامی و مشخصات دیگر جاسوسان ساواکی نیز هر چه زودتر پخش گردد و این را کاملا میدانیم در راه تداوم انقلاب و مبارزه بخاطر حفظ دستاوردهای آن". همه میدانند که تعداد اعضاء ساواک نمیتواند بین از اینها باشد و دهها هزار نفر را تشکیل میداده است. پس این مساله که اسامی منتشر شده، لیست کامل ساواکی ها نیست، کشف عجیب غریبی نیست و اینکه "اسامی بسیاری از کادرهای ساخته شده ساواک در این لیست بچشم نمیخورد" دلیلی بر رد این لیست نمی باشد. اطلاعات رسانه ها در عین حال پراکنده ای از ساواک در دست نیروهای انقلابی وجود دارد، هیچ سازمان و گروهی، اطلاعات کامل و تمام و کمال و یکجای همه اعضاء ساواک را در دست ندارد و هرکس در نهایت جزئی از این اسرار را در اختیار دارد. پس تکلیف چیست؟ آیا به این بهانه که لیست کامل نیست، نباید پرده از چهره کثیف آنهائی که لیستشان در اختیار رهبر برداشت و جلوی ادامه فعالیت آنها را گرفت. آیا باید دست نگه داشت تا سازمان، دولت کنونی "لطف" کرده اسامی را منتشر کند؟ پس وظیفه و رسالت و مسئولیت نیروهای انقلابی چیست؟ ما بر این عقیده ایم، که هر کس، هر دره از اسرار ساواک را در اختیار دارد، باید افشاء کند. این اساسا برای بایگانی گروهها و سازمان ها نیست، این اساسا متعلق به خلق است و باید بدست هیچ کم و کاستی در اختیار خلق قرار گیرد و به همین خلق کامل و کامل برشود. دوم اینکه این استدلال که لیست فوق "بچشم دستگاه حکومتی کنونی است و ما سر در دام آنها افتاده ایم سراپا نادرست است. آیا نمی بینید که سردمداران "دستگاه حکومت" چگونه یکی پس از دیگری در "تکذیب" این لیست از هم پیشی میگیرند؟ آیا نمی بینید که "دستگاه حکومت" بر علیه ناشرین این لیست اعلام جرم صادر کرده، کمیته هائی در برخی مناطق که توانسته اند، تعدادی از این کتاب را "توقیف" کرده اند؟ اگر دستگاه حکومتی میخواست که این لیست منتشر شود، چرا با تمام قوا به تکذیب و ممانعت از پخش آن روی آورده است؟ چرا در بدر دنبال ناشرین آن میگردند؟ اگر این لیست دست پخت آنان بود و میخواستند بدنبوعی استارس دهند و دنبال آدم های "ابلهی" می گشتند که سادگی سرشان کلاه رود (که برغم رفقای "راه کارگر" این کسان ما هستیم)، آنوقت آیا نمی بایست لااقل سکوت میکردند و از حمایت گسترده مردم از این لیست استقبال می نمودند، تا عده ای از انقلابیون را بدنام کرده باشند؟ می بینید که چنین نگردید و برعکس به مقابله با آن پرداختند. آیا نمی بینید که انتشار همین لیست بیشترین فشار را بر روی دستگاه دولت گذاشته و بیش از هر اقدامی آنها را در زمینه انتشار اسامی کامل ساواکی ها بر فشار گذاشته است؟ سوم اینکه، این استدلال که چون لیست فوق در بر گیرنده تعدادی از افراد دانشگاه و مبارزین نامدار اعتبار است نیز نادرست می باشد. وجود هر اسمی در این لیست دلیلی دارد و همانطوریکه ما در اطلاعیه قبلی نیز توضیح داده ایم، برخی از رسانه های سیاسی که نامشان در این لیست بچشم میخورد، دلیل این امر را برای ما توضیح داده اند و در مورد برخی دیگر نیز توانسته ایم با تحقیق از رسانه ها هم سلول آنها و منابع دیگر دلیل این امر را دریابیم و در صورت لزوم با اطلاع همگان خواهیم رساند. دیگر اینکه اگر فرضا هدف تدوین کنندگان این لیست، بدنام کردن انقلابیون بوده است، آنان فکر نمیکنند که می باید بروی افراد و مبارزین سرشناسی دست می گذاشتند که بدنام کردنشان به حیثیت ما ضربه ای جدی میزد؟ علاوه بر این چه دلیلی دارد که ساواک در ارائه بدنام کردن تعداد معدودی از مبارزین، لیست جمع کثیری از اعضاء و منابع خود را در اختیار مردم قرار دهد؟ آیا فکر میکنید برای ساواک، از دست دادن هفت هزار و نهصد و پنجاه و چند نفر به بدنام کردن چند ده نفر می ارزد، آنهم بدنام کردنی که اعاده حیثیت از آنها از جانب سازمان ها و گروه های انقلابی امری ممکن و سهل می باشد؟ پس می بینید که استدلال "شما هیچ یک درست نیست و آنکس که "شما برده" و "نادانسته" حرکت کرده است، نه ما، بلکه شما هستید. این شمائید که با "بی اعتبار" خواندن این لیست، راه را برای فرار اعضاء و منابع ساواک باز کرده اید و اگر هم دامی در کار بوده باشد، این ما نیستیم که در آن افتاده ایم، این شمائید که با دستگاه حکومتی هم آواز شده، به مبارزه علیه ما بر علیه عمال ساواک ضربه میزنید. حقیقت این است که اگر به موضع گیری های سردمداران دولت و سخنگویان رژیم انقلاب، بهشتی، رفسنجانی، طباطبائی، باهنر و امثالهم نگاه کنید، خواهید دید که موضع شما و نیروهائی که چون شما موضع گرفته اند با موضع گیری آنان منطبق بوده، هر دو یک چیز را میگوئید و نتیجه کار آنان نیز یکسان است. آنها نیز این لیست را "مخدوش" و "ساخته و پرداخته ساواک" می دانند و همه نیروی خود را جهت کنار زدن و بی اعتبار ساختن آن بکار انداخته اند. معنی این اتحاد نامیمون چیست و چه کسی از آن سود می برد؟ بخود آئید و در موضعگیری تان تجدید نظر کنید.

"سازمان چریکهای فدائی خلق" در هفته نامه "کار" (چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۵۸) نیز از این هم فراتر گذاشته و "لطف" خود را شامل حال ما نموده و "ماهیت" ما را "زیر سئوال" قرار داده اند. اینکه این سازمان جسارت کرده، خود این اجازه را داده است که بی سرمایه "ماهیت" ما را "زیر سئوال" ببرد، نشانه دهنده عمق سکتاریسم و خودمرکزبینی و انحصار طلبی و کوته بینی و انحراف نویسندگان "کار" می باشد و نشان میدهد که اینان حاضرند هیچ ائتلافی، هر چه را به مخالفین سیاسی خود بزنند و از هر طریق که شده آنها را بلوث کنند، نشان میدهد که آنان حاضرند برای حفظ موقعیت خود، حتی بدنگران برچسب "ساواکی" بزنند. شما اگر حقیقتا این ادعا را باور دارید، در مقابل حلقهای ایران مسئولیت تا آنرا اثبات نمائید، مسئولیت با این "سئوال" را روشن کنید و اگر چنین

بقیه در صفحه ۴

www.iran-archive.com

سخنی دیگر درباره .....

نکشید، ورسکستگی خود را باشتاب رسانیده اید و اگر هم این ادعا را باور ندارید، بهتر است حرف دهاتیان را بفهمید و گمان نبرید که به حساب اعتبار ما میهنان گرانقدر فدائی قادر به درک هرگونه، هر برچسبی را که خواستید برنهید. سکتاریسم و انحصار طلبی و خودمرکزبینی هم حدی دارد!

از این مساله، که حتی دکتر نیز متذکر گشته است که نگذریم، رهبری فدائیان نیز در "محدوش" خواندن لیست نامبرده، به استدلالی می نویسند: "با این لیست نام برخی از شریف ترین و صدیق ترین رهبران سیاسی رژیم پهلوی در کنار سازمانها و سرسپردگان رژیم شاه که هم اکنون نیز خود را علنا طلبهای ما سازمان میدهند، نیز توانسته اند بزرگترین خدمتی را که از دستشان ساخته بود، به دشمنان مردم ما بکنند! چه تاثیر این اصطلاح کمونیست به نیاز بیشتر امکان را برای تطهیر حیات ها و حیات های عوامل ساواک و رژیم پهلوی فراهم آورد بلکه مساعدترین زمینه را به دست داده اند تا به اعتبار آن دشمنان مردم ما خود را دوست مردم جا زده و امکان برائت یابند. از آن گذشته ساواکیهای سرشناسی که سالها در چهارگوشه ایران به جنایت مشغول بودند و اینک نامشان در این لیست نیست می توانند با استناد به لیست "مشارکت خود را پاک و منزه جلوه دهند" (کار، شماره ۴۶)

اول آنکه، این استدلال که استناد این لیست، "مساعدترین زمینه" را بدست داده تا به اعتبار آن ساواکیها خود را "دوست مردم جا زده و امکان برائت یابند"، نیز مانند همه حرفهای عامیانه فدائیان مبتنی بر این است که این از انتشار این لیست تا بحال، تعداد ساواکیهای شناسائی شده و طرد شده، بیشتر از تعدادی است که در طول یکسال گذشته کشف و طرد شده اند. آیا شما این را میگذارید "مساعدترین زمینه" برای "برائت" ساواکیها؟ میگوئید ساواکی هائی که نامشان در لیست نیست "می توانند با استناد به لیست استثنا با منه خود را پاک و منزه جلوه دهند"، با این اینکه را قبلا گفته ایم و بسیاری به تکرار می نویسیم و فقط تا بحال دیگر داشتیم که اگر همه سازمان ها و گروههائی که اسامی ساواک را در اختیار دارند و از اسامی کسانی که در این لیست نیست مطلع میباشند، اطلاعات خود را منتشر کرده در اختیار خلق گذارند، مطمئنا اینستاد عوامل ساواک نیز کشف شده و به سزای اعمالشان خواهند رسید و بهتر است بجای حمله کردن بکسانی که لااقل نام بعضی از ساواکی ها را منتشر کرده اند و خرقی از بار این مسئولیت را بر دوش گرفته اند، با سر این سرزنش بکار رسوند و در عمل جلوی "پاک و منزه" جلوه دادن نامی عوامل ساواک را بگیرند، به اینکه خود سر بار همین بار گردند.

انتشار این لیست "مساعدترین زمینه" را فراهم کرده است، اما نه سود عوامل ساواک، بلکه بر علیه آنها و این را آنچه در سر ما سرخا جمعه ما می گذرد به سهولت وجه نشان میدهد.

از این که بگذریم بر سر مساله "بدنام کردن انقلابیون و مبارزین". ما نیز بر پایه بودن این استدلال را نشان داده ایم و در اینجا مختصر خواهیم حدیث دیگر را به فدائیان گوشزد نمائیم. شما از چه نظر این کسانی که "بدنام" شده اند، این لیست، لیستی که به ادعای خودتان "اکثر آنها را ساواکی ها و عناصر رژیم سابق تشکیل میدهند" را "محدوش" و "بی اعتبار" اعلام کرده اید و با این عمل، زمینه را برای سوء استفاده و "برائت" این "اکثریت" فراهم ساخته اید. اگر مساله شما احساس مسئولیت در قبال آنهائیست که بدنام شده اند، آیا امکان پذیر نیست که لیستی از همه اینان منتشر کنید و از یکسو از حیثیت آنها دفاع کرده و از سوی دیگر راه فرار را بر کسانی که شما ساواکی و وابسته به رژیم سابق می پندارید ببندید؟ آیا عملی بود که بجای "زیر سئوال" اعلام کردن "ماهیت" ما و با رکردن راه برای فرار ساواکیها، لیست همه آن کسانی را که با استناد به حیثیت منتشر کنید؟ چه مانعی در برابر چنین عملی قرار دارد؟ آیا اعاده حیثیت از کسانی که بدنام شده اند، عمل نادرستی است؟ اگر حقیقتا احساس مسئولیت میکنید چنین کنید و ما نیز آماده ایم تا در این راه هر چه از دستمان برمیآید انجام دهیم. با همه سئوالات روس سود. لاکن شما چنین نکرده اید. شما با عدم انجام چنین کاری از یکسو در عمل از هیچ کس اعاده حیثیت نکرده و کمکی به انسان نکرده اید، ولی از سوی دیگر سرابطی را بوجود آورده اید که هر عضو و مشیع ساواک با استناد به موضع گیری شما خود را برهاند. البته گرچه شما این سرابط را بوجود آورده اید، لاکن مردم آگاه ما زیر بار این حرفها نرفته و با شناختی که از ساواکیها و عوامل ساواک دارند چنین اجازه ای را نخواهند داد و در نتیجه شما فقط به بی اعتبار ساختن خودتان کمک کرده اید. ما بار دیگر از شما و هر گروه و سازمان انقلابی و مبارز دیگری میخواهیم تا با احساس مسئولیت، به این امر بصورت صحیح برخورد کرده، لیستی از کسانی که مساله اعاده حیثیت از آنها مطرح است منتشر نمائید و مطمئن باشید که ما نیز این لیست را تائید کرده، بسهم خود در این راه خواهیم کوشید.

شما "عناصر فصلت کلام" اشاره کرده اید و مدعی شده اید که عناصر فصلت کلامی که در این لیست آمده، همان فصلت کلامی است که در سینه شما است. ما خود در مقدمه کتاب و خود را علامیه بعدی تاکید کرده ایم که از اسامی که صرفا نام و نام خانوادگی شان دگرسده شده اند و نمی توان و نباید صرفا با اتکاء به این مساله که نام و نام فامیل کسی مشابه نام و نام فامیل فردی در این لیست می باشد، با واتهام وارد آورد و مورد عناصر فصلت کلام سیر از این حمله است. پس شما از کجا مطمئن هستید که این فصلت کلام، همان فصلت کلام است؟ چه کسی دارنده عناصر فصلت کلام اتهام میزند؟ شما یا ما؟ آیا در جامعه ما کم اسامی مشابه وجود دارد؟ این شما نیستید که هیچ احساس مسئولیتی اتهام زده اید، نه ما. این شما نیستید که بجای انحاذیک روش اصولی، صرفا با اتکاء به تشابه اسمی، اتهام وارد آورده اید و نه ما.

شما بجای "بی اعتبار"، "محدوش" نامیدن این لیست (ادعائی که صحت هم ندارد)، از یکسو و به اصلی را در افشاء و طرد عوامل وابسته به ساواک گذاشت و بجای مقابله با حرکتی که در سراسر جامعه آغاز شده گرفته است، با آن همراهی کرد و مردم را در مبارزه ای که دولت در برابر برپا نموده است، یاری رساند و این وظیفه ایست که بر عهده همه نیروهای انقلابی و مبارز قرار دارد. از سوی دیگر و در حد نه همین وظیفه ضروری است تا همه نیروهای ها و اتهامات را بر طرف ساخت و این بدین نیست مگر به خصم نیروهای انقلابی. اگر برای اعاده حیثیت از کسانی که بدنام شده اند، مسئولیتی احساس میشود، راه از حرف به عمل درآوردن این مسئولیت، برخورد مشخص به هر مساله و سئوال است و اینکار از عهده یک سازمان و گروه به تنهائی برنمیآید و همکاری همگان را طلب میکند. ما پیشنهاد میکنیم که کمیته ای مرکب از نمایندگان همه گروه ها و سازمان های انقلابی و مبارز، بدین منظور تشکیل گردد و همه مسائل، بدور از برخورد های رایج بررسی و حل و فصل گردد و نتیجه کار با اطلاع مردم رسانده شود و ما به سهم خود آماده ایم تا چنین کنیم و از همگان میخواهیم که چنین کنند. آنکس که چنین نکند و صرفا به "محدوش" و "بی اعتبار" خواندن این لیست تکیه نماید، از زیر بار مسئولیت خویش شانه خالی کرده و در عمل هیچ کمکی به آنهائی که مساله اعاده حیثیت شان مطرح شده نموده است.

در اینجا، بار دیگر میخواهیم بر ضرورت افشاء هرچه بیشتر و گسترده تر عمل ساواک و ضرورت افشاء

بقیه در صفحه ۵

www.iran-archive.com

حقیقت

یادداشت سیاسی ....

اقدام بعدی پس رادیو- تلویزیون بروی اسارگری دانشجویان ودستور آزادی میناچی بود، که یکباره کار- را رمسرکی را ازسوی دسته رسوانندگان سیاسی، یعنی بازرگان، میناچی، امیرانتظام، بهشتی وشرکاء علیه دانشجویان مستقردرلانه جاسوسی بار آورد. آنهائی که برای یکبار هم به انقلابیونی که دارها بسادنهمت و افتراء گرفته اند حق دفاع ازخود در محضرملت نمیدهند، ازحق دفاع افرادی دم میزنند که پس ازبرملا شدن کارنامه ننگین روابطشان با جاسو- سان وفرستادگان آمریکائی وادامه یکسال باری بدخواهانه با انقلاب مردم هورد سب ازرملت ما سرمیدا- ربدوپی کارشان میروند. پس صدر، که دفعه ای نیست سخنرانی کند وبخاطر ده ملیون رائی که ازبابت رسوائی دیگران بدست آورده برمردم منت بگذارد، حالا آراء کدائیش را برسر مردم میکوبد وانتظار دارد که دیگر هیچ دادخواهی واعتراضی علیه دولت و دستگاه نباشد. اوگمان میکند که انتخابش بریاست جمهوری بدوی حق آنرا میدهد که هرکاری دلش خواست بکند، هرحکمی خواست به مردم بدهد و حتی تلویحا برای بدست آوردن دل حناح های لیبرال وروشنفکران فرصت طلب خودرا مستقل از "ولایت" حمینی بنمایاند. نحطئه "دولت در دولت" دانشجویان مستقردرلانه جا- سوسی توسط بنی صدروابرارمخالفت آنکارباراًی آیت الله حمینی درباره مساله گروگانها وحط حرکت دانشجو- یان وشناخته جاسوسانه ای که هم اکنون سورای انقلاب تائیدوی برایش دانشجویان میگذارد، ازهمین باره است. مخالفت محافل لیبرال و سازشکارباد انشجویان وهمچنین تویدهای آقای رئیس جمهورچه کسی جز آمریکا را میتواند خشنودکند؟ درست درهمین زمان است که مطبوعات خبر میدهند آقای کارتروسیاستمداران واشنگتن درباره "عادی شدن" روابط خودبا ایران وحل "مساله گروگانها" نشانه های امیدبخشی را مشاهده کرده اند! بعبارت دیگرآمریکا به سرعت منافع خودرادربال وبرگرفتن حناحهای لیبرال وسازشکاروحط حرکت آنها تشخیص میدهد. حط حرکت آمریکا برحط حرکت این حناحها خود بخودمنطبق میشود!

درجنس قضائی، دستجات جماق دارهادی غفاری، بهشتی وقماسان، که با اوجگیری جنبش ضدآمریکائی - ضدسازشکاری سه ماهها خبرمیدان عمل گسترده یافته بودند، بموازات سیاست فشارمحافل حاکم بردانشجویان و کاررارسوادگان لیبرال علیه افشاگریهای آنها، دوباره جرأت گرفته تاخت وتاز خودرا علیه مراکز سازمانهای انقلابی، گردهم آئی ها و راهپیمائی های جناحهای حق گسترش میدهند. آقای بنی صدرمردم را ازحلوی جاسوسخانه به طرف میدانها و بالارهای سخنرانی خودش میکشاند و آقایان سورای انقلاب فضای سیاسی جامعه را برای دفاعیات وحمله متقا- بل لیبرالیسم سازشکارحالی میکنند، وآنگاه میدان عمل برای گردوخاک کردن جماقداران گروههای ضرب آلت دست گشوده میشود. بموازات این اعمال، "برخی مقامات" سعی فر- ماندهان ارتش وهمدستان رمیداران وحانیان دردولت به آش حسن در گردستان وسعددرسرکش صحرادوباره دامن میزنندوپاسداران را بحان سازمانهای انقلابی وسیاسی ومردم میاندازند، وسپس درسوت خواستان ناآگاهی که خودبه کشش میدهندفریاد وفغان براه میاندازند تاخوعمومی را بارهه سان گذشته مسموم کنند. بدینسان درپس پرده دودی ازخار و خنجال عوامفریبانه لیبرالها وسا- زشکاران حاکم، نحطئه افشاگریهای ضدامپریالیستی وضدسازشکاری وبلاس آنها برای فروشاندن جنبش ضد- امپریالیستی وضدسازشکاری مردم، ایادی ارتجاع، فئودالها، سرمایه- داران سرورفرماندهان مستردورو حائش ارتش دوباره نقش تازه گرده ند جست وخیزمی پردازند.

ازاینجا مسوان فهمیدکه جنبش ضدامپریالیستی - ضدسازشکا- ری بزرگی که ازسه ماه پیش با اشغال جاسوسخانه آمریکا درسیران وحمایت خمینی ازآن اوج گرفت، برای پیگیری مبارزه با تکاههای ارتجاع وامپریالیسم، یعنی سرمایه داران بزرگ وزمینداران بزرگ ومحافل وابسته به آنها بویژه درارتش ودرهم شکستن بلائهای ارتجاعی وخائنانه آنها کاملا ضروری بوده وبه ادامه انقلاب درکشورما یاری میرساند. حال آنکه برعکس فروکش این جنبش وتحکیم موقعیت محافل لیبرال وسازشکاز روحانی وغیرروحانی، که امروز همچنان رهبری همه امورا جرائی اصلی کشوررادردست گرفته اند، راه رابرای تجدیدنظروپیشروی ارتجاع وامپریالیسم هموارمیکرداند.

انقلاب درجریان پیروی خود ناچاراست که محافل راست نورواز- ری وسانسمداران لیبرال، چه روحانی وچه غیرروحانی، را ازسر راه خودبردارد ویا آنکه تسلیم آنها، تسلیم این جناح یا آن جناح آنها، شده وراه نابودی خودرا بدست قوای متحدشده توانا قدم ارتجاع داخلی ومدرب های امپریالیستی بویژه امپریالیسم آمریکا هموارکند. ار اینرودرصحنه سیاسی کشورودرسامی نهادهای جامعه مقابل ودرگیری میان دوگراش ماهیت انقلابی و ضدانقلابی، رادیکال ولیبرال، سیکانه برست واستقلال طلب، سازش با امپریالیسم ومخالف سازش با امپریالیسم، علیرغم سوءتفاهم ها وحتی سازشهای قسمی وموضعی ومرحله ای میان این دو گراش ونیروهای سیاسی وابسته به این دوگراش، امری قابل روشن بوده وبا رشد ارتباطهای اجتما- عی وسیاسی برآمده ازترکیب طبقا- تی انقلاب ایرانست.

برخی ازانقلابیون وحب ها این تقابل ودرگیری را تشخیص نمیدهندوبدانهست جنبش ضد- امپریالیستی وضدسازشکاری موجود، پی نمیبرند، ودرنتیجه به عمده کردن تضادهای فرعی، استاد درهدف گیری دقیق وایجادصف بندیهای انحرافی که دقیقا طبق میل ورضای جریان - های بورژوائی ولیبرالی است، مسعول میشوند. آنها رابطه مستقیم میان خواسته های اساسی انقلاب ایران را با مبارزه ضدامپریالیستی - ضدسازشکاری کنونی درنظرنگرفته و جایگاه انعکاس این صف بندی ها و تقابل ها را دردرون هیئت حاکمه و نیروهای منسوب به جریانات مختلف را درنظرنگرفته، نمیتوانند میان این دسته بندی ها ودسته بندی های مخالف وموافق انقلاب رابطه برقرارکنند. صف بندی اصلی جامعه، صف بندی میان نیروهای مخالف انقلاب وموافق انقلاب است واین صف بندی دردرون هیئت حاکمه نیز بشکال ودرجات گوناگون انعکاس داشته، مبارزه درونی این هیئت حاکمه را به مبارزه بزرگتر موجود در سطح جامعه متصل می نماید. درنتیجه آنهائی که قادرنیستند صف بندی های اساسی جامعه وارتباط هرنیروی طبقاتی وسیاسی را با این صف بندی تشخیص دهند، تضادهای فرعی را عمده کرده، دسته بندی ها را به برپایه تضاد میان تجددخواهان وسنت خواهان" "روشنفکران وروحانیون"، "کمونیستها ومذهبیون"، "خمینی حی ها و مخالفان خمینی" وازاین قبیل طرح کرده وعملا براساس این تضادها در تلاش برای ایجادصف بندی می باشند ودرعمل حرف جناحهای مختلف لیبرالی وسازشکاررا میزنند. باید اوضاع سیاسی جامعه راشکافت، ظواهر قضایا، زرق وبرق شعارها ووسائل فرعی راکناررده وبه کنه قضایا، ماهیت شعارها ووسائل اصلی واردشد. زیرا محافل سازشکاربورژواری، ملاکان و روحانیون وابسته به آنها بعمدا می - کوشندتا برای منحرف کردن لبه تیز حمله توده ها علیه خودشان حتی وادب موضوعی بتافرینند، مسائل فرعی را پیش بکشندوبراش تابه، قوای متفرق جریانهای انقلابی ونیروهای توده ای مخالف سازشکاری وتسلیم در برابرقدرتهای امپریالیستی بویژه آمریکا را بموضعگیری علیه یکدیگر و حتی کردن هم مسعول سازند.

*

حتی دیگردرباره ....

هر سندی که دراختیار هرگروه وسازما- نی هست تاکید مجددکنیم وعمل متحدا- نه ای رادراین زمینه حیاتی طلب نمائیم. مادراقدام اسکاریهم خود تاقساری خواهیم کردوهردرا اطلاعات دسش راکه بتوانیم افشاء خواهیم نمود.

با امید پیروزی

اتحادیه کمونیستهای ایران

۵۸/۱۱/۲۹

*

"شورای انقلاب" یا ...

وظیفه مبرم وحیاتی همه نیرو- های انقلابی ومبارزوهمه افرادآزاد یخواه است که هرذره ازاسرار این سا- زمان جهنمی راکه میدانندوهریک از وابستگان به این سازمان راکه می- شناسند، برملا سازندودرنابودی این سیستم سیاه جنایتکاربکوشند. "شورای انقلاب" و"دولت" رسما وعلنا گفته- اندکه آنها چنین نخواهندکرد، مردم باید خوددست بکارشوندوما به سهم خود برابش تعهدیم که برافشای هرذره از اسرارا ین خودفروختگان با فشاری کنیم.

با امید پیروزی

اتحادیه کمونیستهای ایران

۲۸ بهمن ۱۳۵۸

*

www.iran-archive.com

حقیقت

جاودان باد خاطره.....

ماند. او بر این عقیده بود که رهائی خلق کرد، رهائی همه خلقهای ایران و به رهائی طبقه کارگر متصل است. او بر این عقیده بود که مبارزات و خواسته‌های به حق خلق کرد، از خواسته‌ها و مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی همه خلقهای ایران جدا نیست و از سرود برقرار گردن بیوند میان این مبارزات میگوشد. در عرصه مبارزات خلق کرد، او به اهمیت رهائی دهقانان زحمتکش به نوع استثمار فئودالها و برقراری حاکمیت توده‌ای خلق ایمان داشت و بر این عقیده بود که بدون رهائی دهقانان و بدون برقراری حاکمیت بر اساس منافع زحمتکشان شهر و ده، هیچ یک از خواسته‌های اساسی خلق کرد و خلقهای ایران بدست نخواهد آمد و او بر این عقیده بود که همه نیروهای انقلابی گردستان باید در این راه متحد شوند و نیروهای پراکنده خود را متحد گردانند. از این رو به عنوان "سنگلاب نیمرکه‌های زحمتکشان" در آمد و در راه تحقق بخشیدن به آرمانهایش کوشید.

رفیق ورنا مدرسی، یک کمونیست انقلابی و نمونه بود و زندگی و شهادت برای همه انقلابیون و مبارزین ایمان، پیکار، جدیت انضباط و فداکاری و روحیه کمونیستی او نمونه بود. در همه مبارزات و نبردها در صف مقدم بود، هر کجا تقسیم کاری میشد، سخت ترین کارها را بعهده میگرفت، همیشه در سنگرهای مقدم نبرد بود. در اوکتاریسم و گروه‌گرائی جائی نداشت و جای دیگر رفقا و همرزمانش برایش تنها ارجی خودش ارزش داشت و در ارجوگذشتگی نمونه بود و بالاخره در حالیکه برای نجات رفیق همرزمی از رفقای گومه‌له) مبارزه میکرد کشته شد و از دست داد.

کمونیست‌ها، زحمتکشان همه خلقهای ایران و بخصوص طبقه کارگر ایران، اینک در هر منطقه و هر جنبه‌ای که باشد، درس بزرگی از طبقه کارگر و آرمان طبقه کارگر را در پیش دارند. رفیق شهید ورنا مدرسی چنین بود. مبارزه‌ای و شهادت برای تحقق رویاهای ما بود و از سرمشق خود میبیم و سرمشق را این شهید عزیز میگیریم که راه برای تحقق آرزوهایش را ادامه دهیم. ما شهادت این رفیق شهید را به خانواده داغدار او و بستگان و اقوام آنها که چنین فرزند قهرمانی داشته‌اند درود می‌فرستیم.

ما شهادت این رفیق عزیز را به خلق شهید پرور کرد و همه زحمتکشان قهرمان بستگان گفته بر مبارزه انقلابی شان درود می‌فرستیم و مطمئن هستیم که پیروزی نهائی از آن آنها خواهد بود.

جاودان باد خاطره رفیق شهید کاک ورنا مدرسی

جاودان باد خاطره همه شهیدان خلق

پیروز باد مبارزات به حق خلق دلاور کرد

پیروز باد مبارزات طبقه کارگر قهرمان ایران

با امید پیروزی

اتحاد کمونیست‌های ایران

*

حرف و عمل بنی صدر.....

گفتی خودکامه" هستند و با بدهرچه رودربرخیده شوند. او با سرباز کردن کمیسیون گدائی بین المللی هدفش ماست مال کردن خواسته‌های به حق مردم، در استرداد داراییهای غارتی و قطع وابستگی‌ها به امپریالیسم آمریکا است. به شرطی که او برای آزادی گروگانها تعیین کرده است، هیچ کمکی به مبارزات مردم ما نمیکند. او میخواهد که امپریالیسم آمریکا به حسابات خود اذعان کند. خوب آمدیم و کردید و گفتید که از این پس این روش تکرار نخواهد شد. چه فرقی میکند؟ مگر همین کار تروتسکی به رهبر مداری رسید نگفت که رهبر مداران پس از او "حقوق پسر" را "رعایت" نکرده‌اند و "حامی دیکتاتورها" بوده‌اند و او میخواهد روش امپریالیسم را تغییر دهد؟ آیا این "ادعای به اشتباه" تلافی مالیها حاول و غارت و حساب را میکند؟ او میخواهد امپریالیسم آمریکا "حق" ایران را در "تعقیب شاه" "ترمیم نماید". مگر امپریالیسم آمریکا حکاره است که حق مردم ما را ترمیم نماید؟ مگر مردم ما با تحمیل دیکتاتوری امپریالیسم آمریکا بوده‌اند؟ او میخواهد امپریالیسم آمریکا "ماهیتی" در "کوس‌های ایران برای استرداد شاه" بوجود بیاورد. آقای بنی صدر حدیثی را میخواهد فریب دهد. امپریالیسم آمریکا بر رکرس مدافع شاه و رژیم او بوده و هست و خواهد بود و حتی اگر برای راضی کردن بنی صدر هم که شده چنین قولی را بدهد در عمل خواهد خواهد شد و گردد. این شرایط همه و همه گوشه‌ای از سرکار نامه‌ای برای درهم شکستن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما است و این بنی صدر خود در جای دیگری ادعا کرده است. او در زمینه توضیح این شرط گفته است که چنین او چنین طوری از ملت ایران نخواهد که گروگانها را آزاد کنند، باید چیزی به آنها بدهد و آمریکا کمی "عقب نشینی" کند. با رکاری مقرر با امپریالیسم، این است جایگاه بنی صدر در برابر مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما. *

جنگ کنند.....

بحثی از جناحی بوده است که در عرض این یکسال بر علیه دستاوردهای انقلاب و نیروهای انقلابی بازیده است گرفته‌اند، همان موضعی که... همین هم کافی است!

سیاست و طرح فعلی دولت و جنگ افروزان

حزب ما بر این سرداش دستاوردهای انقلابی دهقانان بر کنس و خلق بر کنس و از ما بر داشتن نیروهای انقلابی است. در پی این مقصود در کنار سرکوب و اختناق و فقر و حقشان و کشاورز، سیاست رسوه دادن و یکانه انداختن در میان توده مردم را پیگیری میکند. از جمله مسائلی که در منطقه کنند و گرکان موجود است، وجود فروشی از کارگران کشاورزی را نشان میدهد که سعی دارد استثمار شده و در فقر بسر می‌برند. اتحاد و حدت کارگری - دهقانی میان این کارگران مزدور زحمتکش و دهقانان بر کنس، از جمله وظایف ضروری نیروهای انقلابی است که نباید در حد لزوم صورت بگیرند است. از این رو از جمله تحادهائی که انسان میکوشد از آن بهره گیرند، اختلافی است که میان این کارگران و دهقانان موجود می‌باشد و با توجه به سطح نازل آگاهی کارگران مهاجر زائلی تحت آوری بسر بسته. تقسیم اراضی برخی از فئودالها و سردن اراضی تقسیم شده به کارگران مهاجر زائلی، هدفش ایجاد یک قشر مدافع دولت و ایجاد شدی در برابر فعالیت انقلابی است. طرح دیگر که در همین رابطه می‌باشد، ایجاد "شورای اسلامی دهقانان" است که سوی قشر اش را میخواهد از خرده مالکان و ملاکان بوجود آورند و در مقابل شوراهای دهقانی انقلابی قرار دهند. اختصاص قریب ۲ میلیون تومان بودجه عمرانی به این منطقه، طرح دیگری برای رشوه دهی و خنثی کردن مبارزات مردم این منطقه می‌باشد که با تبلیغات فراوان به پیش گذارده شده و در بلاغ تبلیغ شده که انقلابیون مخالف عمران و آبادی منطقه هستند و آنها از میان بروند، طرحهای عمرانی نیامده بدست نیستند. انقلابیون باید آگاهانه و با هوشیاری به این طرح‌ها و اهداف آن برخورد کرده، در ایجاد وحدت کارگری - دهقانی بکوشند. *

بزودی منتشر میشود

اتحاد کمونیست‌های ایران

طرز تهیه و کار با مواد منفجره

دی ۵۸

اتحاد کمونیست‌های ایران

نقدی بر جزوهٔ:

بحثی درباره مائوئیسم و کمونیسم

اثر ناصر مکارم شیرازی

بهمن ۵۸

www.iran-archive.com

از فرهنگیان مبارز ایده پشتیبانی کنیم!

بنام خدا

اطلاعیه

همکاران محترم فرهنگی شهر و روستای ایده

بدنبال حذف جلسه سخنرانی مسئول آموزش و پرورش آقای بلادی در جهت رفع مشکلات صنفی و پیشنهادات موجود که به عمل آمد اینک با توجه به حق تعیین از طرف آقای بلادی بیان داده شده ما موظف گردهمائی روزهای ۷ و ۸ بهمن ماه در اداره آموزش و پرورش به این نتیجه رسیدیم که با تشکیل همبستگی با سایر همکاران شهر و روستا با رسیدن به خواسته‌های به حق و مشروع‌مان کلاسهای درس را تحریم نموده و از روز چهارشنبه مورخه ۵۸/۱۱/۱۰ همه روزه ساعت ۱ صبح در اداره آموزش و پرورش برای مذاکره بود. هرگاه کسی از همکاران، گردهمائی نباشیم. و روز شنبه ۵۸/۱۱/۱۳ ساعت هشت صبح جلسه‌ای با حضور فرهنگیان مسئول و معتمدین تشکیل شورای واحد آموزش و پرورش برگزار تکلیف همکاران با توجه به آیه‌های ربانی و طالقانی مشابه

جمعی از فرهنگیان ایده

۵۸/۱۱/۱

معلمین شهرستان ایده و حومه از تاریخ ۵۸/۱۱/۷ تا تاریخ تشکیل کلاسهای درس را تحریم کرده‌اند. بدنبال اعمال نفوذ جمعی حذف فرصت طلب تاره‌نفس دوران رسیده طبقی انقلاب در مدارس جدا از جمله مدرسه راهنمائی "شمس پهلوی" با رد نظرخواهی معلمین را سبب راه‌حل جوی آمده سفر و اخراج خود را از این اعمال نفوذهای عناصر ضد انقلاب با راضی نبودن با تحریم یکپارچه‌ای درس اقرار داشته و تصمیمات تسلیم کاغذ زیر را طبق نامه ۲۰۹۹۷ که به امضای بلادی نیز رسیده به اصطلاح مسئولان امر تحمیل میکنند.
۵۸/۱۱/۷

۲۰۹۹۷
۵۸/۱۱/۷

تصمیمات گرفته شده در شورای مدیران و آموزگاران منطقه

۱ ـ مدیر مدرسه راهنمائی دخترانه شمس پهلوی با نظر آموزگاران این مدرسه انتخاب شود.

۲ ـ مسائل آقای عسگری را با حضور آموزگاران و دانش‌آموزان و هم جنس مدیر فعلی مورد قضاوت قرار خواهند و تصمیم بگیرند

۳ ـ تنبیهی را که در کلاس پنجم ابتدائی صادر شده تغییر یابد

الف: تنبیه بعنوان ممنوع باشد

ب: به معاونت دبیران احترام بگذارند.

ج: صحبت کردن در سر کلاس در جهت رفع مسائل کلی بوده و گسترش گرایی و فردگرائی ملغی باشد

د: بحث و گفتگو در کلاس‌ها باشد مربوط به آنکه در رابطه با درس باشد

۴ ـ رئیس آموزش و پرورش موظف است از طریق اداره مسائل موجود را به صورت رسمی به مدارس ابلاغ نماید و در صورت رعایت ضوابط فوق توصیه‌های اکید بدهد.

۵ ـ انجام یک کتابخانه که در آن با نظر و توافق دانش‌آموزان کتابهای مورد نظر تهیه و تشکیل شود.

مسئول اداره آموزش و پرورش ایده ـ بلادی

امضاء

معلمین یکپارچه خواستار اجرای مفاد این تصمیمات اند که از عبور مسئولان امر بجای تحقیقشان مرتبا دست به توطئه‌ها و نقل افکنیهای به مراتب بیشتری میزنند. بلادی رئیس آموزش و پرورش این شهرستان بجای تحقق خواسته‌های به حق ما، مرتب به معرفی علیل و ارتجاعی خود فشار میآورد و دست به توطئه‌های جدیدتری میزند. بجای اجرای کارها و مسئولیتها از طریق شوراهای واقعی و انتخابی به انتصابی به دوره‌گردی در دهات و حومه شهرستان دارد و سعی میکند افراد معلوم‌الحال را از خود وابسته کند تا شاید در صف متحد و یکپارچه ما که به حق از نشستهای کلیه دانش‌آموزان، اولیاء و کلا مردم شهر برخوردارند اخلال کند. راهی فکری باطل.

او بدنبال توطئه‌چینیهایش که سعی میکند به روستاهای اطراف این شهرستان "سرایند" تا فرصت طلبانی از فرمان خود را بپذیرند و در صدد تعیین معلمین سازروآگاه با انگ مفسدین و ضد انقلابی بسیج نمایند تا شعار دانش‌آموزان روستائی مانند "بلادی، بلادی، نوکلای شهرمائی" و ... روبرو شود و برنامه خود را بیمه‌کار دگذارده حتی فرصت "دندان" از روستاهای دیگر را نیز پیدا نمی‌کند، برمیگردد. ما معلمین شهرستان ایده، معلمان مسئول، مسئولین آنها خواست تشکیل شورا و انتخاب مدیر مدرسه از جانب معلمین همان مدرسه و تشکیل کتابخانه، عدم هرگونه تعیین عقاید و ... ضد انقلابی و ضد دینی و ضد مردمی است؟ مگر ما هواداران کینه و مجروح نداریم که آزاد باشیم و آزادانه رهبری کنیم و دیگر همه حیثیت را لا به ما تحمیل نشود. مگر ما جامعه معلمان شهرستان ایده نبودیم که در این شهر در صف اول مبارزه علیه رژیم سفاک پهلوی ایستاده‌ایم و بر کف شعار داده و اعتصاب میکردیم و... مگر ما نبودیم که مدارس را تعطیل کردیم، و دانش‌آموزان را به مدخیابان و لنگران آگاه میکردیم؟ مگر ما نبودیم و نیستیم که فرهنگ استعماری را ریشه‌کن کردیم و میکنیم؟ مگر یارها مرحوم آیت الله طالقانی مردم را به تشکیل شورا تشویق نمیکردند؟ پس چگونه است که آقای "بلادی" اعلامیه بر علیه ما معلمین ما در میکند و ما را ضد دین و ضد انقلاب و ضد همه چیز میشمرد؟

ما به حق آقای بلادی و بلادیها را که نمی‌خواهند خواسته‌های انقلابی ما را برآورده سازند ضد انقلابی میدانیم. ما بلادی و بلادیها را که تمام کوشش مصروف نفاق افکنی بین ما معلمین و اولیاء امور است ضد انقلابی و ضد دینی میدانیم.

بلادی و بلادیها ضد انقلابی اند که هر بار وقتی قصد داریم اولیاء این شهر را دعوت نموده و در مورد مسائل و مشکلات آموزش و پرورش مطرح خواهی کنیم به وحشت افتاده و رک و پوست کنده میگوید "تجمع اولیاء دانش‌آموزان برای ما دردسر ایجاد میکند بهتر است مسائل را خودتان حل کنید" ولی با رجای حل آنها به توطئه‌چینی و دسیسه بر ضد ما میپردازد.

در روز ۵۸/۱۱/۱۳ با بدعوتی که از مردم بعمل آمده بود جمعیت کثیری در سالن‌های اداره آموزش و پرورش شهرستان ایده گرد آمده و به صحبتهای معلمان گوش میکردند. این جمعیت را دانش‌آموزان، اولیاء، کارگران سنگاره و سبلمه‌های نیکار و معلمان حدنیسه تشکیل میدادند. قرار بر این شد که بعد از ناهار تلگرامی که روز پنجشنبه ۵۸/۱۱/۱۱ به اهواز رده شده بود را برسی نمیرسد با مشکلات فرهنگی را حل کنند در این روز معلمان را ساعت ۸ صبح تا ساعت ۵/۳۰ دقیقه بعد از ظهر در محوطه اداره جمع نموده منتظر بازرسان شدند. تا با حضور بازرسان بتوانند شورای واقعی معلمان ایده را تشکیل دهند. ولی ما سفانه انتظار بی نتیجه شد. روز دیگر با منتظر بازرسان بودیم ولی باز هم بی نتیجه. قرار بر این شد که دو نفر از معلمان به اهواز رفته و حتی به منزل آقایان بازرس بروند. آنها رفتند، ولی تا صبح این بود که ما بدانیم رفته‌ایم ولی تحقیقی که از طرف جامعه معلمان صورت گرفت اصلا خبری از بازرسان در شهرستان ایده نبود، معلمان را ساعت ۹ صبح تا بعد از ظهر هم تا روز در محوطه اداره بودند و توطئه‌چیان نیز مشغول توطئه‌چینی، در آنجا حکم ابلاغ ۱۲ نفر از معلمین منازل که خود را به کارگزینی اهواز معرفی کنند به دوشنبه تا مبارزه بلادی بدست ما رسید.

در روز دوشنبه که تعطیل رسمی بود، بعد از ظهر

بقیه در صفحه ۱۵

www.iran-archive.com

خطاب به متحصنین کمیش دفه، آق قلا، بندر ترکمن و سایر مبارزین خلق ترکمن

حدودیک هفته از آغاز یورش ملاکین وسرمایه‌داران وابسته برعلیه دستاوردهای خلق قهرمان ترکمن که در پی جادشوراهای انقلابی دهقانان صبلورگشته است میگذرد. ما همچنانکه در اعلامیه "جنگ اسواران کند کیانند؟" گفته‌ایم معتقدیم که هدف این یورش ازبین بردن شوراهای انقلابی دهقانان ودرراس آنها دهه سراسری دهقانان ترکمن صحراوگانونهای مترقی این منطقه است. طی این مدت اعلامیه‌های مختلفی که از سوی دادستانی وسپاه پاسداران و دیگر مراجع دست اندرکار این توطئه آمده است حاکی از همین توطئه یاد شده است. دادستانی ضدانقلاب با وقاحت تمام میگوید معتقدیم "منطقه را از لوث وجود توطئه‌گران پاک کنیم." واستاندار مازندران نیز طی اعلامیه‌ای اعلام کرده "قاطعیت عمل در این است که دمل جرکین را در منطقه بکلی ازبین برود" روشن است که "دمل جرکین" و "توطئه گران" از دید ارتجاعی آنان چه کسانی هستند. آنان بغیر از نیروهای مترقی وانقلابی ودرراس شوراهای انقلابی دهقانان ترکمن صحراکسان دیگری نیستند. با آمدن جلادخون آشام که دستش را به خون عزیزترین فرزندان این مرزوبوم خاصه قهرمانان سرزمین گردپرور کردستان آغشته است وسیاست اینکه "یک روزنفت به گرگان واین منطقه اختصاص داده شده است" (نقل از مصاحبه استاندار) سکی باقی نمی‌ماند که آنان درپی یک حمله گستاخانه به تمامی منطقه هستند. وسیاست چماق ونون قندی را که در کردستان با شکست مفتضحانه روبرو گشت باردیگر در این جا می‌خواهند پیاده کنند. لذا آینده جنگ فقط به گنبد محدود نخواهد شد وبا بدآمادگی خودرا چه از لحاظ ذهنی وعملی در مناطق دیگر بالاخره و با یورش ارتجاع به این مناطق آنرا برای به گورستان خویش تبدیل کنیم. در این رابطه باید با سیاست دفاع منفعل سخت مبارزه نمود وسیاست دفاع فعال را پیشه کرد. این جنگ یک جنگ تحمیلی است وخلق ترکمن نه آغازگر آن بوده ونه خواهان ادامه آن است. ولی سرمایه‌داران وابسته وملاکین خون آشام مدتها بود وبی چنین فرصتی می گشتند وحاضر نیستند که به این زودی از این جنگ دست بکشند. ما باید آنها را وادار به قطع جنگ کنیم واین وادارکردن بجز با دفاع فعال خویش درمقابل حملات تعرضی آنها راه دیگری نیست. پس باید در فکر مقابله با اعدام آن از هم اکنون باشیم.

ما ضمن اعلام پشتیبانی از خواسته‌های بحق متحصنین اعلام میکنیم که تا آخرین قطره خون خود هم با وهم سنگر شما خواهیم بود. درضمن ما نمی‌توانیم این خواسته که استقرار ارتش به جای پاسداران را یک خواست درست بدانیم. با این سیاست ما دست ارتجاع را در سرکوب بیشتر باز خواهیم گرد ودرک غلطی از ارتش که یکی از ابزارهای سرکوب حکومت است به مردم میدهیم. همین ارتش در کردستان دست به وحشیانه‌ترین عملیات زد همین ارتش در یک روز ۲۹۰ نفر را در خرمشهر قتل عام نمود و در دوران رژیم گذشته دیدیم که چه‌ها کرد. در این

بقیه در صفحه ۹

پیام رزمندگان خلق ترکمن به خلق قهرمان ایران

بدنبال پیروزی های خلق ترکمن در براندازی سلطه زمینداران بزرگ واستقرار شوراهای مردمی ومصادره زمینهای عناصر منفور رژیم سابق وزمین داران توطئه‌ها ودسائس این عناصر که از روز اول مورد حمایت دستگاه حاکمه بودند یک لحظه خاموش نگردید. هر روز به بهانه‌ای وهر لحظه با شیوه‌ای خاص. روزی با ارعاب زحمتکشان، روز دیگر با همکاری با پاسداران وارگانهای دولتی وموقعی با تحصن واعتراض ومسافرت به قم سعی نموده‌اند مبارزات بحق دهقانان وزحمتکشان ترکمن صحرا را وارونه جلوه داده ورژیم را که خود نیز آمادگی چنین کاری را داشت به سرکوب جنبش خلق ترکمن وادارند، جناحهای مختلف موجود در هیئت حاکمه وارگانهای مختلف هرکدام بر اساس انگیزه‌ای خاص به مخالفت وضدیت با خلق ترکمن، ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا وکانون فرهنگی وسیاسی خلق ترکمن برداختند عناصر ومحافل امپریالیستی وسرمایه‌داران لیبرال هرکدام سنوبه خود برای خدشه وارد آوردن به مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای ایران با همکاری ونزدیکی با زمین داران بزرگ که نفوذ مستقیم وزیادی در بین پاسداران داشتند و پاسداران درواقع مجریان بی چون وچرای خواستهای ضدخلقی آنانند، همواره سعی نمودند با استفاده از گرایشات ارتجاعی پاسداران آنان را برای یورش به خلق ترکمن وبرای ایجاد جنگ با این اطمینان که این بار ارتش مزدور نیز در کنار آنها قرار خواهد داشت تشویق نمایند. پاسداران که در میان زحمتکشان روستاها کوچکترین جا ومکانی نداشته بخاطر مواضع ضدمردمی خویش وبخاطر نفوذ عناصری شناخته شده در بین آنها وبدلیل رشوه گیریها وزدوبندهای متعدد آنان از گذشته تا به امروز فقط به فقط مورد حمایت زمینداران بزرگ ونیروهای ارتجاعی درشهر که بیشتر بر اساس انگیزه‌های مذهبی شیعه وسنی ویا فارس وترکمن بسیج گردیده بودند قرار داشته‌اند. جنگ افروزی پاسداران مبتنی بر این واقعیت است که منافع زمینداران در این مقطع از مبارزات خلق ترکمن بطور کامل مورد تهدید قرار گرفته و نفوذ مردمی ستاد مرکزی شوراها وکانون فرهنگی وسیاسی خلق ترکمن در بین توده‌ها در اوج خود قرار دارد. روی این اصل از مدتها پیش تاکنون سپاه پاسداران با همکاری سایر مرتجعین وزمینداران منطقه به مسلح کردن عناصر ضدمردمی ومتقاعد ساختن جناحهای مختلف درون حاکمیت برای سرکوب ساختن خلق ترکمن وتقویت پادگان گنبد اقدام نموده است. در ماههای اخیر گروههایی از مرتجعین وزمینداران بزرگ با آیت الله خامنه‌ای معاون وزارت جنگ وجمران تماس برقرار کرده وبه تقویت پادگان گنبد وانتقال نیروی زرهی به آن اقدام نمودند. در روزهای قبل راهپیمایی ۱۹ بهمن توسط سپاه پاسداران وعناصر مرتجع طرفدار شریعتمداری همچنین زمینداران در منطقه ترک محله گنبد اقدام به ایجاد دستاههای برگزاری مراسم ۲۵ بهمن که در سال گذشته در همین روز چماق بدستان مزدور رژیم شاه به رهبری آنا قلیچ آخوند نقشبندی به شهر حمله کرده بودند نموده ومخفیانه به سازماندهی ومسلح نمودن عوامل زمینداران وعناصر ناآگاه ومرتجع پرداختند وازروز ۱۰ بهمن شروع به دادن اعلامیه‌هایی جهت تحریک مردم نمودند. در همین هنگام جناحهای دیگری از مردم عبر ترکمن در شهر که عمدتا موضعی برخلاف جنگ داشتند به مخالفت با آنان پرداختند وحرکات وجنگ افروزی آنان را محکوم نمودند که طی اعلامیه‌ای ستاد برگزارکننده مراسم ۲۰ بهمن که از عناصر معلوم الحال تشکیل گردیده بود با سخ گفتند واعلام نمودکه ما

بقیه در صفحه ۱۱

www.iran-archive.com

گزارشی از مبارزات ضد فئودالی روستائیان ایذه و رامهرمز

اهالی روستاهای " دوگجه "، "سُرلِلَه" ، " می داوود" و... ازتوابع شهرهای ایذه ورامهرمز که از ماهها قبل برای دست یابی به حقوق واقعی خود، یعنی زمینهائی که اجبرا توسط خانها وفئودالهای منطقه غصب شده بود، باردیگر دست به مبارزه ای سخت زده بودند. این مبارزات که گوشه ای از آن قبلا به اطلاع رسیده است، روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۷ با تظاهرات وراهپیمائی یکپارچه بیش از ۱۰۰۰ نفر از اهالی این روستاها در شهر رامهرمز ادامه یافت. این راهپیمائی که بوسیله دانش آموزان ومعلمان وگروههای دیگری از اهالی شهر رامهرمز پشتیبانی میشد، از ساعت ۴/۲۵ دقیقه بعدازظهر روز یکشنبه از جلوگاراژ " می داوود" (محل رفت وآمد روستائیان) شروع شد واز خیابانهای خمینی، شریعتی وکوچه سنائی گذشته وجمعیت در مقابل پاسدارخانه (کمیته شهر) اجتماع کرده وبه سخنرانی دونفر از روستائیان گوش دادند. یکی از آنان در صحبتهایش از ظلم وستم وفجایع مشهدی محمدعلی شاهینی وحیدری که از خانهای مشهور منطقه بوده وقبلا توسط اهالی این روستاها دستگیر وتحویل کمیته داده شده بودند، یادکرد. وی در ادامه صحبتهایش از مراجعه روستائیان به مقامات قانونی وحتی ناقم وبیش آیت الله خمینی، صحبت کرد وگفت که در این مبارزه تجربه حاصل نموده ایم که با شکایت واز طریق قانونی نتیجه ای حاصل نمی شود وبایستی روستا را سنگر خود قرار داده وفقط به نیروی اتحاد وهمبستگی خودمان متکی باشیم. یکی دیگر از روستائیان راجع به لزوم کسب پشتیبانی اهالی شهر رامهرمز صحبت کرد وگفت که ما می بایستی قبلا بوسیله اعلامیه ای وضعیت خود وظلم وستم خانها وفئودالها وبطور کلی هدف خود را از این راهپیمائی به اطلاع مردم میرساندیم تا آنها همگانی وآگاهانه از ما پشتیبانی میکردند؛ به مانند حالا که تعداد کمی از اهالی شهر در این راهپیمائی با ما شرکت کرده اند. این سخنها در مورد موافقت تمام حاضران قرار گرفت. بعد از سخنرانی این دو روستائی یکی از پاسداران کمیته انقلاب اسلامی شهر رامهرمز شروع به صحبت کرد وضمن تائید راهپیمائی روستائیان اعلام کرد که ما خود به شخصه بر فجایعی که این خانها وفئودالها بر شما روا داشته اند شاهد وواقفیم وبرونده هایشان را هم در اختیار داریم. سپس تفنگی را در برابر جمعیت نشان داد وگفت: " این اسلحه حیدری است." لازم به یادآوری است که در چند هفته پیش که دو فئودال مزبور توسط مردم وبه کمک برخی پاسداران دستگیر وتحویل کمیته شهر داده شده بودند، یکی از آنها یعنی مشهدی محمد علی شاهینی پس از قول وقرار دروغین در مورد اینکه دیگر روستائیان را مورد فشار قرار ندهد، آزاد شده بود وخان دیگر یعنی حیدری که اینک پاسدار مزبور اسلحه او را به جمعیت نشان میداد، به اهواز برده شده بود. پاسدار مزبور ادامه داد که ما حیدری را به کمیته اهواز تحویل دادیم وبعدا متوجه شدیم که وی با سبانی وکمک شما رمدنی آزاد شده، با این قرار که وی در روستاهای ایذه ورامهرمز برای ریاست جمهوری مدنی تبلیغ کند. البته پاسدار با مبرده سازش وتبانی بین حیدری ومدنی را بعلت نبودن سپاه پاسداران در شهر رامهرمز میدانست. اما وی نمیدانست که اولا از این گونه سازشها در شهر اهواز هم بین مدنی وکسانی مثل حیدری انجام میشود. تا سپاه وقتی که دولت حاکم طرفدار خانها وفئودالها باشد، بودن یا نبودن سپاه پاسداران دردی را دوا نمیکند وهمانطوریکه در برخی از استانهای دیگر مانند مازندران وفارس دیده ایم سپاه پاسداران نیز خود به پشتیبانی از خانها وفئودالها برمی خیزند چرا که سران سپاه پاسداران مانند این پاسدار، خود از روستازادگان ومردم فقیر نیستند که دلشان به حال روستائیان ومردم زحمتکش سوخته باشد. بعد از سخنرانی پاسدار مزبور، جمعیت با گرفتن قول دستگیری دوباره مشهدی محمدعلی شاهینی وحیدری، با شعارهای راهپیمائی متفرق شدند.

شعارهای راهپیمائی از اینقرار بودند:

۱ ـ اتحاد، اتحاد، علیه فئودال

۲ ـ فئودال باید بداند، کشاورزان بیدارند

۳ ـ شاهینی وحیدری اعدام باید گردند.

۴ ـ پارس محکوم است ارتجاع نابود است.

۵ ـ کاربرای کارگران، زمین برای کشاورزان.

۶ ـ خانهای سرسپرده، اعدام باید گردند.

۷ ـ کشاورزان سرورند، فئودالها نابودند.

۸ ـ مرگ بر آمریکا.

. . . . .

درحاشیه:

درحین راهپیمائی، یکی دو بار برخی افراد سعی کردند که شعارهای انحرافی مانند" حبس، سوروی، آمریکا، دشمنان خلق ما " و" اسلام پیروز است، خمینی است نابود است " را به شعار رفع سبدیل کنند که با عدم استقبال جمعیت قرار گرفت. در همین مورد بوسیله عناصر آگاه توضیح داده شد که اولا این راهپیمائی برای بدست آوردن زمینهایمان وبر علیه فئودالهاست وبا ما دشمن عمده ما آمریکاست. این توضیح مورد قبول همه قرار گرفت.

پیروز باد مبارزات دهقانان بر علیه فئودالها!
مستحکم باد اتحاد کارگران ودهقانان ایران!
برقرار باد حکومت زحمتکشان یعنی جمهوری دموکراتیک خلق!

هواداران حقیقت ـ رامهرمز

۵۸/۱۱/۱۰

*

خطاب به...

جنگ نیز ارتش نقش سنگر پاسداران را ایفا نموده ودست در دست پاسداران بر علیه نیروهای انقلابی میجنگد اگر میخواهیم در سپاه اشباه نکنیم باید به جلونگاه کنیم به عقب واگر میخواهیم پس نیفتیم باید پیش گیریم. ما خواهان قطع آتش بس واخراج پاسداران غیربومی وارتشی از منطقه هستیم ومعتقدیم که حفظ امنیت شهر باید بدست نیروهای مردمی سپرده شود.

خلق غیور ترکمن! هم اکنون از بهترین فرزندان ما در گروگان سرمایه داران وفئودالها هستند. آنان نور چشم ما وقلب منطقه هستند وارتجاع نیز این را خوب میداند که این سرزمین چه دلاورانی را در دامانش پرورش داده است اکنون آنان را از دامان ما ربوده وهر لحظه احتمال آغشته کردن دستشان به خون این عزیزان میرود. باید با تمام قوا از این عمل جلوگیری شود. در این رزم تمام خلقهای قهرمان ایران همپای ما خواهند بود وبا عزم خود بیوزه ارتجاع را در این منطقه به خاک وخون خواهیم مالید.

جنگ باید فوراً قطع شود وسامی گروگانها پس داده
شود ومصیبین این جنایت باید به مجازات برسند
پیروز باد مبارزات دلاورانه خلق ترکمن در
دفاع از دستآوردهایش!
مرگ بر سرمایه داران وابسته وملاکین بزرگ این
پایگاههای امپریالیسم در میهنمان!
مستحکم تر باد نوراهای واقعی وانقلابی دهقانان
ترکمن صحرا!

* یاران دهقانان انقلابی ترکمن صحرا *

*

www.iran-archive.com

حقیقت

قراردادهای اسارتبار امپریالیسم لغو باید گردند!

شرکت سهامی پتروشیمی ایران – زاپن که حدود هشت سال قبل طرح قرارداد آن بین طرف قرارداد شرکت میتسوئی ارژاپن و محمدرضا پهلوی از ایران با امضاء رسید در بندر امام خمینی (بندر شاهپور سابق) قرارداد این قرارداد که از هر نظر ضرر مردم ایران و نفع دولت ژاپن میباشد – از انقلاب مردم قهرمان ایران بی‌دست‌خورده باقیمانده و علیرغم خواست کارگران این شرکت که خواهان کوتاه آمدن از منافع سرشاری که برده‌اند، با روی کار آمدن آقای بازرگان هیچ تغییری نگردد و حتی در روزهای اول انقلاب آقای بازرگان به نمایندگان شرکت این اطلاع نمودند که هرچه زودتر کار ادامه ساختمان پروژه را دنبال نمایند. (البته طبق قرارداد صد در صد فعلی). ولی این عمل با عکس العمل کارگران ایرانی این شرکت روبرو شد و طرف ژاپنی ناچار منتظر تصمیمات بعدی ماند و علیرغم خواست دولت در مورد هرچه زودتر آمدن ژاپنی‌ها و ادامه کار ساختمان، این سوای کارگران شرکت بود که همواره چون سدی در مقابل این قرارداد صد در صد مردمی مقاومت مینمود. دولت رایس در ابتدای کار با ۴ میلیارد پس وارد عمل شد و در این مدت حدود ۴۰ میلیارد پس لوازم به ایران فروخته، با یک حساب خیلی ساده اگر از بهره ۱۰ درصد از فروش خود سود برده باشد کل سرمایه اولیه را محسوب برده‌اند و دولت اجیری را از دست نمیدهد ضمن اینکه در حال حاضر ما هنوز مبلغ ۹۷ میلیون تومان هم پول مصالح از دولت ایران میگیرند، ولی خط و ربط این پولها را نمیگیرند: در حال حاضر بودجه ما هیانه که در حدود خرج دستمزد و سایر مخارج میگردد ۲۵ میلیون تومان است و مبلغ ۴ میلیون تومان در ماه نیز خرج مسائل اداره تهران میگردد که در آنجا ساختمان ۱۰ طبقه و صدها دربادی کار نمیکنند و بیکار وجود دارند، بیکار را این نظر که نه پروژه نه پیسی در حدود ساخته شود و اداره ۱۰ طبقه‌اش در تهران قرار دارد. مبلغ ۷ میلیون تومان هم حقوق و سایر مخارج کارکنان اداره توکیو در ایران میباشد که این را هم دولت ایران میدهد. مبلغ ۹۰ میلیون تومان هم بپردازد دستمزد نصب آقایان ژاپنی میگردد که از جمع مبلغ ۱۲۶ میلیون تومان مخارج ما هیانه این شرکت که در حال حاضر عاطل و باطل مانده ۹۷ میلیون تومان بحساب ژاپنی‌ها واریز میگردد. مسلم است که آقایان ژاپنی دلشان بحال ما سوخته و با داشتن عواطفی چون آقای کوهیار و مرتضی‌شان هم خیلی گرم است که پول‌هائی سرشار جیب ببرند. آقای کوهیار که سوابقشان در شرکت کودسیمیائی سیراز موجود است و دارای ماهیتی آنچنان صد در صد مردمی است که وقتی از سراز به شرکت سیمیائی رازی در بندر امام خمینی منتقل گردید با مخالفت شدید کارگران سیمیائی رازی روبرو شد و موفق به کسب مقام ریاست سیمیائی رازی نگردید ولی اینان نگران شدند چون پست مهمتری چون ریاست کل شرکت سهامی پتروشیمی ایران – را بدست آوردند و با استفاده از سابقی که نشان داده‌اند حامی خوبی برای منافع رایسی‌ها باشند و همین طور آقای مرتضی که با رضا رطاعوسی خود کارگران خوب را برده خود میدانند. رهی خیال باطل، باید آقای کوهیار در تهران خیال قدرتی دارد که به آقای امینی قائم مقام شرکت اجازه ورود به جلسات هیئت مدیره شرکت را هم نمیدهند و از این رو آقای امینی با توجه به اینکه رایدمان کارشان مضر شود مشخص دادند که تهران است استعفا نمایند. ولی این آقایان باید بدانند که با وضعی سوای کارگران وجود دارد اینها نمیتوانند به خواسته‌های خود برسند اگر هم بخواهند سود را از این سرمایه آنوقت با عکس العمل بیش از ۹۰۰ نفر کارگران شرکت روبرو خواهند بود چون همانطور که خواست این کارگران بیرون کردن بیمانکاران شرکت و ناکسون موفق بوده‌اند. گرچه بیرون کردن

بقیه در صفحه ۱۱

ساواکی از "کمیته" اسلحه میگیرد!

افشاگری رهنمود ما بسد کمیته آن در مورد یکی از ساواکی های افشاء شده در کتاب "معرفی قریب به ۸۰۰۰ نفر از اعضای خائن و جانی ساواک به بنیاد ملت ایران" بدست ما رسیده که حاکی از آنست که "کمیته منطقه ۸" وابسته به "ناحیه ۱۰" غرب تهران، یک قبضه اسلحه کمری به این ساواکی داده است که عینا چاپ میکنیم.

افشاگری شماره یک

همانطور که از اصل صفحه ۲۲۰ کتاب معرفی قریب ۸۰۰۰ نفر از اعضای خائن جانی ساواک به بنیاد ملت ایران با تاریخ انتشار دی ماه ۱۳۵۸ بها ۲۵۰ ریال

ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شماره شناسنامه
۲۳۰۰۷	فرخ‌اله	عسگرپور	عبداله	۹

تاریخ تولد	شماره رمز
۱۳۱۹	۱۰۵۰۵

آری با شرمندگی از خاطرشان گنهکار در سال ۱۳۲۷ با استخدام آموزش و پرورش ناحیه ۱۶ تهران در آمد اما با داشتن سوء سابقه کامل در میان خود تروریستها از رفتن به کلاس درس خودداری و با کسب آخرین مراحل حقوق خود را دریافت و همچنین در زمان دکتر مصباح زاده خود در صدد رئیس روابط عمومی شهرداری بوده و سالهاست که سرپرستی اسناد مرکزی را بر عهده دارند.

با خانه خدمت قرار بر آن شد که سوابق تروریستها و آشنایی با بستگان اسناد مرکزی از موسسه در باب مدارک اسناد بین از پیروزی انقلاب موفق بدریافت یک قبضه اسلحه کمری آمریکائی به شماره ۱۲۷۳۶ – از کمیته شماره ۸ امام خمینی واقع در مسجد نبات الحوائج غرب تهران برده شده است.

آیا این جنایت و خیانت به انقلاب بر شرکت ما نیست؟

راستی چرا مسئولان کنونی در این موسسه با کسانی اینگونه افراد اعدام نمی‌کنند؟!

سرور، با دخالتهای مستضعف جهان

سرهنگی محمدی

درسگران گویا باشد.

بسمه تعالی

کمیته موقت انقلاب جمهوری اسلامی

غرب تهران

ناحیه ۱۰

وابسته به کمیته منطقه ۸

تاریخ ۵۸/۱۰/۲۰

شماره ۱۲۰/۵۸

پیوست

بسمه تعالی

[illegible]

کمیته انقلاب اسلامی شماره ۸

امام خمینی

سمت امور قضایی

خیابان قزوین دوراه قنات – خیابان ابوسعید ساختمان شهرداری معاونت

تلفن

www.iran-archive.com

حقیقت

پیامبر...

عناصر فرصت طلب را در بین خویش راه نخواهیم داد (منظور نیروهایی بود که با جنگ افروزی این دارودسته و عوامل زمیندار مخالفت مینمودند) متعاقب آن سناه پاسداران در رابطه با ۱۹ بهمن دست به تحریک زده و اعلامیه هایی مبنی بر لغو راهپیمایی و تهدید راهپیمایان صادر نمود و از روز هفدهم بهمن بطور مشخص تمام نیروهای آماده خویش را مسلح نموده و برای راهپیمایی در مسیرهای اصلی شهر گسیل داشت و از روادید مبارزین و مردم روستاها بر داخت.

سپاه پاسداران سپس در شهر به تاریکهای غیرمعمولی پرداخته و ادامه تحریکات خود را گسترش داد.

روز راهپیمایی با اینکه راهپیمایی با اجازه کتبی رئیس شهربانی انجام شد بر خلاف بود و حدود چهل هزار نفر از مردم شهرها و روستاها علیرغم مخالفت پاسداران و راهپیمایی آنها شرکت آمده بودند، عده ای اوباش که مورد تائید کامل پاسداران قرار داشته در شهر جلوی راهپیمایی را گرفته و با چوب و چماق و سنگ به تظاهرات آرام مردم حمله نمودند. متجاوز این فرصتی بسیار مناسب برای زمینداران بزرگ، عوامل امپریالیسم بود که نیروهای ارتجاعی را بسیج نمایند و آنها را به مقابله با خلق برگمن برای دستیابی به منافع کثیف خویش وادارند، از صبح همان روز پاسداران در پست پاسگاه های میدان مرکزی شهر مسلسل های سنگین کارگذاشته بودند و کاملا آماده جنگ میدیدند آنها فرصتی مناسب یافته بودند تا بقول خودشان خلق برگمن را سرکوب نموده و به "سرجایش بنشانند" بدنبال حمله به تظاهرات که کم و بیش با اسلحه گرم نیز همراه بود، بنا شرکتشان مستقیم و سیاسی توسط جوانان شهر گسترش یافته و بعضی برگرداننده و ادامه درگیری با کنترل دشمن و همه جانبه مردم خلق گری بعمل آمد، مردم در مقابل کانون فرهنگی و سیاسی خلق برگمن گرد آمدند و از آنجا توسط بلندگوها از آنان خواسته شد تا متفرق گردند.

جوانان برای خلق گری هرگونه درگیری با خواسته و برای اینکه پاسداران بزعوم به سنگرسازی مشغول شده بودند در مقابل کانون به تحصن پرداختند متحصنین هرگونه جنگ افروزی را مردود و محکوم دانسته و روی رمیس بسته بودند، از طرف دیگر طی تماس متعدد ورود جانبیون اهل بیت با مسئولین شهری که در این موقع همگی آنها خود را پنهان ساخته و کوچکترین موضعی در مقابل شرایط حساس که هر لحظه احتمال وقوع جنگ در آن میرفت نگرفته و تابع تصمیمات جنگ افروزان و زمینداران گردیدند، تحصن تا زمانیکه تماس با اسپاه پاسداران برقرار گردید بعضی تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر شنبه ۵۸/۱۱/۲۰ ادامه داشت و در لحظه ایکه متحصنین شاهد قول اسپاه پاسداران در تحصن و در نتیجه عادی شدن وضع و مذاکره را داشتند عناصر جنگ افروز که از این مساله اطلاع پیدا نمودند خود شرایط به متحصنین حمله کرده و اولین بار مقابل، توسط پاسداران مستقر در سنگرها تیراندازی شروع گردید و متجاوز به محروح شدن دو نفر را فراهم نمود. البته از صبح آن روز از طرف خبازیان شهر که مرکز توطئه های زمینداران بود تیراندازیهای پراکنده انجام میشد ولی شهر حال آتش جنگ طور گسترده از زمان حملات پاسداران شروع گردید. در طی حملات پاسداران مبارزین خلق برگمن در پی دفاع برآمده و آنها نیز در سنگرها متفرق گردیدند و جنگ تحمیلی به خلق برگمن یعنی دسته های سرمایه داران لیبرال، زمینداران بزرگ و امپریالیستها مشترکا بدست پاسداران و بعد از ۲۴ ساعت با شرکت و حمایت و همه جانبه ارتش مزدور آغاز گردید. نیروهای ارتش و پاسداران با تانک و توپ و حمایت بحر برگمن بشهر را به آتش کشیدند و خانه های مسکونی مردم بی پناه را ویران ساختند. آنها مساجد را به آتش کشیدند و به ویرانه ای مبدل ساختند، در مانگاه شهدای خلق برگمن را به موشک بستند و اغراب و دزدی گرفته تا سرمایه داران مردم عادی از هیچ جنایتی فروگذار نکردند. زمینداران اشغالی خلق برگمن که به دفاع از شرف و حیثیت خلق خویش برخاسته بودند در این هجوم وحشیانه که در واقع رکن اساسی آن از ارتش مزدور بوده و پاسداران با پناه و ارتجاعی در آن جزئی بحساب نمی آمدند به مبارزه ای همه جانبه

قراردادهای اسارتبار...

شیخ مجاهد علیرغم اعلام رادیو سعف ملی آبادان در مورد اینکه ایشان میبایست هرچه زودتر خود را به دادستان انقلاب آبادان معرفی نمایند مدتی طولانی شد و آنهم بخاطر حمایت بی دریغ دریادار مدنی استاندار خوزستان از ایشان بود حتی بعد از دو ماه مجددا ایشان با کمال وقاحت به سر کار خود آمدند و چون تا بیش ۷۰ درصد حقوق کارگران بیمارستان را بالا میکشید ولی با رفتن آقای مدنی از استانداری خوزستان دیگر جائی برای شیخ مجاهد در این شرکت وجود ندارد و لذا متناسبی کارگران بیمار هرچه زودتر بصورت استخدام رسمی درآیند. بطور کلی در حال حاضر پاره ای از خواسته های کارکنان شرکت سهامی پتروشیمی ایران - زاپن که توسط شورای کارکنان این شرکت مطرح شده از این قرار است:

۱ - چون شرایط زندگی در کنار رودخانه جراحی واقع در ۲۵ کیلومتری بندر ماهشهر مساعد نیست حاضر بزندگی در آن محل نیستیم.

۲ - هرچه زودتر ادامه کار ساختمان بروزه.

۳ - ایجاد مجموعه خانه سازی برای کارکنان و در مرحله اول برای کارگران شرکت.

۴ - بررسی جهت استفاده از بیمارستان و فروشگاههای صنعت نفت در آبادان.

۵ - حذف روبای زایدی در صدر و سپردن مسئولیت آنها به کارکنان ایرانی با نظر شورای کارکنان خوب.

۶ - ترتیب اثر دادن به تشکیل گروه مهندسی ایرانی در شهران که حاضر به تکمیل پروژه ساختمانی کارخانه شده اند.

۷ - ترتیب اثر دادن به نظریه کارکنان خوب در مورد قرارداد منعقده بین ایران و ژاپن.

۸ - برچیدن اداره شهران و استقبال کارکنان آن به خوب و خلوگیری از خارج شدن روند آن اداره.

۹ - تجدید قرارداد فروش ۳۰ سال گاز به ژاپن.

پیروز باد مبارزات کارگران صنایع نفت و کار پتروشیمی

* گروهی از کارکنان شرکت سهامی پتروشیمی ایران - ژاپن

برای خلوگیری از شورش به مردم شتر برداخته و بوس ارد روز جنگ و مقاومت همه جانبه در ماشیکه شهر عرصه و جولانگاه سنگهای خیمس گردیده بود و موضعی که روستای بدلجه به آتش کشیده شد و منجا و را رسیده خانه کاملا سوخت و رمانی که نیروهای مهاجم ارتش و پاسداران بمباران شهر را آغاز نمودند مصادف استقامت محوشی از مردم بیگناه شهر را داشتند، پس از تخلیه شهر از تمامی مردم مبارزی که تا این لحظه در کنار و فرزندان خویش مصمانه ایستاده و آماده جانبازی در راه خلق خویش بودند به روستاهای اطراف عقب نشینی نمودند. برای زمینداران خلق برگمن مبارزه آغاز گشته است و ادامه خواهد داشت و شهر اراده خلق شهرمان برگمن مبارزه را با بدست آوردن حق خود مختاری و کسب آزادیها و حقوق دموکراتیک، با تلاش زمینداران بزرگ و عمل کامل زمینها بدست سوراهای مردمی و بارهایی زحمتکشان و دهقانان ادامه خواهد داد. ما از تمام مردم مبارز ترکمن صحرا میخواهیم که با بردباری در جهت افشای اعمال غیرانسانی ارتش و پاسداران در حمله و بابل سنگین نظامی به شهر و کشتار مردم بیگناه اقدام نمایند، ما از خلق خویش بخاطر حمایت بی دریغ از زمینداران زمینداران سناگرایم و ایمان داریم که با انکاء توده ها شهر حال پیروزی از آن ما خواهد بود. اعتقاد ما بر این است که مبارزه سیاسی نیروهای آگاه، روشنفکران و مبارزین محلیین و معلمین شهرها و روستاهای منطقه بخش بسیار حساس در مبارزات کنونی خلق برگمن خواهد داشت. روی این اصل از خلق خویش میخواهیم که فریادهای اعتراضی خود را سر بدهند و اعمال وحشیانه عناصر وابسته امپریالیسم و ارتجاع را محکوم سازند.

درود بر شهدای بحون حقیقت

خلق

پیروز باد مبارزات حق طلبانه

خلق شهرمان برگمن

سادعملیاتی زمینداران خلق برگمن

*

www.iran-archive.com

پایدار باد راه سرخ کاک وریا!

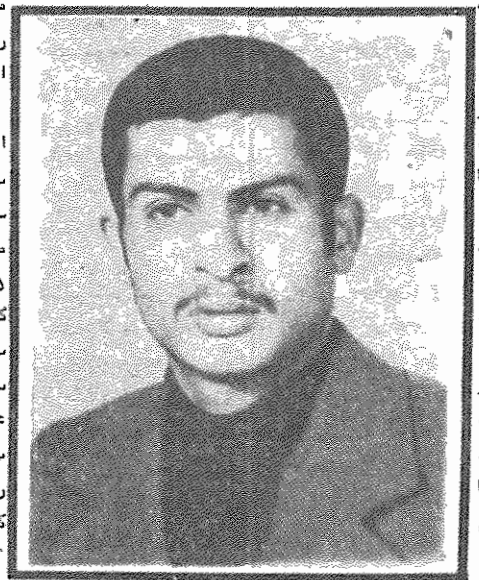

در روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۵۸، کاک وریا مدرسی، یکی از رزمندگان خلق دلاور کرد، بدست نیروهای جنایتکار ارتشی و پاسدار، در یک نبرد نابرابر به شهادت نوشید و خون سرخش خاک کردستان را گلگون ساخت. شهیدی دیگر از یاران شهیدان گرانقدر انقلاب ما بر خاک افتاد تا با خون سرخش درخت انقلاب را آبیاری کرده و با رونق بارور و عرم راسخ خلقهای زحمتکش ما را در کسب پیروزی نهائی بیمانبدارد. شهیدی دیگر از یاران شهیدان گرانقدر خلق کرد بر خاک افتاد تا با رد دیگر اراده خلق قهرمان کرد را در حفظ دستاوردهای انقلابی و کسب خواسته‌های به حق این به پایان گذارد. شهیدی دیگر از یاران شهیدان گرانقدر جنبش کمونیستی ما بر خاک افتاد تا بر خون طبقه کارگر قهرمان ایران را در میدان نبرد طبقاتی بر افراشته نگاه دارد و خون ستاره سرخی بر تارک جنبش ما بدرخشد. یاد و خاطره این جانبازان و راه پرافتخارشان پوینده باد.

بدنبال حمله ضدانقلابی جاشها و مزدوران و پاسداران وارثین سلطه کامیاران و سرکوب و کشتار مردم این منطقه، پیشمرگه‌های قهرمان خلق کرد، به یاری مردم کامیاران شتافتند، در برابر این یورش ضدانقلابی به مقاومت پرداختند. رفیق شهید کاک وریا مدرسی از این حمله بود. کاک وریا، مسئول نظامی "تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان" (دفتر سنندج) بود و از همان آغاز حمله ضدانقلابی به کامیاران بر این عقیده بود که باید هر قدر که شده جلوی این یورش گرفته شود و پیشمرگه‌های از پیشمرگه‌های "تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان" و سایر پیشمرگه‌های قهرمان کردستان، بسمت کامیاران شتافت و فعالانه به مبارزه برخاست. در روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۵۸، از ساعت ۳ تا ۴ صبح کمک مبداد. صبح روز دیروز پاسداران و جاشها شروع به تیراندازی میکنند و از ساعت ۸ صبح جنگ بالا میگیرد و تا ۲ بعدازظهر ادامه می‌یابد. کاک وریا در تمام این مدت علیرغم جنگی مفرط در صف مقدم جبهه بود و با ارجوگذشتگی می‌جنگید. در آغاز ده فروند هلی کوپتر تمام منطقه را بر رکبار گلوله میگیرند و در پیاده آتش هلی کوپترها یک سرنشین و یک لندرور با حدود ۲۰ نفر جاش و پاسدار شروع به تیراندازی میکنند که در اثر مبارزه قهرمانانه پیشمرگه‌ها ناکام میشوند. جاش‌ها و پاسداران و نیروهای ارتش بالاخره با ۴ تانک و ۱۰ هلی کوپتر و حدود ۱۰۰ نفر نیرو موفق میشوند که بنیروی پیشمرگه‌ها در برابر این یورش دست به عقب نشینی تاکتیکی میزنند و کاک وریا نیز چنین میکند. پس از عقب نشینی کاک وریا متوجه میشود که یکی از همرزمان او (از رفقای کومه‌له) که تا هم در یک سنگر می‌جنگیده‌اند در میان جاشها و پاسداران حاضر نیست و گمان میبرد که در محاصره افتاده باشد. بعهده ارجوگذشتگی انقلابی به کاک وریا حکم میکند که بیاری همرزمش بشتابد. منطقه‌ای که پیشمرگه‌ها ترک کرده بودند مملو از جاش‌ها و پاسداران وارثین‌ها بود و خطر مرگ حتمی. همرزمان دیگرش باو میگویند که رفیق تا مرده جنازه‌ها از میلکه‌جان سالم بدر نبرده و از طریق دیگری عقب نشینی کرده است (و جنس نیرو)، اما کاک وریا نمی‌پذیرد. رفیق همسنگرش ممکن بود یک و نیم در محاصره دشمن مانده باشد و بعهده ارجوگذشتگی انقلابی با حکم میکرد که بیاریش بشتابد. کاک وریا یک نه سوار لندرور می‌شود و با کانه در جستجوی رفیق به دل دشمن میرود و بطرف محل قهوه‌خانه روانه میشود. در این هنگام همه نیروهای مهاجم او را در محاصره میگیرند. با تکیه و حدود ۱۰۰ نفر مهاجم رفیق شهید ما را در محاصره میگیرند و او نیز ماسین را ترک کرده، سنگر میگیرد. چه باید کرد؟ آیا باید تسلیم شد؟ و یا باید جنگید؟ مقابله یک نفر و آنهم در محاصره چند تانک و حدود ۱۰۰ نفر جاش و پاسدار و ارتشی؟ کاک وریا، مبارزه و شهادت را انتخاب میکند و با شجاعت غیرقابل وصفی به مقابله می‌پردازد. حلقه محاصره تنگ‌تر میشود و پیشمرگه قهرمان همچنان می‌رزمد تا آنکه دست مزدوران به شهادت میرسد و حماسه‌ای دیگر بر حماسه‌های خلق قهرمان کردمی‌افزاید.

جسد او را به سنندج می‌برند و خلق قهرمان کرد از روز دوشنبه حقه‌ای تجلیل بزرگی میکند. مراسم تشییع از ساعت ۲ بعدازظهر از مسجد شیخ الاسلام در سنندج آغاز میگردد. جسد رفیق وریا را با سرود حزب می‌پوشانند. او یک کمونیست بود و پرچمش سرخ. ساعت ۳/۵ در حالیکه ۴۰ تا ۵۰ نفر پیشمرگه مسلح (از همه گروهها) وی را احاطه کرده بودند با مراسم خاصی تشییع شد. در جلوی صف طویل ۲۰ هزار نفری مردم، یک ستاره بزرگ سرخ رنگ حمل می‌شد و بنیاد سر آن، عکسهای بزرگی از کاک وریا در حرکت بود. در مراسم تشییع شعاره، خانواده شهید، "تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان"، "ستاد"، "سازمان رزمی انقلابی کردستان"، "کومه‌له"، "سازمان پیکار"، "سازمان چریکهای فدائی خلق"، "چریکهای فدائی خلق - گروه اشرف دهقانی"، پیکه‌های مختلف محلات شهر سنندج، گروهی از مردم کامیاران که در سنندج متحصن هستند و... شرکت داشتند و در مسیر تشییع شعارهائی از قبیل "جنگ آزادی در کامیاران، بوطئه ارتجاع و آمریکا"، "آمریکا، ارتجاع، دشمن عمده ما"، "وربای شهیدراه ادامه دارد"، "مرگ بر جاشها" و امثالهم از سوی جمعیت ایراد میشد. بر سر مزار شهید مراسم با شکوهی برگزار شد و سپاه مهاجمی ضرب شد که در این حمله‌اند، پیام "تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان"، "کومه‌له"، "چریکهای فدائی خلق"، "سازمان پیکار"، "چریکهای فدائی - گروه اشرف دهقانی" و... در مراسم سومین روز شهادت کاک وریا در مسجد جامع برگزار خواهد شد.

رفیق شهید کاک وریا مدرسی، در سال ۱۳۳۷ در خانواده‌ای فرهنگی در سنندج بدنیا آمد. دبستان و دبیرستان را در سنندج گذراند و بعد وارد دانشگاه رازی کرمانشاه شد و در رشته ریاضی به تحصیل ادامه داد و سه سال در این دانشگاه بود. او در دانشگاه فعالانه در مبارزات جاری مردم و جنبش دانشجوئی شرکت داشت و سهم خود در این راه مشکوشید و پس از سرنگونی دربار شرکت در ارتباط با "دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر" فعالیت می‌نمود. در تابستان سال ۱۳۵۸ بمنظور شرکت هرچه فعالتر در مبارزه انقلابی ترک تحصیل کرد و به "تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان" پیوست و در جمعیت روانه به فعالیت مشغول شد. در مرداد ۵۸، در آغاز یورش ارتش و پاسداران به کردستان فعالانه مبارزه نمود و در کامیاران حنگیدو از خود رشادت‌های فراوانی نشان داد. او پس بمنظور فعالیت در میان دهقانان و سازماندهی آنان عازم منطقه "بدلیس" کردستان و در آنجا فعالانه به تسلیح و سازمان دهی دهقانان پرداخت. دهقانان این منطقه از کاک وریا و فعالیت جنگی تاثیرش در آگاهی رزمی و شکل آنها خاطرات فراوانی دارند و او بعنوان یک کمونیست انقلابی در دل زحمتکشان جای داشت. پس از آتش بس، کاک وریا به سنندج رفت و بعنوان مسئول نظامی "تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان" (دفتر سنندج) مبارزه‌اش را ادامه داد. با حمله مجدد ضدانقلاب به کامیاران او بعنوان مسئول گروهی از پیشمرگه‌های "تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان" بهمراه پیشمرگه‌های سایر سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی به کامیاران شتافت و در حین حمله سپاه بمنظور ضربه زدن به مراکز جاشها و پاسداران شرکت جست و بالاخره در روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن قهرمانانه به شهادت پیوست. یاد و خاطره‌اش جاودان باد.

رفیق شهید، کاک وریا مدرسی، یک کمونیست انقلابی و عضو "اتحادیه کمونیستهای ایران" بود و تا لحظه مرگ به آرمان طبقه کارگر ایران وفادار

شهید در صفحه ۶

www.iran-archive.com

جنگ گنبد

زمین، شوراهای دهقانی، فئودالها

جنگ ارگها شروع شد

اکردرسپارکدسه‌گران فروحس
سک سومان سکاروبسون سهاسه‌ای
سدست فئودالها وسرمایه‌داران سرور
دادساحکی سحملی راسرحلق آزاده
سرکمس وحاصه دهقانان سی حبراس
حطه‌آعارکسد، اس سارکه‌درسراسطی
دسکراس حسک صورت کرفت سیسرس
سهاسه‌را سرای آعارس داسسدوار
مدسهاسس سدارکس رادیده‌بودسد.
حدودسکهسه‌فصل ارآعارحسک سادکان
کسدوهمحسس مقرساسداران سعوسب
مسود، سلاحهای سکس درمسداس اصلی
سهرکداسه مسودودرسهرا علامه‌های
مسکوکی برعلیه سطاهراسی که‌قسرار
سودرورحمعه‌سه‌مساسب ۱۹ سهمس
سالرورساهکل راهسمائی داسسه
ساسدسحس مسود. مصمون اس اعلا-
مسه‌ها دعوت مردم‌سرای سورس سه سطا-
حراب سوده‌اسب.

سطاهراب درصبح حمعه‌سا اجاره
کسسی ازسهرسابی ومقامات انتظامی
سهرورسمسای قرارفصلی راس ساعت
۱۰ سروع‌مسودولی بعلت اسکه در
حدود ۵۰۰ سفراوساس که‌سه‌سحرسک
سروهای مرسع محلی ارقماس باران
وسادارهرسرسرداسی هادرفاصله‌ای
ارسطاهراب گردآمده‌ومسعول فحاسی
علسه‌سطاهرکسدکان سوده‌اسدسصمسم
کرفسه مسودسطاهراب کمی ساساحسر
سروع سودساافراداوساس صسفسرق
سوسد. ولی افرادمرسورکه‌درهاله‌ای
ارساسداران قراردادسسدوسوسسله
آساس حماسب مسدسدسحریکاسب حود را
سسسرکرده‌وسساحارسطاهراسب حسدود
ساعت ۱۰:۲۰ سروع مسود. حسدلحطه-
ای ارسطاهراسب سکدسسه‌سودکه‌اوساسان
مردورساسک وحماق سه‌سطاهسراسب
حمله‌ورمسوسدوساوحودحسود داری
سطاهرکسدکان اردرکسری سالاحسره
درکسری سروع مسودوساسداران اسدا
حسدسلسک هوائی کرده، سپس حمعسب
سطاهرکسدکه‌رابه‌رکسارمی سسدسد.
عده‌رسادی محروح مسودوسعدادی
کسسه. فردای آسرورمردم‌درکاسون
فرهسکی وسیاسی حلق سرکمس در
اعسراص سه‌حمله‌رورکدسسه‌سه‌سحصس
می سسسد. ساسداران سرای صسفسرق
کردس آساس سه‌مسداس آمده‌وسعسدار
مقاومسب ارطرف مسحصس سه‌روی آسها
رکسارمسسدسد. ارطرف مردم‌سسسر
مسقابلا سراسداری مسودوسدسساس
اسعادحسک وسیع مسکردد. روزهسای
سکسسه‌ساحیارسسه‌اوح درکسری هسا
سود. مردم‌عمومادرسه‌سطه (کاسسون
فرهسکی - داسسراو ساع ملی(دسسر
سسکام)) سسکرمسسدسد. سمامحا-
سواده‌ها سهررارسرک مسکسد (عمدسا
محله‌های سرکمس سسس) وسه‌دهساسب
اطراف سساه مسسرسد. وساساریخ سکاسر
رس اس مقاله (یکسسه ۲۸ سهمس) هسوز
سدسهرسارسکسسه‌اسد. سهرهای اطراف
عمومادرمخالفت‌باادامه‌حسک وسه
سسیاسی ار "سادعملیاسی حسلق
سرکمس" مسکل ارکاسون فرهسکی و
سیاسی حلق سرکمس وسادامحادسه-
های سراسری سرکمس صحراوسروهای
اسقلابی دسب سه‌سحصن مسرسد. درسهر
کسبدارطرف "سادعملیاسی" هسسسب
سماسدگی ای سه‌سرسرسی آسسای
ارراسس که‌سک روحاسی مسرفی اسسب
سرای مذاکره‌وقطع حسک سکسل می-
سودولی حسک افروراس که‌ارمدسسا
سسس سوررا سرای حسس روری گسرم
کرده‌سودسدحاصرسه‌مذاکره‌سمی سوسدو
سعدادی ارسماسدگان حلق سرکمس
رادسکسرسموده‌همراه‌حودمسرسدکسه
آساس کماکان درردان هسسدوسه
سهراس مسعل سده‌اسد (ارآس حمله‌اسد
درحسده‌سوماح - واحدی - ساسار و
محموم) "رزمسدگان حلق سرکمس" سرای
حلوکسری ارسعودحسک سه‌سواحی دسکر
دسب سه‌عقب سسسی مسرسد. آسهسا
سسگرهارارها کرده‌واسداحاسه‌سه‌حاسه
سااریس وساسداراس مسحسکسد. درهحوم
ساسداراس‌وسروهای ارسی سه‌مسارل
سرای سعقیب اسقلابسون ۳ حاسواده
راارکوحک وسرزک سه‌رکسارمسسدسد و
حاسجاهمه‌آسهارا سه‌مجمع سرس وصعی
مسکسد.

قسمسب سرکمس سسس سهروقسمسب
اسسهای اس محله‌که‌سسهارادارسباط
سادهاسب اطراف سرای اسقلابسون سود
ساسداراس سرای حلوکسری ارمهاجرب
خاسواده‌ها، قصداسدام‌سل ارساسطی
اس سقطه‌رامسکسدکه‌قسل اراس
اقدام، کامیون حامل ۱۲ ساسدار سه
وسیله‌سروهای اسقلابی مسهدم‌مسود.

حسک ساکروکان کسری حدود ۱۰
سفرارطرف سروهای اسقلابی و ۲ سفر
ارطرف ساسداراس عملا حاسمه‌سسدا
مسکسدوساس لحظه‌اوماع سفرسسا
آرام‌اسب. درمساطق دسکرکه‌مردم
مسحصن سده‌اسدارفسل سدرسرکمس-
آی فلاسکمس سسدو... حالسب سسمه-
مسحصن راسحودکرفسه‌اسدودرحاهائی
مامسدسدرسرکمس عملا سحصحاسمه
سدا کرده‌اسب. اعلسب کاسون هسای
فرهسکی دراس مساطق ارطسرف
ارسحاح موردسورس سرارکرفسه‌وآسها
راسه‌سحسرحوددرآورده‌اسدوسعصی ار
آسها را ماسدکاسون کمسساس سآسس
کسسده‌اسد. سکسروسسدراس سهرها
ادامه‌داردواعلسب سروهای فسعال
سهرها را سرک کرده‌اسد. آمارکسسه-
سدکان اس حسک ساکسون ارطسرف
سروهای مهاحم‌سس ار ۵۰ سفرسوده
اسب (۳۰ سفرآساس ساسدارسوده‌اسد)
وسس ار ۱۰۰ رحمی سرحای مانده. ار
طرف سروهای اسقلابی‌سورآمسار
دقسسی دردسب‌سسب ولی سعداد
رحمی وکسسه‌سدکان سمراسب کمسر
اسب. اس حلاصه‌ای سودارو‌وقایع.

جراجنگ درگنبد آغاز شد

منطقه سرکمس صحرا ارجمله
مساطقی اسب که‌درآن مساله‌رمسس و
مساله‌ارضی سدسب سحم‌مسحورد. در
اس منطقه‌دهقاناس سی حسرسالسا-
سی اسب که‌رسرسم‌فئودالهای سررک
کمرحم‌کرده‌اند. سمام‌عماصرفسا سد
درسارسیلوی دراس منطقه‌هراراس
هکساررمسن راارددسروسائسساس
عصب کرده‌اند. فئودالهای سررگی که
ارسابه‌های محکم‌رژیم‌گدسسه‌سوده‌اند
دراس منطقه‌سه‌اسسماروحشیاسه
دهقاناس سرداحه‌اند. سعدارانقلاب
وسوسره‌سعدارجنگ کسددرسهارکدسسه
دهقاناس حوددسب سه‌مقادره‌رمسس-
های فئودالهاردسدوساسکسل سوسر
راهای دهقانی سصورت سورائی سه
کسب آساس همت کماسسد. رسدسورا-
های دهقانی سوسزه‌سعدارساسسر
کاملا حسم‌گیرسوده‌اسب. ارایحاد
سوراهای حدده، اسحادیه‌هائی سسا
کردسدوسدسساس اسحادیه‌سراسری
سوراهای سرکمس صحرارسوحودآور-
دسد. اس اسحادیه‌مرکرحل مسائل
دهقانی، کسسرس سوراها وسعصبه‌آسها
ارعناصرمردورفئودالهاوحرب سوده
سوده‌اسب. کسسرس امرمقادره‌رمسس-
ها وکسب آن سصورت سورائی دامسه‌اس
روررورکسرده‌کسدوصربه‌محکمی سه
فئودالهاواسادی آسها درحکومت رده
اسب. سوراهای اس منطقه‌کوسش سدی
سوده‌اسب که‌ساکسسه‌سدس سه‌سمامی
مساطق سفودکسددرحال کسسرس مسودو
حمایت دهقاناس رحمسکس سرکمس و
راسلی اراس سوراهای اسقلابی و
همحسس همکاری کسرددروسسفکران
اسقلابی اس مساطق اراس امرکسار
صربه‌رسی ارسحاح راسحت مهارکرده و
لرده‌ای سرادام‌فرسوب وکسدسسده
آسها وارد آورده‌اسب.

کساکس دهقاناس سا ملاکسس
سرک سه‌صورمحسلف هرروردرسطه‌ای
ادامه‌سدا مسکردولی دهقاناس سسس
اسکاء سه‌اسحادیه‌سراسری اسسس
مسکلات را ارمقاسلهای حوسس سرمسی-
داسسد. امرمسلم‌آسسب که‌درمقاسل
اس سوراها واس حسس عمیسق و
کسرددهقانی، فئودالها وسرمایه-
دارانی که‌دکناساس سه‌رمس وسیک
سای دیکرساس سه‌کارحانه‌سداسسد
آرام‌سوا سسدی گرفسب وهرلحظه
منتظرموقعیتی بوده‌اندسا سرایس
سوراها سارسدوآساس راسسب وسابود
سارسد. سک یورس راسها رکدسسه‌گردسد
ولی سحراسحاددهقاناس وکسترش سوم
راهای دهقانی سسجه‌دیکری سرای
آساس سبارسیاورد. اس یورش‌دوم‌سود
ومطمئناسب آحرس آسها، سابودی
کسدداراس حهسب موردنظرآسهاسسکه
مرکزسوراهای دهقانی وسایکاه‌ستا
اسحادیه‌های سراسری سوراهاسسسب
پس سرای سابودی س ایس حسبسر
دهقانی سایدارمعرآن سروع کسرد
سدس لحاظ یورس اراس سقطسه
آعارسدن گرفسب. اس حسک حنگی اسد
ارطرف فئودالها وسرعلسه دهقاناس
سی رمسن. قطع فوری حسک سسعسا
دهقاناس وسوراهای اسقلابی دهقا-
ناس است.

بقیه درصفحه ۱۴

www.iran-archive.com

جنگ گسترده.....

شرایط کنونی برای طرفین جنگ

جنگ درحال وهوائی شروع شد که ادامه‌اش به این شکل از دو طرف میسر نیست. این جنگ را نه دهقانان خواهان بوده‌اند و نه زمینه‌ی فعلی جنگ نیاز گسترده را دارند. از طرف دیگر هیئت حاکمه و فئودالهای این منطقه نیز در آنچنان شرایطی نیستند که بتوانند به این صورت جنگ را ادامه دهند. چرا چنین است؟ برای شروع‌های متعاقب چه شرایطی وجود دارد؟

گرچه جناحی از هیئت حاکمه دست در دست فئودالها و سرمایه‌داران وابسته خواهان دامن زدن به چنین جنگی هستند لاکن شرایط کنونی جامعه ما، مواضعی در برابر آنها قرار داده است:

نخست - مبارزه گسترده و توده‌ای که در سطح جامعه بر علیه امپریالیسم آمریکا با سنگر جاسوسخانه این لانه‌ی جاری است سطح آگاهی مردم را از نیازهای عمده‌ای که مقابل ما نیاز برای تداوم و ادامه انقلاب موجود بود بالا برده است و این خود مبارزاتی حاکم بر جامعه یک رادیکالیسم عمومی را در سطوح مختلف رشد داده و لذا حمله کنندگان به بر علیه دهقانان این منطقه متضاد چنین حوی است و جامعه با هزاران حیله و نیرنگ و تبلیغات مشمئزکننده‌ای که از طرف دولت صورت می‌گیرد بدین چنین گناهی را ندارد و مقابل آن عکس العملی به نفع آنان نیز به نفع دهقانان و نیروهای انقلابی خواهد داشت. بر بستر این موج ضد امپریالیستی گشاد و وسیع در منطقه امکان پذیر است.

دوم - شکست مفتضحانه‌ای است که این دار و دسته در یورش خود به کردستان خورده است. خلق قهرمان کردستان با جانفشانی های خود بر جمدار ضربات سایر حلقه‌ها گسسته و اعتماد و ایمان به نیروی خود حلقه‌ها را تقویت نموده است. ایمان از این یورش همچنان که انقلابیون و سایر حلقه‌ها در یورش آموزی های بسیاری کردند بر سر مشق گرفته و نگرانی آنها مفهوم از دست دادن موضع موج عظیم توده‌هائی میداند که بر آن چشم دوخته‌اند. تبلیغاتی از این قبیل که با سداران قهرمان سنگر به سنگر ضد انقلابیون را به عقب نشاندند و سپس در دست پاسداران قرار گرفت و ضد انقلابیون با به فرار گذاشتند" در واقع تکرار همان سناریوئی است که به یکبار بل ضد بار در کردستان نوشته و آخر الامر پس همه این تبلیغات درآمد و بابی نوائی افراد به شکست گردید و نیامهای "صلح" و "خودگردانی" دادند. لذا شکست آنان در کردستان و درس آموزی توده مردم ایران از عملکرد آنان یکی دیگر از زمینه‌هائیست که دست آنان را برای یک یورش گسترده در این منطقه بسته است.

سوم - موج مبارزه ضد فئودالی نود که حتی بین جامعه را فرا گرفت. گرچه این موج اعتراضی با نیروی نو که خواستهای اساسی انقلاب ما یعنی نابودی ملاکین بزرگ در جامعه که خود یکی از ارکانهای حفظ سیستم نوشته گذشته هستند، بود. این موج خواستهای مردم نوزده دهقانان ایران را از دولت برای قلع و قمع کردن فئودالها نشان میداد و مضاعف آن سطح آگاهی توده دهقانی را بر مبانی طو را بالا برد حال اگر این دولت به خیال حمله‌ای بر علیه دهقانان رحمکش دست زند موجب خبرش خبس های دهقانی در سراسر مناطق ایران خواهد شد.

چهارم - دوره حساس و ویژه‌ای است که اکنون آن بالائی ها (هیئت حاکمه) طی میکنند و رشد نیاز دهقانی است که آنان با خود دارند. این دوران قبل از یورش به کردستان نیست که با ارتش و سرکار جنگ برده باشند. رشد نیاز قرار از درون هیئت حاکمه بشکلی است که آن "وحدت عملی" که در زمان یورش به کردستان موجود بود، فعلا وجود ندارد و شکافها فراوانند.

پنجم - نیازی بود که استحاله ریاست جمهوری با خود آورد و نظری اولیه آروی بسیاری از ارکان که جزء نیروهای اصلی جنگ افروز کردستان بودند (و یکی از ایده‌های همین جنگ گسترده هستند) را برد. و نیز کمتر از نیم درصد، کاندیدهای روحانیون طراز اول و جمهوری اسلامی رای می‌آوردند این به مفهوم خبری بالا از دست دادن آنروست! در نتیجه نبود این نیروی طبقه در توده مردم ضد ضربه خورده است. زمانی که توده مردم بیشتر اعتمادی که به چنین داشت به آنان از دریچه نیروان امامی می‌نگریستند و آنان در زیر همین لوا مسئول کنافت کاری و راندن مردم بر علیه نیروهای انقلابی بودند اکنون آن اعتماد نیست. در همین جنگ گسترده در سپر سنگرهای فارس بسیار تبلیغات بسیاری بر علیه نیروهای انقلابی و خلق بر کمین از طرف همین ها صورت گرفت ولی کمتر گوش شنوائی پیدا کردند. شخصی مانند آیت الله طاهری نماینده مجلس خبرگان گرگان موضعی که در جبهه‌ها بعد از شروع جنگ راه می‌افتد و حاضر رشد و مردم را بر علیه "کافران" منحوانند فقط ۲۰۰ نفر تماشاچی دور جمع میشوند! در صورتی که فردای همان روز به دعوت مجاهدین خلق برای تحلیل شهدای گرگان چندین برابر این جمعیت گرد می‌آید!

اما نیاز بر شرایطی بر آن چون ادامه جنگ بر توده دهقانان و نیروهای طرف دیگر نیز وجود دارد و کماکان دارد. مهمترین آنها به این قرار است:

اولا روحیه دهقانی بستگی مستقیمی به رضایت دارد. این به چه مفهوم است؟ بدین مفهوم است که دهقانان بر خلاف طبقه کارگر که خبری از رنجبرهای دستان ندارد که از دست بدهند آنان زمین و محصول آنرا دارند که از دست بدهند. همین مالکیت بر زمین است که حرکت دهقانان را در مواردی که خطری آنرا از زمین را تهدید می‌کند بسیار محافظه‌کار و در مواضعی که آنرا تهدید میکند بسیار وسیع بسیار آور. این جنگ در فصلی شروع شد که زمین نیز رسیده و محصول رده شده است و دهقان منتظر محصول خویش در زمین است. آن دهقانی که دارد و ندارد خویش را فروخته و مقداری نیز ذخیره کرده است اکنون میخواهد بدانند که این نیروی که افسانه‌ی حمله میشود. لذا در حین موضعی دهقان به مقابل به عقب نشینی و مقابل به زمین به خلو را دارد. اگر این جنگ در موضع سر داشت محصول رخ میداد بدون یک اوضاع زمین با آسمان فرق میکرد همچنانکه در جنگ گذشته چنین بود. البته این نیز در دهقانان بی خبر و کم زمین دیده نمیشود، چنانچه در مرز نیز مرفه و مرفه دیده میشود. در نتیجه آنچنان کسی در اوضاع بورش وجود ندارد.

دوما نیاز بر همین سرانجامی که توده دهقان در سرخورده مناطق مشخص دارد (بیشترین نمونه آن روی آوری از سوی مبارزه با فئودالیسم بیشتر از مبارزه بر علیه امپریالیسم) در مسیری که از لحاظ سطح آگاهی با نیز سراسر این دید وجود دارد که این جنگ بر مبنای نظامی هرانی بود که صورت گرفت و در نتیجه خود را بر یک این جنگ نمیداند بلکه مصنعی میداند که بر آن وارد شده است این دیدگاه این روزهای آخر نیز در سرهای بالاتری که نسبتا آگاهی سیاسی دارند بر دیده میشود تجربه در درسر محدودی که خودگردانی ایجاد دهه‌های دهقانی هستند این دیدگاه وجود دارد. در نتیجه این یورش را سوء رش مستقیم بر علیه منافع نمی‌بیند. گرچه این یک دیدگاه انحرافی است و باید با آن مبارزه نمود ولی این چیزی است که عملا از خود نشان میدهد.

سوما تصوری است که نیروهای روشنفکر و آگاه این منطقه در رابطه با دادن آگاهی به توده دهقانان داشته‌اند. روشنگری و دادن آگاهی سیاسی عموما محدود است به محیط های شهری آنهم در قشر جوان و روشنفکر. حتی کنگره‌ای که با کنون از طرف اتحادیه‌ها برگذار گشته (با کنون ۱۰ کنگره) بیشتر به یک گردهمائی دوستانه و برگذاری با دیدو ماندی شبیه بوده است تا به یک کنگره که هدفش با نیز اهداف در ارمغان و گویا مدت مسائل دهقانی و جمع بندی از آن در کنگره‌های بعدی است. این نکته سوم بیشتر از حالت ما حکم اشتباه در شناسائی است که به تعالیم این حق داریم و اگر بدان توجه نمودیم نیز نیروهای دیگر خواهد شد.

سیاست وطرح مبارزین و انقلابیون درمقابل مسائل آینده

قاعدتا نکته‌ای که با گفته روس است باید آن شناخت و بر پایه‌ای را بنیه خود کرد که نقشه‌های آنان را نقش بر آب ساخت. اگر اهداف آنان از بین بردن نیروهای دهقانی است پس باید به هر طریق در حفظ آن و نیروی توده رحمکش روستائی در دفاع از دستاوردهایش سوبی نمود. اگر آنان میخواهند جبهه‌ای از ضد انقلاب تشکیل داده و بر این نیروها بتازند باید جبهه توده رحمکش که تبلور خود در نیروهای دهقانی است، محکم نمود. اگر میخواهند انقلابیون را در بین توده رحمکش روستائی طرد نمایند باید به هر طریقی این نیروی را تاکتیکی نمود. دورانی که اکنون مقابل ما است یک دوران بحث آگاهگرانه و افشای دسائس توطئه‌

بقیه در صفحه ۱۹

www.iran-archive.com

درباره "شورای" کارخانه سیمان فارس

درگذشته با دروغ آیت الله طالقانی حرفهائی مثل ما را دیگر آشنای مردم را برای تشکیل شوراها روشن ساخت. در هرگوی و برزن و کارخانه و روستائی، مردم رحمتکش در شوق طالقانی مبارز و تجسم آمده از دولت بازرگان و شورای انقلاب و همچنین اعضای دست چین شده مجلس "خبرگان" با صدای بلند اعلام داشتند: ما رحمتکشان انقلاب کردیم ما خود بر سرنوشت خود و میهنمان حاکم هستیم، هر کارخانه و روستا و شهر... بدست ما اداره شود و اینگونه از طریق شوراهای واقعی امکان پذیر است و بس. اما آقایان با رسیدن به قدرت رسیده در شورای انقلاب و دولت با رنگارنگ بازرگان گوشان بدهکار این حرفها نبود. چون بالاخره بقول شدنیها "در یک مملکت دو سلطان نگنجد"، در جائی که بخواهد حاکمیت ما کارگران و سایر رحمتکشان شهر و روستائی از طریق نظام شورائی برقرار باشد دیگر جائی برای دم و دستگاههای کاغذباری مشوه حسابی کثیفی نخواهد بود. زمانی هم که تحت فشار مردم انقلاب کرده، "آقایان قانون گذار" مجبور شدند اسمی از شورا در "قوانین" گذائی خود بیاورند چنان شوراهای مسخره و فرمایشی از کار درآمده اند که همه کارگران و رحمتکشان را خاره ائی حرر انحلال آنها نیست و عملا اکثر شوراهای کنونی را در مقابل خود میبینند.

یک نمونه از این شوراها، همین شورای کارخانه خودمان است. شورای فعلی و خاص یکی جریان اعمال نفوذ کارفرمایان و سنخ کارخانه و عواملشان تشکیل شده و هواداران حلقه و قلدری بکار برده اند تا این شوراها به آلت دست خودشان تبدیل شود و نمایندگان واقعی ما در آنها جای نگیرند و یا اگر انتخاب شوند عملا کاری از دستشان ساخته نباشد. شوراهای فعلی دقیقا این چنین شود و کارنامه حداقل شان بخوبی ایرانیان میدهد. اکثر کارگران به این کارنامه حداقل گری بدخوبی آشنا هستند و ما نیز با نمونه آنرا مشاورم.

- در مورد سود ویژه، با اول ماه مهر از رفسنجانی "سود ویژه" مهندس "سالور" را بجای "سود ویژه" واقعی خاردند.
- عوامل گذشته در کارخانه که اکثرا ساخته شده اند و هنوز در مقدرند بر سر کار خانه اند، علیرغم خواست کلیه کارگران برای اخراج آنها هیچ اقدامی از طرف شورا انجام نگرفت.
- خواسته های ما از قبیل تقلیل ساعات کار به ۴۰ ساعت در هفته، اضافه دستمزد منطبق با ۴۰ ساعت، تامین بهداشت محل کار، وسائل ایمنی و حفاظتی، کمبود مسکن عده ای از کارگران و.... از طرف شورا بطور کلی پیگیری نشد.
- با وجودیکه برای اکثر کارگران روشن است که عامل خرابی دستگاههای حساس و گرانقیمت (از جمله کوره) از درون خود مدیریت کارخانه است (بدنبوسیله مبلغ عظیمی از درآمد کارخانه را باسم خرید مجدد این دستگاه ها به جیب امپریالیستهای آلمانی وارد میکنند و بخاطر هزار غرض و مرض ضد انقلابی دیگری که دارند) "شورا" هیچ اقدام و پیگیری نکرد.
- مهندس سالور مکاروی "طاغوتی" به ریاست مجمع صنعتی سیمان فارس و خوزستان برگزیده میشود و کوچکترین اعتراضی از طرف "شورا" نمیشود و حتی زمانیکه مهندس مقتشان، ساواکی اخراج شده، مدیریت یکی از کارخانه های وابسته به "بنیاد مستضعفین" را دارا میشود، شورا سکوت روی مبارکش میآورد.

در تهیه نمونه دیگر که فقط مدگارگری بودن آن شورا به اثبات رسانده. "انبار" شورائی "که خرابکاران اطلس اعتراض ساختبری (مانند سیراری و شرکاء) باشد، حتی از دوستان با آگاه و صادق ما هم که در "شورا" جای گرفته اند کاری خرآنها که در بالا آمد ساخته نبود و عملا دیدیم.

اما شورای جدید شرایط اساسا فعلی متفاوتی نمیکند. هنوز مدتی از عمل این یکی نگذشته با کارنامه "درخشانی" چون فعلی از خود نمایش میدارد و ماهیت را عملا نشان دهد اما با انتخاب نیروهای و مضحک آن میتوان به حوبی به اقدامات بعدش پی برد. بقول معروف "سال که نکوست از بهار پیداست" این دفعه این آقایان در نسب ما کارگران را نیز حساب کرده بودند. آیت الله شهری، همانطور که همه میدانند، لیست ۱۷ نفر را اعلام کرده و میخواست (!!) فرموده به ما اجازه دادند تا ۱۲ نفر از ۱۷ نفر انتخاب کنیم. وقتی زمانی که کارگران در هر قسمت نمایندگان خود را با رای اکثریت قاطع کارگران آن قسمت (با مهر و امضاء بصورت کتبی) اعلام داشتند، آقایان از خود رضایت با کمال بی شرمی آنرا کنار گذاشته و به انتخاب فرمایشی خود ادامه دادند. در حرفشان رای گیری هم، سنگ تمام گذاشتند و به شیوه ساواک طوری برنامه کار را دادند تا معلوم شود کی به چه کسی بعنوان نماینده رای داده (بدین صورت که شماره ردیف لیست کارگران را بر روی تابلو کارت رای دهنده). بدینترتیب "شورای" رسانه حتی قبل محل شد و "شورای" دسته دیگری از مدیران و عواملشان در کارخانه بوجود آمد. چیزی که این وسط اصلا مطرح نبود و نخواهد بود (و نخواهد شد) منافع نمایندگان واقعی ما کارگران است.

همکار کارگر: با تدجسمها را با رکرد. با تدنا گسیکها و حیله گریهای کارفرمایان و عواملشان را ساخت رسی کرد. بکرور سعی میکنند با علم کردن مدهبی و عنر مدهبی در میان ما کارگران جدائی اندازند و امروز که به برخی از منافع حقه خودمان می رسیم و حاضر نیستیم در مقابل لقمه مال مدنیان ساکت بنشینیم و اعتراض نکنیم، دائما برای به سازش کشاندن ما دست به تشکیل شوراهای رنگارنگ و نمایی از بالا میزنند. آن یکی اسماء شدا شکال شد از دیگری دیگر با رنگ و لعاب دیگر تشکیل میدهند.

دوستان کارگر: امروز ما در کارخانه ما مانند سایر کارخانه جات، فعل کرفس "سود ویژه" قرار رسیده و کلیه کارگران عزم جزم کرده که نگذارند امسال راست راست، حقشان را پایمال کنند. بهمین علت بیرون دگر مدیران قبل از ادعای بدون جنگ ما کارگران با خودشان بر سر این مسئله دست به تشکیل "شورای" فرمایشی بدان طریق که گفتیم زده اند تا داخل خلوخلوت ما را بسته با سیدو با سازش با "نمایندگان" خودشان که بعنوان نماینده ما غالب کرده اند، ما را محکوم به اطاعت کنند. ما اگر بدنبال کسب حقوق حقه خود هستیم با نیستی بفکر داشتن تشکیلات واقعی کارگری با نمایندگان واقعی و بحث نظر کارگران سر باشیم و الا در غیر اینصورت ما هرگز موفق به گرفتن حق و مسلم خود از چنگ کارفرمایان ظالم نخواهیم.

گروهی از کارگران کارخانه سیمان فارس

از فرهنگیان مبارز...

نمایندگان به اهواز رفته تا راجع به پیگیری این موضوع وارد عمل شوند ولی نمایندگان آمدند و با دست خالی روز بعد از ریاست و با ارایان دعوت بعمل آمد و خوشبختانه با کمال استقبال آمدند ولی با رهم آقای ... بیا مدوکی از نمایندگان معلمان اجازه خواست که شورای هماهنگی تشکیل شود که اگر لازم شد با بلادی تماس بگیرند ولی بلادی حاضر به تماس نبود و نگرفتم در روز ۵۸/۱۱/۱۸ دعوتنامه ای از طرف جامعه معلمین شهرستان ایذه از دیگر ادارات بعمل آمد، که خوشبختانه این دعوت سر تا استقبال روبرو شد مادر این گردهمائی مسائل و نارسائیهائی که تعمدا بدست فرصت طلبان پاره دوران رسیده ایجاد میشود تفصیل صحبت کردیم. انگاه ما و قاضی واقعه ما همیشه مردم اند. و ما همانها برای حل معضلات خویش تنها و تنها به آنها نیروانگاه داریم. هر چند که آقای بلادی ها، کتابها را این نیرو وجود داشته باشند. حقیقت چون خورشید تابان است."

www.iran-archive.com

شرح مبارزه کارگران بندرخرمشهر (شرکت بارنویسی)

از زبان یکی از کارگران

مقدمه :

اخیراگزارش مفصلی ازتاریخ‌چه مبارزاتی ، وضع زندگی ومبارزات کنونی کارگران بندرخرمشهروهم‌چنین فاش ساختن ماهیت سرمایه‌داران الوقت بندربدست ما رسیده که عموما توسط خودکارگران برشته تحریردرآمده است . مادراین شماره فقط بخش کوچکی ازاین گزارش راکه مربوط به مبارزه جدماهه کارگران " شرکت بارنویسی " ازشهریور ۵۸ به بعدمی‌باشد ، درج میکنیم وسعی خواهیم‌کرد درآینده بخش های دیگراین گزارش را ، بخصوص تاریخچه مبارزاتی این کارگران قهرمان راکه حاوی نکات پرارزشی است برای کارگران وهم برای روشنفکران انقلابی است ،در نشریه درج کنیم !

****

برای اینکه بتوانیم این مساله را بصورت روشن توضیح دهیم کمی به عقب برمیگردیم .روزجمعه ۵۸/۶/۱ انتخابات شورای کارگران شرکت بارنویسی کشیرانی وبنادرخرمشهر محل سندیکای عمل ازانقلاب تشکیل شد ،که پس ازبحث وبررسی لاحره ۷ نفرازکاندیداهای کارگران توسط اکثریت اعضای حاضر در جلسه انتخاب شدند ،که این هیئت نمایندگی بلافاصله اولین اقدام خود مبنی بررسیدگی به مسائل حقوقی کارگران ، رسیدگی به اوضاع واقعی شرکت وتلاش درتصفیه عناصرمرتجع و سرمایه‌داران وابسته وایادی رژیم سابق آغازکردند .وبدین منظور روز شنبه ۵۸/۶/۲ هیئت نمایندگی شورای کارگری جهت افشای دزدیها وعناصر پدرسرمایه‌داران به "دادستان انقلاب اسلامی آبادان وخرمشهر" رجعه میکنند . (دادستان وقت ی زرگربود) وپس ازیکساعت مذاکره وگفتگوباآقای زرگروافشای دزدیهای سهامداران وکشتی داران و سرمایه‌داران ، متذکرمیشودکه ب اجرائی‌نداشتندودادستانی باید این موردکمک کند .آقای زرگر هم با صله یکنفررا بنام آقای موحد که ادستانی حضورداشت باآنها می‌فرستدوبایشان میگویدکه :شما از طرف‌ش نماینده هستیدواین رابایک لحن تمسخرآمیزی ادا میکند .حدود ساعت ۱/۳۰ دقیقه بودکه نمایندگان شورا باتفاق آقای موحدبه خرمشهر و به محل کارکارگران میروندوپس از ملاحظاتی چند ازمحل کار کارگران ، آقای موحدخیلی "اظهارتاسف" میکند. همین آقافردای همان روزباردست داشتن یک ضبط صوت به محل کارمدیر عامل باتفاق نمایندگان شورارفته وجلسه‌ای ترتیب میدهند .دراین جلسه نمایندگان شورا ثابت میکنند که چقدرحق کارگران راخورده‌اندوبه آقای موحدهم اینرا ثابت میکنند که آقای موحدچون آگاهی درموردشرکت و وضعیت کاری ندارد خیلی درمورد جریانات میشودولی بهرصورت میگوید که حق باکارگران است ،که جای شکرش باقیست !)

فردای آنروز (۵۸/۶/۳) همین آقای موحددرغیاب کارگران و نمایندگان شورا به شرکت مراجعه وبه بررسی دفاترمشغول میشوند .ودراین موقع که کارگران باین آقای باصطلاح نماینده دادستان درتماس بودندمتوجه میشودکه ایشان کاره‌ای نیستندومعرفی ایشان ازطرف آقای زرگرفقط برای سردواندن کارگران است وبس .

پس ازاین جریان کارگران تمام مراجع قانونی اعم ازفرمانداری ،اداره‌کار ،سپاه پاسداران ، دادستان انقلاب آبادان وخرمشهرو... را پشت سرمیگذارند .ولی هیچ نتیجه اثری مشاهده نگردیدواصلا مساله‌ای برایشان نبود .

درطول این مدتی که کارگران به تمام مراجع قانونی مراجعه می‌کردندوباشواهدومدارک ودلایل کافی مدلل میساختندکه حکومه دزدی هائی ازطرف سرمایه‌داران سهامداران میشودکه چگونه این عناصرپست وابسته به امپریالیسم ورژیم سابق درکارها اخلال کرده وحقوق همه کارگران وسایر کارکنان وزحمتکشان رابا انواع دسایس نادیده میگیرند ،آری درهمین زمان این عناصرپست زیرکانه وبا نوشتن نامه‌ها وتلگراف ها به نخست وزیروقت یعنی آقای بازرگان تا مین وتضمین میخواستند ،وسی‌خواستندکه نادیده گرفتن حقوق کارگران ازهمین چیزی هم که هست رسمی تروقانونی ترشود! به سندزیر توجه کنید :

سندشماره ۱

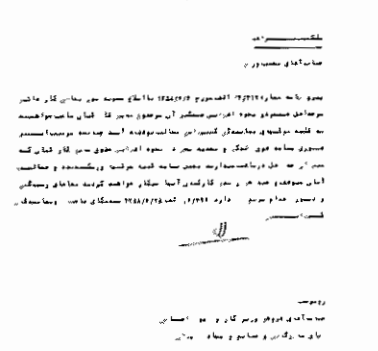

به تاریخ سندنیزتوجه کنیدکه این نامه وتلگراف درهمان روزهائی که کارگران به مقامات مسئول مراجعه می‌کرده‌اندنوشته شده است .وهمچنین مراجعه کنیدبه سندشماره ۲ که درتاریخ ۵۸/۷/۷ توسط آقای زرگردادستان وقت خطاب به "سندیکای محترم صاحبان ونمایندگان کشتیرانی خرمشهر" و "جهت اطلاع آقای محمد کاروان" فرستاده است .

سندشماره ۲

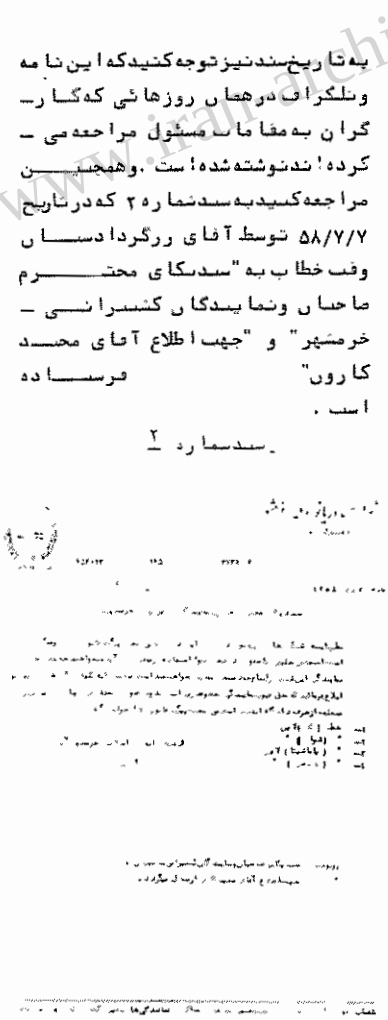

توجه کنیدکه این نامه درسمس اریکماه وچندروزی که کارگران به آقای زرگروسایرمقامات مسئول مراجعه‌کرده‌اندوماهیت این عنصر پست وشیوه دردسها وچپاولگریهای آنرابرایشان روشن ساخته‌اند ، فرستاده شده وایشان هیچ اقدامی جز نامه‌پراکنی های بی ارزش که اصلا موردا جرائی نداشته‌اند داده‌اندواین هیچ معنی‌دیگری نمیدهدوهیچ‌توجیهی نیزنمیتواندداین موردشک ایجاد کندکه مقامات مسئول محلی واستانی وکشوری درصددقطع نفوذاقتصادی امپریالیسم وجریانس درداخل مملکت نیستند .

ازنظرآقای زرگروسایرمقامات مسئول حرف وندای کارگراررس‌ندارد وهرحرکتی ازطرف کارگران برای احقاق حق وقطع نفوذامپریالیسم وافشای چهره‌خواران شان بایدسرکوب شودو"صدانقلاب" به‌حساب آید درحالیکه‌صاحبان این خطوط کشتیرانی "محترم" هستندوکاری به‌کارشان ندارند .

بهرصورت پس ازاینکه‌کارگران ازهمه‌جاناامیدوجواب سربالامیشوند و۲ ماه‌نیزحقوق دریافت نمیکنند ، آخرین تلاش خودرانیزبکارمیبرندتا ازطریق مذاکره وقانون پیش روند و بدینجهت درتاریخ ۵۸/۸/۱ ازکلیه سهامداران ومدیرعامل شرکت ومقامات دولتی دعوت میکنندتادرجلسه‌ای به‌خواسته‌هایشان رسیدگی کنند . ازسهامداران فقط ۸ نفرمیآیند و فرماندارورئیس اداره‌کارومعاون فرماندارنیزدرجلسه‌شرکت میکنند که آقای فرماندارپس ازده‌دقیقه‌جلسه راترک میکندوبه معاون خودتحویل میدهد .پس از۴ ساعت مذاکره نمایندگان کارگران برای چندین بار ثابت میکنندکه‌کلیه‌خواسته‌هایشان بحق میباشدوکلیه‌افرادموجوددر جلسه اعم ازنمایندگان کارگران و سهامداران ومقامات دولتی خواسته‌ها را تصویب میکنندومقررمیگرددکه‌ظرف ۱۰ روزبه‌خواسته‌های کارگران عمل کنند .ده‌روزگذشت وخبری نشدوهمین جا بایدبه‌سایربرادران کارگرگفته شودکه‌چطوروقتی برای کارگرمقرر

بقیه درصفحه ۱۷

www.iran-archive.com

سرح مبارزه کارگران .....
میشود که مثلا باید ۸ ساعت کار کنند، کار میکنند و اگر بیکار و رغبت کردویا مثلا یکساعت کار بیکار مورد بازخواست و کسری حقوق و حتی اخراج قرار می‌گیرد ولی زمانی که برای سرمایه‌داران و مقامات دولتی حتی با تائید و امضای خودشان مقرر میشود که به خواست کارگران ترتیب اثر داده شود از زیرش در میروند و شانه خالی می‌کنند! پس ببینید اینها بفکر کارگران نیستند و نخواهند بود و تنها راهی که در مقابل کارگران قرار دارد اقدام قاطع و مستقل و بدون چشمداشت از این سرمایه‌داران و باصطلاح مقامات دولتی است و این واقعا تنها راه هست چون کارگران کلیه راههای قانونی را طی کردند ولی نتیجه منفی بوده است. و تازه بعد از این جریان کارگران دوباره به اداره کار میروند. و رئیس اداره با خنده و تمسخر به کارگران میگوید که دو نفر از نمایندگان مداران که زیر خواسته‌های شما را امضاء کرده بودند از کشور خارج و به دبی رفته‌اند (این دو نفر سروس رحیمی و نویدی بودند) و اینان یعنی آقای سازگار رئیس اداره کار میگوید که از دست او کاری ساخته نیست. داستان تازه جالبتر میشود و معلوم میگردید که این سرمایه‌داران مفتخور آریامهری حتی جزو لیست ممنوع الخروجهای دولت نبوده‌اند و تازه معلوم میگردد که این زالوصفتان نوی کشور راست راست میگردند، میچابند و میخورند و همینکه کمترین احساس خطری کردند با خیال راحت کشور را ترک میکنند و با پول هائی هم که از شیره جان کارگران انباشته‌اند در کشورهای اروپائی به عیش و نوش مشغول میگردند و به ریش همه هم میخندند...

کارگران باز هم حسن نیت بخرج میدهند و به سراغ آقای دکتر محمدی فرماندار خرمشهر میروند و جریان را بازگو میکنند و ایشان هم با کمال وقاحت با لحن تمسخرآمیزی میگوید که کاری از عهده‌اش ساخته نیست و کارگران را به "شکیبائی" و "صبر انقلابی" دعوت میکند! کارگران میگویند "آقای محمدی شما فرماندار هستید و زیر این مصوبات را امضاء کرده‌اید و شما موظف به انجام آن هستید" ولی ضد کارگر، ضد کارگر است در هر لباسی و مقامی قرار بگیرد. در همان موقع یکی از کارگران که دو ماه و نیم حقوق نگرفته بود بیرا هنس را بالا برده و میگوید "آقای فرماندار من هیچ سرم نمیشود با شکمم را سیر کن و یا از گلوله پرکن. من اعتصاب راه می‌اندازم و از هیچکس سمی نرسم. نمایندگان ما کارهای خودشان را کرده‌اند و حالا نوبت ماست".

آری برادر کارگر، حق با تو است. نوبت سرمایه‌داران و مقامهای بی مسئولیت و حامیانشان بسر رسیده و حالا نوبت تست که نشان دهی همان گونه که با روان کارگر چرخها را می‌چرخاندو کشتی ها را روی اقیانوسها بحرکت درمیآورد میتواند چرخها را متوقف و کشتی ها را از حرکت باز دارد. اگر اراده کند و اگر متشکل شود یکپارچه به وجود ناپاک همه سرمایه داران و حیره‌خواران امپریالیسم در یک لحظه خاتمه میدهد و آنها و اربابان امپریالیستشان را تا فرق سر در آبهای خلیج مدفون میسازد. آخر چقدر رحمت نیست؟ مگر شما نمی‌که در راس مملکت قرار گرفته‌اید ادعای مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری و غیره میکنید؟ مگر کارگران با رنوبس بجز قطع نفوذ این شاطین حیره‌خوار امپریالیست و حیف و میل ثروت مملکت و جلوگیری از دزدیهایشان چیز دیگری است؟ بنظر خود ما آری چیز دیگری است و اختلاف ما هوی دارد. چرا چون شما حکومتتان فقط حرافی میکنید و زشت مبارزه را میگیرید ولی کارگران در عمل ریشه‌های امپریالیست را می‌خشکانند. و به شما نیز هشدار میدهند که در این مسیر هر سدی را خواهند شکست و اگر شما سد راه شدید شما سرتا قعر آب‌های خلیج خواهید رفت.

آری کارگران پس از اینکه حتی بعد از این ماجرا بسراغ دادستانی میروند و جواب مثبتی میشنوند دیگر تصمیم میگیرند که خود را سا کارها را به انجام رسانند و بدین ترتیب روز ۵۸/۹/۱۳ طرح گروگان گیری از طرف کارگران ریخته میشود و در روز شنبه ۵۸/۹/۱۵ به اجرا درمیآید و تا ساعت نفر از سرمایه‌داران را در محل شرکت با رنوبس بنادر خرمشهر محبوس می‌کنند. مقامات دولتی به محض اطلاع یافتن از این جریان دست پاچه می‌شوند و فوراً معاون دادستانی را به نمایندگی میفرستند و بعلت عدم حضور نمایندگان شورا نماینده دادستان که در طول این مدت مبارزه که بیش از دو ماه و نیم بدرازا کشیده بود، کارگران را با وعده اینکه به خواسته‌های کارگران فوراً عمل خواهد شد گول میزند و گروگان ها را بوسط جدپاس دار تحویل گرفته و از آنجا میبرند. آنروز کلیه کارگران را جمع کرده و به محل دفتر معاون دادستانی سعی آقای فروزنده رفته و از او میخواهد که گروگان‌ها را تحویل کارگران دهد. اینان پس از پرحرفی های فراوان وقتی میبینند که کارگران زیر بار نمی‌روند، گروگان‌ها را تحویل می‌دهند. در همان زمان ۱۵ نفر از سهامداران شرکت در دفتر آقای معاون دادستانی نشسته بودند و گویا جلسه‌ای برقرار بود. کارگران پس از مشاهده این جریان اسرداد آنان را خواستار میشوند که اول با معاون معاون روبرو میشود ولی حد لحظه بعد معاون ناچار میشود آنها را نیز تحویل دهد. کارگران گروگان ها را بوسیله ماشین به محل بازداشت گروگانها میآورند. جالب اینجاست که کارگران با یک تاکتیک جالب به یک یک سهامداران و سرمایه داران تلفن میزنند و از آنها برای شرکت در جلسه دعوت میکنند که با این تاکتیک موفق میشوند تعدادی از آنها را با پای خود به محل آورده و به گروگان ها اضافه مینمایند، که مجموعا ۴۵ نفر میشوند. ساعت ۱/۳۰ دقیقه از نیمه شب گذشته بوده که کلیه مقامات دولتی که در طول این دو ماه و نیم که کارگران به آنها مراجعه میکردند جواب سربالا می‌دادند به محل گروگان ها می‌آیند. و باز هم در صدد میشوند که سر کارگران را چون دفعه اول کلاه بگذارند. اما کارگران اینبار گول نمیخورند و آنها دست از پا درازتر محل را ترک میکنند و گروگانها به مدت چهارساعت روز تحت بازداشت کارگران بودند. و کارگران خواسته‌های خود را طی قطعنامه‌ای به مقام مسئول ابلاغ کردند:

۱ - کلیه سهامداران و کارفرما که در گذشته و حال از نیروی انسانی کارگران بهره‌برداری نموده‌اند باید در چهارچوب انقلاب اسلامی بحساب رسیدگی و مجازات قرار گیرند. زیرا منافع بدست آمده بنواب گذشته و حال حق شرعی و قانونی کارگران بوده و می‌باشد.

۲ - کلیه خواسته‌های قانونی کارگران طی صورتجلسه ۵۸/۴/۱ که بین نمایندگان محترم اداره فرمانداری و اداره محترم کار و امور اجتماعی سهامداران و شورای کارگری منعقد گردیده است بمرحله اجرا درآید.

۳ - طی نامه شماره ۱۰۹۵۶ - مورخه ۵۸/۹/۱ فرمانداری که بمقام عالی استانداری ارسال گردیده است نمایندگان دولت مبنی بر رئیس دولت قرارداد شرکت با رنوبس و بررسی حال و گذشته شرکت مورد تائید ماست.

۴ - .....

یکی جالب توجهی که باید در اینجا ذکر کرد همبستگی سایر کارگران نقاط مختلف بندر و سروهای مبارز و مردم با کارگران با رنوبس بود که اهمیت بسیار زیادی دارد. چون در این موقعیت بحرانی و مبارزاتی علیه امپریالیسم همبستگی با مبارزه‌ای که سعی دارند دست جیره‌خواران امپریالیسم را کوتاه کرده و ایرانی آزاد و مستقل بسازند و طیفه همه و هر نیروی آزادیخواه و استقلال طلبی است. در زیر نقل قول هائی از اعلام همبستگی های مختلف میآوریم:

۱ - سوزای کارگری خطوط کشتیرانی شرکت دریانوردی خرمشهر در اطلاعیه‌ای که در تاریخ ۵۸/۹/۲۱ انتشار داده متذکر میشود که "انقلاب ایران بمنظور رسیدن به حاکمیت مستضعفین و قطع نفوذ سرمایه‌داران وابسته از اقدام گروگان گیری سرمایه‌داران توسط کارگران شرکت با رنوبس بنادر حمایت کرده تا آخرین نفس جهت احقاق حقشان از اینان پشتیبانی میکنیم."

۲ - سندیکای کارگران ایران ترمینال نیز در اعلامیه‌ای که در همبستگی با کارگران با رنوبس انتشار داده اینطور می‌نویسد "ما ضمن محکوم نمودن سیاست های ضدکارگری شرکت ایران ترمینال و ضمن اعلام خواسته‌های خود عمل شما را که گروگان گیری تعدادی از سرمایه‌داران جیره‌خواران است تائید و تمام قدرت از آنان پشتیبانی کرده و تا آخرین لحظه در کنار شما خواهیم بود"

۳ - کارکنان شرکت ساسکو نیز انتشار اعلامیه‌ای در تاریخ ۵۸/۹/۱۹ همبستگی خود را با کارگران با رنوبس اعلام کردند.

۴ - کارکنان اجرائی شرکت ایران ترمینال با انتشار اعلامیه‌ای همبستگی خود را اعلام کرده و می‌نویسد "ما کارکنان اجرائی شرکت ایران ترمینال که در حیفا بخاطر سیاست های سرمایه‌داران نفیب و بورژوازی از کار برکنار شده‌ایم. با تمام وجود از شما همکاران دلیر در

بقیه در صفحه ۱۸

www.iran-archive.com

حقیقت

شرح مبارزه کارگران .....

شرکت بازرسی که مسبب خیره‌خواری امپریالیسم را در کروکان خود دارد بشیبانی کرده و با آخرین قطره خون سمان همراهان خواهم بود."

۵ - گروهی از دانش آموزان دبیرستان بازرگانی الفتح نیز با صدور اعلامیه‌ای همبستگی خود را با اقدام کارگران اعلام داشتند، و می نویسند: "حرکت قهرمانانه سما در گروکان بزرگترین سرمایه‌داران وابسته که از رنج و رحمت سما کاخها ساخته‌اند ما را بر آن داشت تا با دیگر میهنپرستان کشتی خود را با طبقه کارگر که پایه گذار اساس جنبش ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری بود اعلام کرده و همچون همسنگرانی وفادار به آرمان پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی و هم‌سنگرانی به میان سما بیائیم و پیمان خود را در راه مبارزه بر علیه سرمایه‌داری با سما تجدید کرده و با سما در یک سنگر مبارزه را تا به آخر ادامه دهیم ما همچون قربانی در سنگر کارگر پیروز راست سرمایه‌دار نابود است". و همچنین از طرف "جمعیت زنان مبارز" و "سازمان نوید انقلابی دانشجویان و دانش آموزان (ساد)" اطلاعیه‌هائی در همبستگی با کارگران بازرسی انتشار یافت.

بالاخره پس از چهار روز که کروکانها در برابر داشت کارگران بیشتر دیدمقامات دولتی تسلیم خواسته‌های کارگران شده و با صاحب انبار که خواسته‌های کوتاه مدت کارگران را بلافاصله اجرا نمایند و خواسته‌های دراز مدت را تا یک ماه آینده اجرا نمایند گروکان‌ها را تحویل گرفتند. به سند شماره ۵ توجه کنید:

بسمه تعالی

صورتجلسه:

طبق نشست شورای اسلامی کارگران و دادستان انقلاب اسلامی جزیره فرمانده عملیات سپاه پاسداران انقلاب، سپهبدان، سرپرستان و رجی از نمایندگان کشتیرانی که در این دو قطعنامه تصمیم گیری و دو گفته مورد قبول قرار گرفت، چگونگی انجام تعهدات سپهبدان در قبال قطعنامه‌های مادره به شرح زیر در مواقع سپهبدان و شورای کارگران و با تضمین شورای شهر، سپاه پاسداران انقلاب، دادستانی انقلاب و رئیس اداره کار و اطلاع بازرگانی قرار گرفت. (توضیح اینکه تمامی پرداختهای زیر از طرف سپهبدان و نمایندگی شرکتهای کشتیرانی وصول شود

الف - ۱ - پرداخت حقوق عقب افتاده.

۲ - پرداخت مابه التفاوت ۵ ماه عقب افتاده از ضرورت دی ۵۸ به بعد.

۳ - دادن لباس دو دست که سالیانه حدود مجموعاً ۲۵۰۰۰۰/- ریال برآورد شده است با پرداخت این مبلغ گروکانها در برابر کارگران بری خواهند شد.

پس از انجام تعهدات فوق گروکانها تحویل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شدند و با رسیدگی به شکایات زیر در اختیار پاسداران پاسدار قرار گرفتند که با توجه به موارد زیر بررسی شود:

۱ - مسطح کردن حقوق کارگران این شرکت با سایر شرکت‌های مشابه و پرداخت مابه التفاوت آن طبق صورتجلسه مورخه ۵۷/۷/۲۲.

۲ - طبق سند قطعنامه مصوب یک کلیه سپهبدان و کارفرمایان که در سه وجال از سوی اینجانب کارگران تهیه و توزیع نموده‌اند در چهارچوب انقلاب اسلامی تحت رسیدگی و تعقیب قرار گیرند.

۳ - پرسنل دولت در شرکت.

۴ - محاسبه حقوق کارگران سه ماهه ۶۴ اجمالاً ۲۷۰ ریال، رقم دقیق با حساب - تعقیب اطلاع قرارداد تنظیم شده بین سندیکا و کارفرمایان در مورخه ۵۱/۵/۲۴.

۵ - پرداخت کلیه مواجب کارگرانی که فعلاً در شرکتهای کشتیرانی بوده‌اند.

۶ - پرداخت ۱۰ حق نوبت کاری کارگرانی که به آنها پرداخت نشده.

۷ - پرداخت سه سال حقوق و مزایای کارگران از طرف سپهبدان جهت اعتبار برای آینده کارگران به حساب شرکت.

۸ - ۵٪ حق سمه که به کسبی رایی ها جدا شده بود پرداخت شود. ضمناً امور جاری شرکت با رسیدن به نتیجه قطعی توسط نمایندگان سپهبدان، دولت و شورای اسلامی کارگران اداره شود

جان اضافه

سئول یکی از سرداران کارگر "این پاره آغاز کار است و ما مبارزات خود را تا خلع ید کامل از امپریالیسم و خیره‌خواران ادامه می‌دهیم و مقامات دولتی نباید فکر کنند که ما را کلاه گذاشته‌اند. این مرحله اول مبارزه ما است که دست آوردش تحقق خواسته‌های کوتاه مدت، بالارفتن آگاهی کارگران از مبارزه و قدرت لایزال خویش، افشاء شدن ماهیت ضد کارگری مقامات دولتی و همراهی و همگامی آنها با سرمایه‌داران و سپهبدان و آخر اینکه سپهبدان و کارگران فادر هستند تا آخر مبارزه را با امپریالیسم و ارتجاع به پیش ببرند و آبادی رستاخیز در کروکان و تا دوشکه کارگران ایران و در یک سنگر متحد و مستقل کارگر است."

در این مبارزه قهرمانانه تمام تاسف این شرکت بازرسی کشتیرانی نادر خرمشهر تا حاضر" به شرکت بازرسی کارگران خرمشهر تغییر یافت.

مبارزات دبیلمه‌های ...

مدهدار هم بگسلد و اتحاد دراگندگی و تعدد سرکوب و خفقان موجود میآورد.

اگر تبدیل یکی با ترس و ملاطف و با خوشروئی و وعده و وعید دار این رشته محکم بیرون میآورد و جدا جدا سلاح هم میرود. ولی هدف در هر صورت ایجاد پراکندگی و خنده‌دستگی و اینکه "معلم چکار دارد به دیپلمه" و "دانش آموز را چه به معلم" و "تیمت و ترجمه و کمونیست با مبدن همه، مجموعه لیبرالها را بوحشت میاندازد، که ای داد و بیداد ضد انقلاب فکر کنند ما میخواهیم انقلاب کنیم.

عده‌ای میگویند در شرایط کنونی مبارزه با امپریالیسم است و باید بر روی این خط حرکت کرد، ما میگوئیم آنچه تو میگوئی در شرایط کنونی اهمیت دارد و نقش مهمی در پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی حاضر ایفا میکند ضرورت پیوند دادن مبارزه علیه امپریالیسم مبارزه علیه ارتجاع داخلی و گسترش همه سازشکاران و مماشات جویان میباشد و مبارزه علیه امپریالیسم بخشی از مبارزه برای دمکراسی است.

عده‌ای دیگر میگویند که عوامل بحران در میان دیپلمه‌های بیکار بوجود آورده‌اند و باید مسئله را مطلقاً با ارسال بدن آنها سر جریان جلوگیری کرد. ما میگوئیم اگر از لحاظ عینی شرایط آماده باشد حتی اگر مسئله فیصله داده شود آتش بیاران معرکه فرا خواهند بود و در آتش افروزی ماهر، و مرتجعینی که به دنبال نفوذ در جمع بوده‌اند هم خود شان و هم سیاستشان شناخته و پولی را که در حقیقت بعنوان رشوه و با نام کمک میخواستند به دیپلمه‌ها بدهند آگاهانه به صورت آنها گوبیده شد. مسئله نباید متوقف کردن مبارزه مردم باشد بلکه اوج دادن مبارزه و در این مبارزه بکار بردن شیوه‌هائی برای افشاء ضد انقلابیون و افشاء شیوه عوذشان، بهترین نوع مبارزه علیه آنهاست.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران و حامیان داخلیش

مرگ بر سازشکاری - ننگ بر سازشکاران

پیروز باد مبارزات همه زحمتکشان ایران

هواداران "اتحاد به کمونیستهای ایران

مسجد سلیمان - ۵۸/۱۰/۲۶

www.iran-archive.com

جنگ کنید.....

چنان است اگر در این مهم کوچکترین لحظه صورت گیرد جبران این فرد بسیار دیرخواهد بود پس شوراهای دهقانی را محکم بگیریم و از آن دژی مستحکم بر علیه عاصیین رمیرو ملاکین و سوطئه‌چینان بسازیم. ما می‌دانیم مساله رمین در این جا یک مساله ریشه‌ای است و برودی این کشاکش حل نخواهد شد. هنوز منطقه آبستن حوادث آینده است. این کشاکش در روزهای آینده و در همین فردا سیر ادامه پیدا خواهد کرد ولی بدون یک نقطه‌گذاری ما می‌این گروه‌ها در فصل فردا سعی در بپا آورده خواهد بود لذا ما مبارزه را باید برای مقابله با دسیسه چینان و عوئدالها و اربابان بسیج نمود. این مهم بجز کار آگاهانه و بسیج متحد کردن توده رحمکش روستائی کار دیگری نخواهد بود.

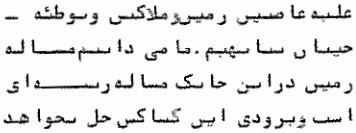

سران خیانت پیشه حزب توده این بار بر موضعی خصمانه بر علیه نیروهای انقلابی و رحمکش بر کرسی صحرا گرفتند و عملا خود یک پای این جنگ بودند. آنان که در این منطقه دست در دست عوئدالها و سوطئه‌چینان چه در جنگ قبلی کنند و چه در جنگ کنونی به میدان آمدند بجز این موضعی نتوانستند گرفت زیرا اربابان در این منطقه خود از ملاکین بزرگ هستند. نمونه این حضرات که خود از خواص بزرگ این منطقه است. آنان با سوطئه‌چینی و دست در دست عوئدالها رمینهای زیر سد و تمگبر را از جنگ دهقانان درآورده و عملا دهقانان را بر علیه شوراهای واقعی و انقلابی این منطقه شوراندند. در این جنگ بر با آمدن جلحالی این کاندیدا حزب توده برای مجلس خبرگان ارشادی در بوستان نمی‌گنجیدند. آنان که خود عضو این شوراکشان و چمای بدستان بی بوده‌اند که به صف حمله کردند، بی‌شرمانه در روزی با همه‌شان بر علیه انقلابیون ناحیه‌اند.

در اعلامیه حزب توده، سازمان سرکش صحرا، آورده‌اند که "نیروهای افراطی و چپ نما (بخوان نیروهای مترقی و انقلابی) با تشدید موضع‌گیری در شرایط منطقه و کوردستان مداوم‌ها به دست ضد انقلاب داده‌اند و جنگ را دامن زدند." این مزدوران روسی همصدا با سایر نیروهای ارتجاعی معتقدند که جنگ را بوده بر کرسی دامن زده عوئدالها، به پاسداران، به سرمایه‌داران زالو صفت و به سوطئه‌چینان این منطقه. اگر آنان برایش بیاورند (که هستند) جنگ را شوراهای دهقانی و نیروهای انقلابی دامن زده‌اند پس باید در سرکوب این نیروها و همدستی با ارتجاع بکوشند و حتی پیش گرفتند. آنان در ادامه همین مقاله آورده‌اند که "ما از شورای انقلاب و تمام مقامات مسئول مملکتی و طرفین دیگر در جنگ کنند میخواهیم فوراً آتش بس اعلام کنند و به برادرکشی خاتمه دهند تا دسیسه‌های ضد انقلاب حتی بودن مسبب اصلی این درگیری شناخته و مجازات شوند" باید دید این حضرات کتب که تماما "مسبب اصلی" این جنگ را شناخته‌اند و احساسی به این درخواست نیست مگر به اینکه همین نیروهای "چپ نما" و "چپ رو" بوده‌اند که جنگ را شروع کرده‌اند پس بدنبال چه کسانی هستند که شناخته شده‌اند فقط شما یک کار آنهم "مجازات" این مسبب. "مردم" در شماره ۱۶۳ در مقاله‌ای تحت عنوان "جنگ برادرکشی در سرکش صحرا به سود امپریالیسم آمریکاست" می‌گوید: "...نیروهای چپ روحیه نمایند بجای درک ضرورت حفظ وحدت ضد امپریالیستی مردم، به آتش نفاق دامن زدند..." پس از نظر حزب خائن توده هم مسببین روشن اند و آنان افرادی از جنگ. بر همین اریابی خود یکتای این جنگ شدند و دوستان دیگر نیروهای ارتجاعی بر علیه مردم جنگیدند. و ما می‌گوید که توده رحمکش این منطقه در کنار جنگ و تحصن می‌بود آنان در فکر معرفی کاندیدای برای مجلس بودند، چه بسیک مدانستند که هیچ کس در آن شرایط معرفی کاندیدی نخواهد پرداخت و نیز موضعی موضعی برای موضعی آنان میبود. اینان در این جنگ با رهمان موضعی را گرفتند که ارباب آنان بدانها دیکته کرده بودند و همان موضعی که علیه نیروهای انقلابی کردستان و در ابتدا حمله به کردستان گرفتند، همان موضعی که در ابتدا نیروی که حق رحمکشان حامد کارگران و دهقانان بی‌خبر که اینان اینهمه سکان را به سینه میزدند گرفتند، همان موضعی که در انتخاب کاندیدی که خود

بقیه در صفحه ۶

"شورای انقلاب" با...

جناب است، آیا وقت شما دم از "سوء تفاهم" میزنید؟ کدام "تفاهم"؟ تفاهم خودتان را با این خائنین به حساب "تفاهم" ملت ما با عمال ساواک گذاشته‌اید و از رهم خوردن این تفاهم میترسید. شما مدافعین ساواک هستید!

اما بهشتی از این هم روشن‌تر صحبت کرده است، او میگوید: "اساساً با عدم اساس را اساسی تنگی دارد به سراغ مطالب‌های این افراد و طرفین این است که در این مورد اسلام معیارهائی مقرر کرده که باید تابع آنها باشیم". "اگر کسانی هستند که از روی صحت دچار لغزش شده‌اند و حالا برای آن صحتی که نشان داده‌اند پشیمان شده‌اند و میخواهند زندگی سالم همراه با خدمت داشته باشند باید این فرصت را از آنها گرفت و طبیعی است که اساساً عمومی گستره‌ای که شما در خدمت بوده، با توجه به توبه و بازگشت این افراد و مشخص آن در آینده، نمی‌خواهند این سرسرا، انقلاب و مردم نگران باشند. درست به نظر می‌رسد." (کیهان، ۲۵ بهمن ماه). بهشتی میگوید، اعضاء و منابع ساواک "خوب و بد" دارند، برخی از روی "لغزش" ساواکی شده‌اند و برخی از روی میل. برخی "توبه‌کرده" و حاضرند به ما "خدمت" کنند، و برخی "اصلاح ناپذیرند". پس باید به "توبه‌کرده‌ها" "فرصت" داد و لیست ساواک را باید منتشر کرد. سازمان جهنمی "ساواک" یک سیستم بود. خبرچین داشت، منبع داشت، تیم تعقیب و مراقبت داشت، تیم "ضدخرابکاری" داشت، بازجو و بازپرس داشت، شکنجه‌گر داشت، دفتر داردانت، مشی داشت، وکیل داشت، جلاد هم داشت. خبرچین و منبع خبر را میداد، تیم‌های تعقیب و مراقبت فرد را تحت نظر میگرفتند، تیم‌های "ضدخرابکاری" دستگیر میکردند، بازپرس از او سئوال میکرد، شکنجه‌گر شکنجه‌اش میکرد، جلاد او را به شهادت میرساند، دکتر جواز دفن صادر می‌کرد و فرد را در دفاتر وارد میساخت و مشی‌ها هم ماشین میکردند. این سیستم ساده، جایت، سیستم شکنجه، سیستم حفظ استبداد و خدمت به امپریالیسم بود. هر عضو و منبع ساواک، مهره‌ای از این ماشین خائن بود و مقصر و همه بدهکار به ملت داغ دار ایران. آنکس که اولین گزارش را میدهد، اولین قطعه گور مبارز را میکند و آخرین فرد نیز آخرین مکه خاک را روی گور میریزند. آنکس که اولین گزارش را میدهد، اولین گام در تحصیل ۱۰ سال، ۲۰ سال، ۳۰ سال زندان یک انسان مبارز را میدارد و آنکس که نای حکم را امضاء میکند آخرین گام را. اینها همه مقصرند و همه باید به فراخور سهمشان در این سیستم سیاه، به ملت ما حساب پس بدهند، و این ملت است که باید درباره‌شان قضاوت کند. این سیستم سیاه باید نابود شود و نابودی آن ممکن نیست مگر آنکه همه مهره‌های آن از کار برکنار شوند. آنکس که دیروز "لغزش" کرده، فردا سر "لغزش" خواهد کرد. شما نظارت و قدرت توده مردم است که میتواند جلوی افرادی را بر کنترل دمق خود گرفته و از این "لغزش" ها جلوگیری نماید.

لکن "شورای انقلاب" با این معیارها و دادخواهی‌ها مخالف است. "شورای انقلاب" مدافع ساواکی‌هاست، برای آنها خواسته‌های به حق ملت را عدالت مهم نیست، آنها دنبال "توبه" و "خدمت" هستند و بی سبب نیست که مخالف اعدام جلادانی چون بهرامی، نیرو بودند، زیرا او نیز "توبه" کرده بود و میتوانست به این ضد انقلابیون "خدمت" کند، همانطور که بسیاری از همقطاران بهرامی هم اکنون مشغول "خدمت" به اینان هستند و خیانت به ملت ما میکنند.

رفسنجانی نیز همان حرف بهشتی را تکرار میکند. میگوید: "اما در مورد اینکه چرا دولت اساسی ساواکی‌ها را منتشر نمی‌کند، باید بگویم که ما اینکه این اساسی منتشر شود، چرا که دولت هر تصمیمی میخواست میتواست در مورد آنها اتخاذ و اجرا کند و همین کار هم شد" (کیهان، ۲۵ بهمن).

آری، این دولت هر تصمیمی میخواست در مورد ساواکی‌ها گرفته و اجرا کرده است. تصمیم این حمایت از ساواکی‌ها، حفظ آنها و مخالفت با آگاه شدن مردم ما از اسامی این خودفروختگان بوده و دقیقا همین کار را کرده‌اند و از این حیث دولتی بیش از این هم شایسته نظاری داشت.

مردم ما مصرانه خواهان افشاء و انتشار نام همه وابستگان به ساواک میباشند و "شورای انقلاب" و "دولت" نه تنها از انجام این خواسته طفره میروند، بلکه علنا با آن مخالفت کرده، در برابرش ایستاده‌اند و بر علیه کسانی که گوشه‌ای از این اسناد را برملا ساخته‌اند اعلام جرم کرده به سرکردگان ترحاسته‌اند. این است ماهیت این "شورای انقلاب" و این "دولت".

بقیه در صفحه ۵

www.iran-archive.com

مبارزات دیپلمه‌های ...
بایدبرروی خواسته‌های خودوتوده‌ای که‌به‌آنها پیوسته‌اندپافشاری نماینـ
ندوذره‌ای هم‌ازروی آنها عقب
ننشینند.

******

برای پیداکردن راه‌حل هر
مسئله‌ای بایدشناخت درستی از آن
داشت. مسئله‌ماکه‌دیپلمه‌های‌بیکار
سب ما را ملزم‌به‌شناخت درست وعلمی
زاین قشراجتماعی مینماید.

دیپلمه‌ها حرفی اربخشهای‌میا
نی جامعه‌هستندواحدودسیارزیاد
اساساحائل روسفگران رادارند
رعین حال که‌بخشهای کوچکی از
سیادرسولیداجتماعی سهیم‌بوده‌اند.

دیپلمه‌های بیکارمعنوان
حسی ازطبقات مناسی جامعه‌خیالی
مجون شکل پابدیری (بی نظمی)
ش سوی پراکندگی - پافشاری
ثردن برروی مبارزه‌تاسه‌آخر و
پرو، که‌ااس شناخت ازمعائش
بن قشرکه‌اورابسمت پابیگیری
ازش درمبارزه‌وغیروسوق میدهد
سوان جلوی این صفها رابرـ
اری پیوندایس قشرارحمکشان
بین نردبه‌نظرماشعارعملی که
توانست ومیتواندعلاوه‌برایکه
ن جنبش رادرنیمه‌راه‌متوقف
نیدبلکه‌آنرابسط وگسترش دهد،
دیل کانون دیپلمه‌های بیکاربه
نون بیکاران وسعی درپیوندبا
رگران بیکارودیگررحمتکشان
تکمل این صفها مناشداست. اما
بایست آن شکلی راکه‌مبارزه
یلمه‌های بیکاردرمسجدسلیمان
دنبیردرنظرداشت. بعضی هاکر
نندکه‌حمایت توده‌های مردم از
لمه‌های بیکاربه‌شکل حمایت
نی وترحم‌وغیروبوده‌است که
ی بغایت غلط وانحرافی است.
ندماهاخیرندسال مبارزات
یرومداومی که‌توده‌های دانش‌
زان ومعلمین ودیپلمه‌های
اروغیروبخاطرکسب آزادیهای
راسیک انجام‌دادند، جوسیاسی
رانیکی که‌دردرون آموزشگاهها
ودآمده‌واین جودرسطح شهرهم
ل گسترش وانکشاف بوده‌است.

با مبارزات دیپلمه‌های‌بیکار
ش آموزان وغیروتوده‌های

وسیع برمردم‌شیوه‌های تازه‌ای
برای گرفتن حقوق خودکسب میکنند
که‌درشرایط آزادی های دمکراتیک
است که‌میتواندبخوبی ازآنها
استفاده‌کرد.

اتفاقاتا مه‌آقای فرماندار
وجناب خزئلی بخوبی مسئله را
تشخیص داده‌وحمله‌به‌دیپلمه‌های
بیکارمستقیم‌درفرمانداری نه‌بخاطر
اینکه‌فرمانداری بخواهدکارش را
راه‌بیندازدومسائل آنها راحل کند،
بلکه‌میخواهد به‌جائی ازاین
مبارزات توده‌ها که‌برای دمکراسی
مبارزه‌میکنندبزندکه‌حساس ترین
ودرعین حال جائی که‌بیشترازهمه
"دل" فدائیان را "خون"
کرده‌بزندوآنهم‌دیپلمه‌های بیکار
بودند.

حمایت وسیع توده‌های مردم
ازدیپلمه‌های بیکار (با اینکه
مسئله‌بیکاری ریشه‌درعمق جامعه
داردومعلولی ازاقتصاددست بدست
کشته وویران دوران سلطنت شاه
حاکم است) اساسا بخاطرمبارزه‌با
برپاکنندگان اختناق ودرحقیقت
برای کسب وحفظ آزادی ومسئله‌ای
که‌اتفاقاباحمایت ازدیپلمه‌های
بیکاربهم‌گره‌خورده‌بودند. درواقع
حمایت ازدیپلمه‌های بیکار در
مقابل این مسئله‌چه‌میبایست
بکنند، میکردند. دیپلمه‌های
بیکارمیبایست حتی برای‌گرفتن
خواسته‌های سه‌گانه‌ٔ خودحلقه‌ای که
توده‌های وسیع که‌خودشان هم‌بوسیله‌ٔ
آن یا بقیه‌ٔ مجموعه‌ای راتشکیل
میدادند، محکم‌چسبیده‌وهرخواسته‌ای
رادراین مرحله‌ازمبارزه‌خودبحسب
آن حلقه‌کسب نمایند. این حلقه
مبارزه‌سیاسی ودرجهت دمکراسی و
آزادی است. رهاکردن آن مرادف
است باشکست وپراکندگی ویافشاری
برروی هماهنگی خواسته‌های همه
مردم‌ومشخص وفرموله‌کردن این
خواسته‌ها وظیفه‌ٔ مرکزی دیپلمه‌های
بیکاربوده‌است.

ازطرف دیگرمیبینیم‌که‌معامله
گران آزادی برمبنای نامه‌ٔ طبقاتی
خودحتی دقیق تروازروی غریزه‌ای
سخت حساس حرکت میکنند.

آقای نماینده‌ٔ وزیرکشورگله
میکندازاینکه "دانش آموزان سرو
کاری با فرمانداری ندارد" یا
نماینده‌ٔ امام‌جداجداسعی میکندبا
مبارزین تماس بگیردومبارزه‌را به
سازش بکشاند. درحقیقت اگرشد
بشکل فاسستی آن رشته‌ٔ محکمی که
همه‌را بهم‌پیوند

بقیه‌درصفحه۱۸

" سورای انقلاب " یا ...
مردم‌بدست خودبا کسازی جامعه‌را ازوجوداین‌لکه‌های ننگ وسیاهکاری آغاز
کردند. مردم‌ما خودفروختگان رانیک میشناختندوازآنها کینه‌ای به‌حق
داشتندواین لیست به‌شناخت آنان سندیت دادوتصفیه‌های انقلابی آغازیدن
گرفت. کارمندان وکارکنان وکارگران آزادیخواه‌ومبارز، بی توجه‌به
اراجیفی که‌مقامات دولتی یکی پس ازدیگری در" مشکوک ومخدوش" بودن
این لیست سرهم‌کردند، ساواکی ها ومنابع ساواک راازخودومحیط خودمی‌
راندندوکماکان میرانند. عرصه‌پردامنه‌فعالیت های وابستگان ساواک
تنگ وتنگ ترمیگشت. ارتجاع زخم‌خورده‌دست به‌عکس العمل میزنند، آخر
ایشان ازدولت گشوئی اطمینان یافته‌بودندکه‌کسی کاری به‌کارشان نخواهد
داشت. بسیاری ازآنها به‌شغل "شریف" خودزیرعنوان جدید" ساواما "ودر
خدمت به‌حکام‌جدیدادامه‌میدادندوفکرنمی کردندروزی اسامی آنها ویا هم‌
کارانشان به‌خارج درزپیداکند. فشارها و" تکذیب نامه"ها بالا میگیرد.
همه‌میپرسند، اگراین لیست " دورغ ومشکوک ومخدوش" است وحکام‌کنونی
نیزبرای تکذیب این لیست ازیکدیگرپیشی میجویند، چراخودشان اسامی
" واقعی" ساواکی هارااعلام‌نمی کنند. اگربااانتشاراین لیست " حیثیت
وشرافت" ۸۰۰۰ نفرآدم" مومن وصادق" پایمال شده‌است، چرابا انتشار
اسامی "واقعی" ساواکی هاازاین عده"اعاده‌حیثیت" نمی کنند؟روزنامه
معلوم‌الحال " کیهان " که‌گردانندگانش گوی سبقت رادرخدمت به‌انحصار
طلبان ضدانقلابی ازدیگرروزنامه‌ها ربوده‌اند، نخست دریکی ازشماره‌های
خودزیرعنوان " کاری که‌ساواک هم‌نمی توانست بکند" ، این لیست را
ساخته‌ٔ دست ساواک میداندوبعدانامه‌ٔ پرازفحاشی ودروغ وشهمت آقای
مبشری راچاپ میزندوازچاپ پاسخ سازمان ما به‌ادعانامه‌مبشری که‌در
همان زمان به‌این روزنامه‌وسایرروزنامه‌ها داده‌شدخودداری میکندوسهم
خودرادرتحمیق مردم‌ویک طرفه‌به‌قاضی بردن آنها ایفاء مینماید. بعدا
گزارشی زیرعنوان " چرادولت اسامی ساواکی‌ها رامنتشرنمیکند" (کیهان
۵ شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۵۸) درج میکندوزیرفشارمردم‌این سئوال رادرمقابل
حکام‌کنونی قرارمیدهدودرعین حال از" مخدوش ومشکوک" وانمودکردن
لیست منتشره‌ازجانب سازمان مانیزخودداری نمی کند. اما این گزارش
یک نکته مثبت نیزداردوآن اعلام‌موضع رسمی وعلنی بانفوذترین عناصر
" شورای انقلاب" درپاسخ به‌این سئوال است. ایشان آشکارا اعلام‌میکنند
که‌نمی‌خواهنداسامی ساواکی‌ها رامنتشرکنند. نه‌اینکه‌لیست همه‌ٔ ساواکی‌ها
رادراختیارندارند، بلکه‌دارندونمی‌خواهندمنتشرکنند!

قبل ازهمه، طباطبائی، سخنگوی قبلی دولت بازرگان وسرپرست
" اداراتنخست وزیری" وعضوباندضدانقلابی ووابسته‌به‌سوریه‌ٔ چمران،
به‌نمایندگی از"وزیردفاع" ، کسی که‌ازقرارلیست همه‌ٔ ساواکی‌ها را
دراختیاردارد وشخصا بسیاری ازآنها رادر"ساواما" به‌خدمت گرفته‌است،
اعلام‌موضع میکند، میگوید: " مالیست کلی افرادساواک وکسانی راکه
بعنوان منبع باماء موراهکاری کارمیکردندراختیاردارم‌واین لیست
کامل ترین لیست موجوداست" ، اما" اراسالیست خودداری میکنیم"
(کیهان، ۲۵ بهمن) . چراازانتشارلیست خودداری میکنید؟ پاسخ او
چنین است ،"البته‌این کاردلیل خصوصی هم‌دارد، چراکه‌مردم‌مصاحبت خودرا
میکنند، اما ازنظرقضائی باندیروده‌ٔ یکایک این افرادبررسی سودجستن
ممکن است عده‌ای مشوحب توضیح باشند، درحالیکه‌عده‌ای هم‌بایداعدام
شوند بهرحال اسامی میتواندباعث سوءتفاهمی درجامعه‌شودو
مثلا کسی که‌نداندهمسایه‌اش باساواک همکاری میکرده‌بدون اینکه‌ازعمق
قضیه‌ومیزان ونحوه‌همکاری وی مطلع باشدممکن است باعث حوادثی شود."
(کیهان، ۲۵ بهمن) .

ملت ایران میشنوید؟ دولت ازانتشارلیست ساواکی هاخودداری می‌
کند، زیرامی ترسدشماخودتان " قضاوت" کنید، میترسدمادا شما بفهمید
که‌مثلا همسایه‌تان باساواک همکاری میکرده‌است، به‌این جلادان وخائنین
امکان فعالیت آزادانه‌میدهندوازآنها حمایت میکنند، یا مبادا شما آنها
رابشناسندوحسابشان راکف دستشان بگذارید. میگویندانتشارلیست ساواکی‌
ها موجب " سوءتفاهم" میشود. سوءتفاهم‌میان چه‌کسانی؟ چه‌تفاهمی
میان مردم‌داغدارما باساواکی‌ها وجودداردکه‌انتشارلیست آنها این"تفاهم"
رابه" سوءتفاهم" تبدیل کند. صدها وهزاران تن ازبهترین فرزندان این
ملت بدست عمال ساواک دستگیر، شکنجه‌وکشته‌شده‌اندومزارشان دربهشت
زهراوهمه‌ٔ گورستانهای ایران شاهدهمیشگی این

بقیه‌درصفحه۱۹

www.iran-archive.com

مبارزات دیپلمه‌های ...

متعدد بودند و برخی به تحصن و اشغال فرمانداری اعتقاد داشتند. در این میان با توجه به نظر اکثریت قرار شد دست به یک تحصن تمام وقت به مدت سه روز بزنند و پس از آن دعوت به میتینگ در فرمانداری و بالاخره دست به اشغال فرمانداری زده شود. در روز چهارشنبه یکی از نمایندگان دیپلمه‌ها را با نقشه قبلی دستگیر کردند. میتینگ در روز ۵ شنبه ۱۳ دی ماه با شرکت وسیع مردم برگزار شد. سپس فرمانداری توسط دیپلمه‌ها و با برخورداری از حمایت مردم اشغال شد. پس از اشغال، توده‌های دانش آموز، معلمین، کارگران برسرپیون، کارگران شرکت نفت، دانش آموزان، ارش و... اعلام همبستگی کردند. کارگری از شرکت نفت در مورد خواسته‌های دیپلمه‌های بیکار و مسئله بیکاری صحبت کرد، یک زن خانه‌دار در مورد گرانی مواد غذائی و وضع آب و برق و ریدگی حرف زد. هنگام شب سداران به محل فرمانداری آمده و آنجا را محاصره کرده و تهدید به حمله نموده و اولتیماتوم برای تخلیه آنجا به دیپلمه‌ها دادند. بلافاصله همان شب دیپلمه‌ها اقدام به پخش اعلامیه‌ای نمودند تا توده‌ها را به حمایت از خود و مقابله با حمله احتمالی روز بعد آماده نمایند. آقای حرشلی بحوی با تبلیغات مرتجعانه‌ای که علیه دیپلمه‌ها براه انداخته بود، ماهیت خود را برای همه روشن ساخت. شرکت وسیع توده‌ها و تجمع آنها در فرمانداری در روز جمعه مانعی بود برای برگزاری حمله به آنجا روز شنبه ۵۸/۱۰/۱۵ به بهانه وقایع قم و سرسرای راه‌نمائی در شهر براه میاندازند و راه‌نمایان از شهر به طرف نقتون می‌روند اما در مرسه راهی نقتون راه‌نمائی را به طرف فرمانداری منحرف کرده و راهنمایان را به جاده مقابل فرمانداری آوردند. گروهی از ساسان میان آنها به طرف فرمانداری حمله کرده و با پرتاب سنگ به مردم میخواستند آنها را پراکنده کنند اما عده‌ای از دیپلمه‌ها با شرقه تفرقه سلاح خاتمی است، بسوی خط امام اعتراض کن، دانش جوی خط امام برسود و درود بر توسلام و شعار مرگ بر امپریالیسم مرگ بر امپریالیسم باسخ میدادند. ولی مهاجمین به حسارت خود میافزودند. حمله از طرف چندتن "روحانی" نماها و بازاریان مرتجع شهر رهبری میشد. ماموران کمیته در میان آنها با لباسهای شخصی دیده میشدند. گروهی از متحصنین بدفاع پرداخته و گروهی دیگر داخل ساختمان هجوم برده و عده‌ای نیز به خارج فرمانداری رفته و با سنگ جواب حمله‌کنندگان را می‌دادند. با سداران و افراد کمیته مسلح همراه عده‌ای ناآگاه و اوباش به مردم هجوم میآوردند. افرادی که درون محوطه فرمانداری مقاومت میکردند پس از محاصره شدن بدرون ساختمان فرمانداری و دیگران ملحق شدند.

افراد مسلح با تیراندازی بجلو آمدند مردم سه‌ء مجاور فرمانداری با دردست و با شعار در صور بجاوز آمریکا ایران را ویتنام می‌کنیم و کردستان متحد خوزستان سنگر را رتجاع - به مبارزه خود ادامه میدادند و از فرمانداری دور شده و به سه‌های اطراف پراکنده میشدند ولی حرکت خروشان آنها بکدم تمامی نداشت. جمع میشدند تظاهرات میکردند با حمله‌ء ارتجاع روبرو میشدند سپرا - کنده میشدند ولی دوباره جمع شده و در محوطه گرد هم میآمدند و بهم میپیوستند و با شعار کارگر کارا بس است شعار سنگار به حرکت خود ادامه میدادند. مردم از سیه‌ها به محله‌ها و از آنجا به فرمانداری میآمدند در آنجا سادپاس - داران و کمیته به بالای ساختمان فرمانداری رفته و از طرف دیگر کار اشک آور بر دروی ساختمان فرمانداری که مملو از مردم بود سلک می - کردند و از سوئی دیگر یزدانسپا، جوناها، و غیر و که سرمایه‌داران مرتجع شهر هستند و سرسردگیان در روزهای بولدناه حائش برای مردم اشاعه شده، با آتش زدن به سوها آنها را بدرون ساختمان و با دم در ورودی آن میانداختند، این افراد مرتجع قصد انحاد دست مارکس دیگری را داشتند و اعتکاد رهی و صاحب و بیشرمی.

مردم بار دیگر حماسه از خارج هجوم آوردند و عده زیادی از آنها حبس فراری شدند. ماشینهای آتش نشانی آزیر آمبولانسها و دود و بوی ناروب همه جا را گرفته بود و اوباش را با دقیا بهم ماه میانداخت. عده زیادی دستگیر و رخمی شدند (۱۶ نفر دستگیر و ۱۰۰ نفر زخمی). مردم بهمراهی آنها دیپلمه‌های بیکار در فرمانداری جمع شده و در مورد جریانات رخ داده شروع به صحبت کردند تا همکاری و پایداری توده‌های مردم با خاتمان فرمانداری همچنان در دست دیپلمه‌های بیکار باقی ماند و بار دیگر توده‌ها مشت محکمی بر دهان ارتجاع و ارتجاعیون وارد آوردند طی صحبتهائی که شد همه تصمیم گرفتند که شب را در فرمانداری بمانند در روز یکشنبه ۵۸/۱۰/۱۶ دانش آموزان مدارس را تعطیل کرده و به عنوان اعلام همبستگی از مدارس خود بسوی فرمانداری روانه شدند. معلمین ضمن محکوم کردن واقعه روز شنبه برای مجازات عاملین حادثه و شورائی کردن آموزش و پرورش دست به تحصن نامحدود زدند، کارگران شرکت ساختمانی برسزیون ضمن پشتیبانی خود از دیپلمه‌ها حرکت روز شنبه را محکوم نموده و مجازات عاملین را خواستار شدند. گروهی از کارگران شرکت نفت و معلمین چند پیشه، گروهی از دانش آموزان، نیروی زمینی ارش و... با دیپلمه‌ها و مردمی که همراه آنها در فرمانداری متحصن شده بودند اعلام همبستگی کرده و خواستار آزادی زندانیان در بند شدند. چندین از کسانیکه در حمله‌ء روز شنبه دستگیر شده بودند مردم متحصن در فرمانداری پیوسته و به ناآگاهی خود اعتراف و اظهار پشیمانی کردند. پس از این حرکات، ارتجاع به وحشت افتاده بدلیل اینکه آن یورش وحشیانه، آتش زدن، تیراندازی و گاز اشک آور هیچ کاری در رابطه با بهم زدن حرکت مردم نتوانست انجام دهد، مجبور به مصالحه و مذاکره شد و تظاهرکنندگان رسیدگی بخواسته‌ها شد و گفتند که: ما زندانیان را بدون قید و شرط آزاد میکنیم ولی بلافاصله باید مذاکره شود. در میان دیپلمه‌ها دو نظر بوجود آمد یکی موافق این حرکت (آزادی زندانیان و بلافاصله مذاکره) بود، و دیگری اینکه باید زندانیان همگی یکی از آنها نماینده دیپلمه‌ها و سوای موقت بود در جمع دیپلمه‌ها حضور یابند بعد تصمیم گرفته شود تا با همین امشب مذاکره شود یا روز بعد. اکثریت نظر دوم را قبول کردند. در روز دوشنبه ۵۸/۱۰/۱۷ اعلام همبستگی توده وسیعی از مردم اعلام شد. از طرف ۲۳۰۰ کارگر حماری شدهان منطقه اندیکا - دانشجویان دانشگاه حندی شاپور اعلام همبستگی خوانده شد. معلمان از اداره آموزش و پرورش به طرف فرمانداری راهپیمائی کردند و به مردمی که در فرمانداری اجتماع کرده بودند پیوستند. و مردم با شعار درود بر معلم مبارز - معلم معلم راه صد را سرود درود خلق ایران بر صد قهرمان آنها استقبال کردند.

روز سه‌شنبه باز هم مردم در فرمانداری جمع شدند ولی نسبت به روزهای قبل تعداد کمتری شرکت کردند. از سوی دیپلمه‌ها برنامه‌ای ارائه نمی‌شد فقط اعلام همبستگی‌ها و متنها خوانده میشد. معلمان به تحصن خود در اداره آموزش و پرورش ادامه دادند. مدارس هم چنان تعطیل بود و دانش آموزان مدارس وسیعا از این حرکت پشتیبانی میکردند.

این یورش وحشیانه به دیپلمه‌ها در سراسر کشور انعکاس پیدا کرد و از هر طرف اعلام همبستگی مردم شهرهای دیگر به دیپلمه‌های بیکار میرسید. تا اینکه از سوی آیت الله خمینی نماینده‌ای به نام حجت الاسلام طاهری برای "رسیدگی" به امور مسجد سلیمان فرستاده شد. این نماینده ابتدا با معلمان وارد مذاکره شد و معلمان با گرفتن تعدادی خواسته حرفی به تحصن خود پایان دادند روز دوشنبه ۵۸/۱۰/۲۴ این نماینده اعلامیه‌ای در رابطه با مسائل دیپلمه‌ها داد که در آن نوشته شده بود: ۱- دانش آموزان و افراد شاغل در عرض بیست و چهار ساعت محل فرمانداری را ترک کنند. ۲ - دیپلمه‌ها چهار نفر نماینده برای مذاکره پیش او بفرستند تا طبق قوانین مملکتی به خواسته‌های آنان رسیدگی شود. ۳ - در صورت عدم قبول موارد بالا با آنان قاطعانه و انقلابی عمل خواهد شد.

در روز دوشنبه نمایندگان آیت الله خمینی به فرمانداری آمده و برای دیپلمه‌های بیکار سخنرانی ایراد کردند تا مصحبتهای نماینده مملو از تهدیدات و تهمتها بوده و می‌خواست از راههای "برادرانه" مسئله را فیصله دهد. و کوچکترین گامی برای حل مسائل دیپلمه‌ها در بر نداشت.

در روز چهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۶ دوباره به "دادگاههای انقلاب" رفت و با طاهری نماینده خمینی و با دادستان مذاکره کرده ولی هنوز نتیجه‌ای عاید نشده و انتظار هم نمی‌رود که نتیجه‌ای گرفته شود. دیپلمه‌های بیکار

بقیه در صفحه ۲۰

www.iran-archive.com

برخی نکات ...

فراهم میشود، مانند مبارزهٔ طبقاتی حاد در ترکیه که دولت دمیرل را مجبور به اعلام حکومت نظامی در سراسر کشور کرده است.

امپریالیسم آمریکا سعی دارد که حتی المقدور با آنجا که میتواند از سد بحرانها بکاهد و از زیر حمله مستقیم خود را کنار بکشد.

نمونهٔ مشخص آن در مورد ایران صادق است. با اشغال جاسوسخانهٔ آمریکا در تهران توسط "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" یک موج وسیع ضد امپریالیستی که لبه تیز حمله‌اش بدرسی بروی آمریکای جنایتکار بود، بلند گردید. بلند شدن این مبارزه که منطقا نتایج و تاثیرات داخلی نیز داشته است، "منافع حیاتی" آمریکا را بیش از پیش در منطقه و بخصوص در ایران در "خطر" قرار داد.

امپریالیسم آمریکا در ابتدا با تاخ و تازه کشیدن های فراوان سعی نمود که مردم ایران را "بترسانند" که البته هیچگونه طرفی از این تشبثات نبست. بنابراین به مانند گذشته دل به تشبثات مرتجعین و خیانت پیشگان سازشکار بست تا آنها با لطایف الحیل مسئله جاسوسخانه را در ایران فیصله بخشند. بخصوص پس از حمله نظامی شوروی به افغانستان، امپریالیسم آمریکا از فرصت سود جسته و با تشویق و ترغیب سازشکاران ایرانی سعی نموده است که خط منحط و سازشکارانه آنها را تقویت نماید.

بهمین دلیل حدود یک ماه است که اعمال محاصره اقتصادی ایران را همه به همه به سویی میاندازد، چون بخوبی درک میکند که اعمال اینگونه تدابیر ماشینی و زورگویانه، فقط عاطفیت و خشم مردم را افزون میکند و در عین حال باعث تقویت خط انقلابی مبارزهٔ تا به آخر با آمریکای جنایت کار میشود. بنابراین با تکیه بر جریانات جانب پیشه و سازشکار و با تغییر موضعی تاکتیک و اتخاذ "نرمش پذیری" میخواهد مسئله را در ایران فیصله دهد. این نمونه است از چگونگی حرکت امپریالیسم آمریکا برای تخفیف حرکتهای ضد آمریکایی در منطقه!

۴- امپریالیسم آمریکا بیرو این سیاست خارجی جنگ طلبانه و زورگویانه در سطح جهانی و منطقه، با استفاده از تجاوز و تنظامی شوروی به افغانستان و همچنین مبارزات مردم کشورهای مختلف بر علیه امپریالیسم آمریکا بخصوص خلقهای ایران و منطقه یک روحیهٔ شوونیستی (برتری طلبانه) و "میهن پرستی" کاذب را در داخل آمریکا دامن زده است. بورژوازی امپریالیست آمریکا که خود را از هر طرف تحت ضربه میبیند، با تبلیغات مسموم شوونیستی، مردم آمریکا را آماده میکند تا برای منافع این بورژوازی یا به جنگ رقیب روسی خود برود، یا به سرکوب خلقهای مبارز بپردازد.

امپریالیسم آمریکا که روز به روز خود را برای وارد شدن در جنگ آماده میکند، اخیرا دوباره تصمیم به اجباری کردن خدمت نظام وظیفه گرفت (خدمت نظام وظیفه در آمریکا، پس از جنگ ویتنام و بخاطر مبارزات وسیعی که مردم آمریکا و بخصوص دانشجویان آمریکا علیه جنگ و کشته شدن در راه سیاستهای حکام آمریکا کرده بودند، داوطلبانه اعلام شده بود) این تصمیم دولت کارتر با دادگی در میان مردم آمریکا و بخصوص دانشجویان و جوانان پذیرفته نشد، و نه خواهد شد. از همان فردای اعلام این تصمیم تظاهراتها و اعتصابات وسیعی در بسیاری از شهرهای آمریکا و بویژه محیط های دانشجویی بر علیه اجباری کردن خدمت نظام وظیفه براه افتاده است.

امپریالیسم آمریکا، در راه پیاده کردن سیاستهای امپریالیستی خود نه تنها در خارج با مبارزات خلقها روبروست، بلکه در داخل کشور خود نیز با مبارزه طبقهٔ کارگر و مردم ستمدیدهٔ آمریکا روبروست. بحران عظیمی جامعهٔ آمریکا را فرا گرفته است و مردم آمریکا در مقابل فشار اقتصادی و سیاسی ناشی از بحران بهیچ روی ساکت نخواهند نشست. ✱

مبارزات دیپلمه‌های ...

مردم خللی وارد ننمود از طرف دیگر عده‌ای از دوستان از درون بنای مخالف با راهپیمائی را گذارده و بدون مشورت با بقیهٔ نمایندگان و دیپلمه‌های بیکار دیگر به تبلیغ پراکنده شدن و نبودن راهپیمائی پرداخته که با تمام ملاتی که دوستان دیگر برای برگزاری راهپیمائی انجام دادند راهپیمائی انجام نشد.

لازم به تذکر است که عاملین و پدید کنندگان آن زمان، عاملین حملهٔ روز شنبه ۱۳۵۸/۱۰/۱۵ به دیپلمه‌های بیکار مسجد سلیمان بودند.

ادامه مبارزه بشکل تحصن در اداره کار دنبال شد و بعد از چند روز با حملهٔ پاسداران بدلیل حوا کم و سبه کودتا و از طرف دیگر کمی تعداد دیپلمه‌ها باعث پراکندگی آنها گردید. دنبالهٔ مبارزهٔ دیپلمه‌های بیکار از حدود سه ماه پیش در شهرداری ادامه یافت و بدین شکل بود که اطلاعیه‌ای از طرف شهرداری برای استخدام تعدادی دیپلمه داده شد که باعث تجمع آنها در شهرداری گردید.

در حدود ۲۰۰ نفر جمع شدند اما با دو خواسته داشتند ۱- ایجاد کار. ۲- استخدام بر ضوابط به روابط بدنبال مبارزه دیپلمه‌ها تعدادی استخدام و بکار گمارده شدند. کمتر از ۲ ماه این مبارزه ادامه داشت. تلاشهای متعددی برای مشکل کردن و یک پارچه کردن مبارزات دیپلمه‌های بیکار بشکل پراکنده صورت میگرفت تجمع گروهی از دیپلمه‌های بیکار در روز ۱۳ آذر ساعت ۱۰ اعلامیه‌ای که از طرف گروه دیگری برای تجمع در روز چهارشنبه ۱۴ آذر ماه درشده بود قرار گرفت. که این دو گروه با حرکت از منافع دیپلمه‌های بیکار و جلوگیری از پراکندگی یکپارچه مبارزه را ادامه دادند. از روز شنبه قرار براین شد که در وقت اداری (۲-۸) دیپلمه‌ها در محل فرمانداری برای پیگیری امور و تبادل نظر جمع شوند. مدت یکهفته بر روی خواسته‌ها بین دیپلمه‌های بیکار بحث شد. عمدتا بحث ها حول کانون، حق بیکاری، و ایجاد کار دور میزد تا اینکه فرماندار پیشنهاد کرد که روز چهارشنبه ۵۸/۹/۲۲ با دیپلمه‌ها در باشگاه ایران سابق گفتگو کند. دیپلمه‌ها چهار نماینده انتخاب کرده و خواسته های خود را بشکل زیر در آوردند:

۱- ایجاد کار. ۲- حق بیکاری.

۳- دادن مکانی مستقل بنام کانون به دیپلمه‌های بیکار که فرماندار با گفتن غیر قابل عملی بودن و غیر منطبق بودن با قوانین مملکت و غیر خواسته‌های آنان را رد کرد. یکشنبه ۵۸/۹/۲۵ برای هم‌آهنگ کردن کارها تصمیم به انتخاب "شورای موقت" گرفتند. بمنظور آماده کردن ذهن تودها و ارجانبی سیاسی بی توجهی مقامات به خواسته‌های دیپلمه‌ها اقدام به برگزاری یک میتینگ در روز جمعه ۵۸/۹/۳۰ شد.

روز بعد دانش آموزان با دیپلمه‌های بیکار اعلام همبستگی کردند. در همین زمان دستور انحلال شوراهای مدارس از جانب کیاووش "رئیس اداره آموزش و پرورش خوزستان" داده شد و متقابلا دانش آموزان مبارزه سختی با آن به مخالفت برخاسته و خواهان ایجاد شوراهای واقعی خود شدند. روز دوشنبه تظاهرات عظیم ۱۵۰۰۰ نفری دانش آموزان از آموزش و پرورش به طرف مرکز شهر راه افتاد. بیشتر دیپلمه‌ها در مورد شرکت یا عدم شرکت در این مبارزه بحث شد و سرانجام با دوستانی که معتقد به حمایت متقابل و عملی با دانش آموزان بودند جواب دادند که "مبارزه همیشه هست و این قدر عجله نکنید" و "خودمان کلی مسئله داریم."

یکی از مسئولین کشاورزی خوزستان و نماینده وزیر کشور هم بدیدن دیپلمه‌های بیکار آمدند. معاون وزیر کشور به دانش آموزان که برای اعلان پشتیبانی آمده بودند گفت: "دانش آموزان باید به آموزش و پرورش بروند و کار آنها ارتباطی با دیپلمه‌ها ندارد." برخورد محکم دیپلمه‌ها به این دو نفر و افشاگریهای سیاسی در رابطه با دولت و هیئت حاکمه که صورت گرفت بعد از ده‌ای به کار دیپلمه‌ها داد. بعد از آن روز کانون دیپلمه‌های مسلمان مثل خارج از زمین روئید و فحاشی و تهمت های ناروا از طرف افراد و گروههای معلوم الحال و "اعلامیه‌های بعد از انقلاب" نثار دیپلمه‌های بیکار میگردید. که البته دست پرکت آقای فرماندار پشت سر همهٔ اینها بود. ضد انقلاب سعی در منحرف ساختن افکار مردم و پشت آنها در جهت سرکوبی دیپلمه‌ها را تعداد تاره‌ای داد و با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه در میان دیپلمه‌ها را آغاز کرد. دیپلمه‌ها چون با زهم با بی توجهی مسئولین روبرو شدند و از طرف دیگر نیروهای ارتجاعی افکار مردم را نسبت به آنها مسموم میکردند، برای آگاه کردن مردم نسبت به خواستهای خود تصمیم به راهپیمائی گرفتند. راهپیمائی با استقبال وسیع دانش آموزان و توده کثیری از مردم روبرو شد. و اساسا ضد امپریالیستی و دمکراتیک بود. این راهپیمائی تا اندازه‌ای مسائل دیپلمه‌های بیکار را برای مردم روشن ساخت. پس از راهپیمائی بحثهای زیادی در مورد ادامهٔ مبارزه در گرفت، که در حدود سه روز طول کشید. بعضیها معتقد به مینیمک های

بقیه در صفحه ۲۱

www.iran-archive.com

برخی نکات ...

یعنی " منافع حیاتی " آمریکا درمنطقه که بقول یکی از سفیران آمریکا درمنطقه عبارتست از : " حق عبور از خلیج ، دسترسی به نفت وعدم حضور رقبا نظامی شوروی "[1] (مجله تایم ۴ فوریه ۱۹۸۰) .

حمله نظامی شوروی به افغانستان وخیزبرداشتن این ابرقدرت برای دستیابی به منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس ، هردو ابرقدرت را درعمل مجبورکرد که از عوام‌فریبی هائی چون " تشنج زدایی " و " سالت ۱ " و " سالت ۲ " دست برداشته واهداف واقعی وکثیف شوراء خودنسبت به خلقها را برملا کنند .

امپریالیسم آمریکا که حرکت شوروی درافغانستان را بمثابه آغاز برنامه اسرائیلی شوروی برای کنترل منطقه خلیج فارس ارزیابی میکند ، آشکارا وبدون چوب وقند به شاخ وشانه کشیدن درمقابل رقیب خطرناک وتازه نفس خویش بپاخاست . هشدار آمریکا به شوروی درمورد استفاده از نیروی نظامی درصورت لزوم ، نمودار روشنی از این شاخ وشانه کشیدن است . فرستادن ناوهای هواپیمابر "کیتی هاوک" و " نیمیتز " و ... به حوزه اقیانوس هندونقل وانتقالات نظامی دیگر ، همگی برای نشان دادن قاطعیت آمریکا درمورد سیاست دفاع از " منافع حیاتی " اش درمنطقه میباشد .

حرکت شوروی برای دستیابی به منطقه ، اولین تضادی است که امپریالیسم آمریکا درمنطقه با آن مواجه است . ولیکن تنها تضاد ، این تنها نیروئی نیست که درمقابل امپریالیسم آمریکا درمنطقه قد علم کرده است . بلکه نیروی مهمتر ، یعنی نیروی انقلابات رهایی بخش خلقهای منطقه که درراس آنها در لحظه کنونی انقلاب ایران قرار گرفته است ، نیز " منافع حیاتی " آمریکا را از ریشه وبن تحت تردید وحمله قرار داده است . امپریالیسم آمریکا ممکن است برای مقابله با رقیب خود ، شوروی ، برنامه‌های نظامی وسیاسی متعددی درمنطقه داشته باشد ، ولی به ادعای خود امپریالیست‌ها ، هنوز نتوانسته است برای مشکل اساسی خود ، یعنی مبارزات مردم منطقه ، " راه حل منطقی " بیابد . " نطق کارتر (درمجالس قانونگذاری آمریکا) نتوانست با پیچیدگی بحران بالقوه درمنطقه خلیج فارس برخوردکند . خطربرای آمریکا به آن روشنی بصرف حوزه‌های نفتی توسط شوروی نیست . به سخنی کسی انتظار این حرکت را داشت . بجای آن ، ایالات متحده با همان مبارزه طلبی‌هایی درآسیای جنوب غربی روبروست که وی را برای سالها آزار داده است : قیامهای محلی ، رادیکالیسم ، رقابتهای قبیله‌ای ، افراطی گری مذهبی وبی ثباتی هم‌مرز با آشوب . (بزبان آدمی یعنی انقلابات) . حوزه‌های نفتی خلیج فارس درخطر هستند به آن اندازه بخاطر تانکهای روسیه درافغانستان که بخاطر بروز شورشهایی چون بصرف مسجدمقدس درمکه واشغال سفارت آمریکا درتهران توسط رزمندگان ایرانی . بزرگترین فاجعه‌ای که برای منافع آمریکا دردهه گذشته درمنطقه اتفاق افتاد ، سقوط شاه بوده است که مسکو هیچگونه مسئولیتی درقبال آن ندارد . وبزرگترین خطرسرای منافع غرب در آینده نزدیک گسترش شورش وغلیان به عراق ، پاکستان ، عربستان سعودی وترکیه است ، ... که کارتر هیچگونه راه حلی برای آنها پیشنهاد نکرده است . " (تایم ۴ فوریه ۱۹۸۰) . بنابراین حرکت انقلابی درمنطقه ، بخصوص انقلاب ایران و پتانسیل گسترش این انقلاب در منطقه وبخصوص به کشورهای همجوار چون پاکستان ، ترکیه ، عراق و عربستان سعودی ، بزرگترین خطری است که منافع آمریکا وغرب را در منطقه تهدید میکند . ۲ نیرودرمقابل منافع آمریکا قد علم کرده‌اند : اول نیروی مبارزات انقلابی مردم و گسترش آن ودوم رقابت ابرقدرت شوروی . امپریالیسم آمریکا در آن واحد با هردوی این تضادها روبروست وبرنامه‌ها وسیاستهایش میبایستی به هردوی این تضادها پاسخ گویند .

امپریالیسم آمریکا هم اکنون سعی دارد که این دوشته تضاد را با یکدیگر مخلوط کرده وانمود کند که بزرگترین خطری که منطقه را تهدید میکند ، ابرقدرت شوروی است وبدین ترتیب خود را از زیرضربات مردم منطقه خلاص کند .

امپریالیسم آمریکا مرورانه سعی میکند که تراحساسات به حق مردم منطقه درمحکوم ساختن تجاوز نظامی شوروی به افغانستان سوار شده واین احساسات را که ریشه درخواسته‌های استقلال طلبانه وآزادیخواهانه مردم دارد ، منحرف ساخته ولبه تیز حمله را که بدرستی درمجموعه منطقه بروی آمریکاست ، برعلیه رقیب خود شوروی امپریالیستی برگرداند .

این سیاست کهنه شده است که همه مرتجعین وهمه عوامل دوائر قدرت به پیش برده‌اند : مخلوط کردن دورشته تضاد ، اولی تضادبین خلقها با امپریالیستها ، ودومی تضاد خود امپریالیستها وبدین ترتیب کشاندن خلقها بزیر پرچم مطامع این یا آن امپریالیست . امپریالیسم آمریکا امروز با تمام قوا میکوشد تا از تجاوز نظامی شوروی به افغانستان بهره برداری کند وبرخواسته‌های به حق مردم سوار شده وآن را به اسباب رقابتهای امپریالیستی خود با شوروی بدل کند .

۳ـ اولین حرکت امپریالیسم آمریکا درمقابل حادثه اوضاع درمنطقه ، وبخطر افتادن " منافع حیاتی " اش ، حضور نظامی مستقیم درمنطقه بوده است . امپریالیسم آمریکا که تا چندی پیش برای حفظ " منافع حیاتی " اش برطبق دکترین نیکسون ، بردست نمایندگان تابدندان مسلح اش وبخصوص محمد رضا پهلوی تکیه میکرد ، امروزه دیگر نمی‌تواند همان سیاست را مو به مو اجرا کند وبنابراین مجبور گردیده است که خود مستقیما وارد عرصه شده وبه دفاع از " منافع حیاتی " اش بپردازد . فرستادن ناوگان دریایی مرکب از ناوهای هواپیمابر به منطقه اقیانوس هند وخلیج فارس ، برنامه‌ریزی کردن تعداد ناوهای دریایی آمریکا در عمان در آینده بسیار نزدیک ، دست وپا کردن برای ایجاد پایگاه هائی نظامی درکشورهای سومالی ، مصر ، پاکستان وعربستان سعودی و .... همگی نمودار حرکت امپریالیسم آمریکا برای حضور نظامی مستقیم ، وطبعا درگیری مستقیم درمقابل " حیاتی " هستند .

امپریالیسم آمریکا برای پیاده کردن این برنامه خود از تجاوز نظامی شوروی به افغانستان استفاده کرد ، اگرچه این برنامه را از مدتها پیش تحت عنوان " چتر نظامی " و " سپر حفاظتی " آمریکا پس از سرنگونی رژیم شاه داشته است : مجله تایم درفوریه ۱۹۸۰ می‌نویسد که پس از سرنگونی شاه " سرزمینی سیاسی بادگرد که آمریکا یک چتر حفاظتی بروی آفریقای شمالی ، خاورمیانه وآسیای جنوب غربی پهن باشد . " این " چتر حفاظتی " برمبنای برنامه آمریکا از پاکستان شروع شده وتا مراکش ودرمنتهی الیه غربی شمال آفریقا ادامه می‌یابد . در منطقه خلیج فارس ، امپریالیسم آمریکا بروی دوکشور کلیدی حساب میکند : پاکستان وعربستان سعودی .

امپریالیسم آمریکا برای ایجاد این " چتر حفاظتی " درپی تشکیل وشکل دادن به ائتلافات نظامی جدیدی درمنطقه میباشد . قراردادهای دوجانبه وچندجانبه نظامی از اهم اهداف آمریکا برای ایجاد این " چتر حفاظتی " است . کارتر درنطق خود بصراحت به این موضوع اشاره کرده است : ما آماده ایم با کشورهای دیگر منطقه (گویا آمریکا سرکشوری درمنطقه است که میخواهد با کشورهای دیگر همکاری کند) همکاری کنیم تا چارچوب امنیتی مشترکی را بسازیم .

سفرهای اخیر برژینسکی به پاکستان وعربستان سعودی ، وقول وقرارهائی که دراین سفرها ردوبدل گردید ، درچارچوب همین برنامه ایجاد " چتر حفاظتی " و " چارچوب امنیتی مشترک " با امپریالیسم آمریکا میگنجد . ازهم اکنون امپریالیسم آمریکا ، با همکاری چین رویزیونیستی وعربستان سعودی تصمیم به کمک یک میلیارد دلاری نظامی آمریکا به پاکستان گرفته ودرپی ایجاد پایگاه نظامی دراین کشور است . همچنین سیل اسلحه‌های مدرن آمریکا چون هواپیماهای F-۱۵ به سوی عربستان سعودی جاری است .

خلاصه کنیم : سیاست امپریالیسم آمریکا ، پس از شکست برنامه یکپارچه بردست پاسداران وبخصوص درایران ، وتجاوز نظامی شوروی به افغانستان ، حضور نظامی مستقیم درمنطقه وایجاد ائتلاف نظامی جدیدی است که کمربند حفاظتی تحت کنترل آمریکا که از مراکش تا پاکستان امتداد میابد ، را بوجود آورد .

۴ـ امپریالیسم آمریکا درلحظه کنونی درمنطقه خاورمیانه از هرسو تحت حمله است . انقلاب ایران ، انقلاب فلسطین وخطرگسترش این انقلابات به سایرکشورهای منطقه که از هرجهت آمادگی عینی انقلاب در آنها بسرعت

بقیه درصفحه ۲۲

www.iran-archive.com

برخی نکات درباره سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا

ا ـ بعد از حمله نظامی شوروی به افغانستان، سردمداران امپریالیسم آمریکا برنامه‌ها و سیاست‌های سوسی را به پیش کشیده‌اند. بسیاری از مفسران امپریالیسم آمریکا از پایان یافتن "دوران دتانت" (تنش زدایی) و آغاز دوره‌ی سوسی ار "جنگ سرد" بین دو ابرقدرت آمریکا و شوروی سخن می‌رانند. کارتر رئیس جمهور آمریکا در نطق سالیانه افتتاحیه مجلس قانونگذاری آمریکا در ۲۰ ژانویه، علنا و وضوحا به اعلام میکند که: "کوشش توسط هر نیروی خارجی برای کنترل منطقه خلیج فارس، حمله‌ای علیه منافع حیاتی آمریکا خواهد شد. و چنین حمله‌ای با هرگونه وسیله لازمی دفع خواهد شد ـ منجمله نیروی نظامی." کاربرد امپریالیست آن چنان صحبت میکند که گویا منطقه خلیج فارس را صاحب است! این منطقه همه امپریالیستها ست و تمامی آدوپاله‌های امپریالیسم آمریکا در مورد "نگران" بودنش از "استقلال و تمامیت ارضی" کشورهای منطقه در اثر حمله نظامی شوروی به افغانستان، در واقع پرده‌ای است بر هدف واقعی این

بقیه در صفحه ۲۳

از خواسته‌های حق طلبانه آموزگاران مدرسه را هنمائی عصمت حمایت کنیم!

همشهریان مبارز:

مدت چهار هفته است که تعداد بیست و چهار نفر از آموزگاران مدرسه راهنمائی عصمت بخاطر اینکه خواهان انتخاب مدیر مدرسه از میان خودشان بودند با حکم اداره آموزش و پرورش گچساران از کار برکنار شده‌اند و این کار با گشودن باغ سفره و تشنج و درگیری‌هائی در مدرسه راهنمائی عصمت گردیده است. با پی جریانات اخیر با حکم دو مدیر کل آموزش و پرورش استان بوده و به وسیله عوامل معلوم الحالی از حمله فرهمند، خواجوی و... که دست ساخته خودش میباشد برنامه‌های ارتجاعیش را پیاده می‌کند. تا حکم دو با حکم معری و رفتار و کردار دیکتاتورمآبانه‌اش که زیان‌ها و خسارات عام میباشد و باعث تفرقه و تشنج در صفوف مردم مبارز گچساران شده و ذهن آنها را از مبارزه ضد امپریالیستی که در کشور جریان دارد دور کرده و در نتیجه آب به آسیاب امپریالیسم میریزد.

معلمین آگاه و مبارز گچساران شما میبایستی از خواسته‌های به حق معلمین احراجی حمایت کرده و اعمال ضد دموکراتیک مدیر کل آموزش و پرورش استان را محکوم کرده و خواهان برکناری او شوید. چون احتمالا شما نیز در آینده گرفتار اعمال ضد دموکراتیک تا حکردون خواهید شد.

دانش آموزان مدارس نیز می‌بایستی به حمایت از معلمین و محصلین مدرسه راهنمائی عصمت برخیزند و آنها را برای رسیدن به خواستشان یاری دهند. کارگران و کارمندان ادارات دولتی و شرکت نفت نیز میبایستی اعمال ارتجاعی تا حکردون را محکوم کرده و معلمین احراجی را برای رسیدن به خواستهایشان یاری دهند.

عده‌ای از رهبران گچساران
هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران

۵۸/۱۰/۲۰

گزارش تحلیلی از:

مبارزات دبیلمه‌های بیکار در مسجد سلیمان

مبارزه دبیلمه‌های بیکار در مسجد سلیمان با همه گذشته‌ای که دارد همواره یک منطقه بوده و ارتجاعات و استحکام و ادامه‌ای مبارزه برخوردار بوده. در ماههای گذشته بدنبال یکسری محصیا و سیها و بدنبال بحث اعلامیه استخدام شرکت نفت بجمع دبیلمه‌ها جلوی اداره مرکزی شرکت نفت و ادوم آن بشکل تجمع روزانه جلوی فرمانداری (در ساعات اداری) به مدت سه و یکنیم و بعد از آن بحث دوستی در اداری داخل اداره کار خیری از به راهنمائی در روانیم. با حرکت فرا رسیدن ساعت ۴ بر واضح است که تنها بیکلیسوها لیت انتشاراتی برای با دبود. چوب این قوانین آبادان و بحمائیم. از اینرو نژادیکی ارد میان ارگان سازمان داران و فر" با نشریه‌ای که نام همردن را مان ما را حل کرده است با رما سدگ، این اقدام ریاکارانه دادند، دنیم.

به نیراند اتحادیه کمونیستهای دره‌ای در ایران

گزارش جنگ تحمیلی کامیاران شماره آینده

"شورای انقلاب" یا مدافعین ساواک؟

چرا دولت اسامی ساواکی‌ها را منتشر نمی‌کند؟

رفسنجانی: اسامی ساواکی‌ها نباید منتشر شود!

بهشتی: انتشار اسامی ساواکیها درست به نظر نمی‌رسد!

طباطبائی: از انتشار لیست خودداری میکنیم!

بدنبال انتشار کتاب "معرفی قریب ۸۰۰۰ نفر از اعضای عامل و خبر بیکار ساواک به دبیرخانه ملت ایران" از جانب سازمان ما، همانطور که انتظار میرفت موج وحشت گسترده‌ای بر سر جامعه ما را فرا گرفت. ملت دادعار ما که هنوز جامعه سنا شهیداس را بدر سنا وردهاست، متناسبانه از این افشاگری استقبال کرد و در همه جا، ادارات، وزارتخانه‌ها، کارخانه‌ها، دانشگاهها، مدارس و شرکت‌های گوناگون و...

بقیه در صفحه ۲۰

www.iran-archive.com